

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ازدواج آسان و پایدار

چرا و چگونه؟

فوق

تهیه شده در:

معاونت آموزش و پژوهش تشکیل فراگیر گروه های تبلیغی سراسر کشور





فروشگاه

چهارمقاله

عنوان کتاب: ازدواج آسان و پایدار چرا و چگونه؟ (مجموعه سخنرانی روشمند در موضوع ازدواج)

تهیه شده در: معاونت پژوهش گروه تبلیغ گروه هدایت استان چهارمحال و بختیاری

با همکاری تشکل فراگیر تبلیغ گروهی طلاب
پدید آورندگان:

حجج اسلام عابدین کاظمی نیا، مرتضی کریم زاده، علی حیدری
نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۵

ویرایش و چاپ دوم: اسفند ۱۴۰۰

طرح جلد: سید امیر حسین حسینی عارف
صفحه آراء: حسین زارعی زیاری

آدرس موسسه: قم صفاییه کوچه ممتاز دفتر مجمع نمایندگان استان چهارمحال و بختیاری

سایت: www.chtbligh.ir

مکان: قم، خیابان جمهوری، میدان سپاه،

انتهای خیابان اخلاقی، ساختمان شهید
حقانی، پلاک ۴۷

۰۲۵۳۲۴۰۰۳۶۰-۲

۰۹۰۲۴۱۰۹۸۰۶

www.bastefarhangi.ir

@bastefarhangi



فهرست

مقدمه کتاب..... ۱۱

جلسه اول: چرا ازدواج؟

- مقدمه: ۲۱
- زوجیت در تمام موجودات ۲۲
- برکات ازدواج..... ۲۵
- پیامدهای اهمیت ندادن به امر خیر ازدواج..... ۳۰
- مشکلات به وجود آمده بعد از طلاق ۳۲
- لزوم رعایت کفویت در انتخاب..... ۳۳
- نقش ازدواج در عاقبت انسان ۳۴

جلسه دوم: اهداف عالی ازدواج!

- مقدمه: ۴۱
- درب های رحمت الهی ۴۲
- سطوح بهره وری از ازدواج ۴۴
- رویکرد مادی (جنسی) ۴۴
- تداوم نسل است ۴۷
- مشارکت در زندگی..... ۴۸
- دیدگاه دین ۴۹
- مؤلفه سکونت ۵۰

- تربیت فرزند ۵۰
- سنگینی مهریه ضامن خوشبختی است؟ ۵۸

جلسه سوم: انتخاب آگاهانه!

- مقدمه ۶۳
- اهتمام دین به انتخاب آگاهانه ۶۳
- جهت‌دهی به زندگی ۶۶
- ازدواج احساسی ۶۷
- برکات یک انتخاب درست ۶۹
- معیارهای انتخاب ۷۱
۱. اخلاق ۷۲
۲. دین‌داری و ایمان ۷۳
۳. سلامت عقلانی و روانی ۷۴
۴. سلامت روانی ۷۵
۵. خانواده‌ها ۷۵
- شیوه‌های احراز ملاک‌ها ۷۵
- مشاهده ۷۵
- گفتگو ۷۶
- تحقیق ۷۸

جلسه چهارم: تسهیل در امر ازدواج

- مقدمه ۸۱
- سهل‌گیری در امر ازدواج ۸۲
- سخت‌گیری در ازدواج ۸۴
- چشم و هم‌چشمی عامل سخت‌گیری ۸۸

- ۹۰..... تکبر عامل سخت‌گیری
- ۹۱..... نمونه ازدواج آسان
- ۹۵..... حفظ دین ازدواج در جوانی
- ۹۸..... تسهیل همگانی

جلسه پنجم: انتخاب خویش قبل از انتخاب همسر

- ۱۰۵..... مقدمه:
- ۱۰۶..... خودشناسی
- ۱۰۷..... انتخاب خویش قبل از انتخاب همسر است
- ۱۰۹..... ضرورت خودآگاهی
- ۱۱۱..... الطیبات للطیبین
- ۱۱۴..... مشخص کردن اهداف در زندگی
- ۱۱۵..... هدف انسان را از حیرت در می‌آورد
- ۱۱۷..... مهم‌ترین ویژگی‌های اهداف
- ۱۱۷..... ویژگی اول: هدف ارزشمند باشد
- ۱۲۰..... ویژگی دوم
- ۱۲۰..... ویژگی سوم

جلسه ششم: آمادگی‌های قبل از ازدواج

- ۱۲۵..... مقدمه:
- ۱۲۹..... شناخت خود و مسیر زندگی
- ۱۳۰..... استقلال از والدین
- ۱۳۲..... تعهد و مسئولیت‌پذیری
- ۱۳۴..... گذشت و ایثار
- ۱۳۶..... توانایی کنترل غضب

- مهارت‌ها ۱۳۹
- مهارت‌های ارتباطی ۱۳۹
- مهارت‌های حل اختلاف ۱۴۰
- مهارت تصمیم‌گیری و اراده ۱۴۱
- لزوم مشاوره در ازدواج ۱۴۱

جلسه هفت: شناخت شریک

- مقدمه ۱۴۵
- تفاوت در ارتباط کلامی ۱۴۶
- تساوی در اصل آفرینش ۱۴۸
- هر دو مختار هستند ۱۴۹
- اقتدارطلبی در مرد و احساس‌گرایی در زن ۱۵۲
- قاعده مهم و کلیدی در پایدار ماندن ازدواج ۱۵۴
- دوست داشتن زنان از اخلاق انبیا است ۱۵۵
- استفاده نا به‌جای مرد از اقتدار ۱۵۷
- تفاوت در ارتباط کلامی ۱۵۹
- عمقی بودن مرد و سطحی بودن زن ۱۵۹

جلسه هشتم: باورهای غیرمنطقی

- مقدمه: ۱۶۵
- باورهای ناصحیح ۱۶۶
- عقاید غیرمنطقی ازدواج ۱۶۹
- عقاید مانع ازدواج ۱۶۹
- وقتی پیشرفت شخصی‌ام تمام شد ازدواج می‌کنم ۱۷۲
۱. شناخت به‌وسیله ارتباط قبل از ازدواج ۱۷۵

- ۱۷۶..... تمرکز بر خانواده یا عدم آن
- ۱۷۸..... ۲. ازدواج همه مشکلات را حل می‌کند
- ۱۷۸..... ۳. عشق نشانه صحت انتخاب است
- ۱۷۹..... ۴. مهریه سنگین باعث قوام زندگی می‌شود
- ۱۸۲..... ۵. با ازدواج به آزادی و استقلال می‌رسیم
- ۱۸۳..... ۶. اگر ازدواج نکنم سنم بالا می‌رود

جلسه نهم: قاعده طلایی برای پایداری ازدواج

- ۱۸۷..... مقدمه:
- ۱۸۸..... دنیا دارای قواعدی اجتناب‌ناپذیر
- ۱۹۷..... تحمل یکی از تمرین‌های روح در زندگی
- ۲۰۰..... دیدن خوبی‌ها تمرین دوم

جلسه دهم: تهدیدات پایدار ماندن ازدواج

- ۲۰۵..... مقدمه:
- ۲۰۵..... دسته اول آسیب‌های قبل از ازدواج
- ۲۰۶..... تهدیدات پایدار ماندن ازدواج
- ۲۰۸..... ۴ مورد از افت‌های ازدواج
- ۲۱۱..... جوان‌ها برای کاهش مخالفت‌ها چه کنند؟
- ۲۱۲..... ۲. روابط نامشروع قبل از ازدواج
- ۲۱۴..... شاید که نگاهی کند آگاه نباشیم
- ۲۱۴..... الف) بفرض منجر به ازدواج بشود
- ۲۱۶..... ب) اگر منجر به ازدواج نشود
- ۲۱۷..... ضعیف شدن اعتماد به نفس جنس مقابل
- ۲۱۸..... مقایسه دوست سابق با همسر

تنوع طلبی..... ۲۱۸

سوء استفاده و باج خواهی..... ۲۱۹

۳. توقعات غیرمنطقی..... ۲۱۹

اما چه کنیم؟..... ۲۲۰



مقدمه کتاب

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱

ازدواج نخستین سنگ بنای تشکیل خانواده و بالطبع، جامعه و اجتماع است و میزان اندیشه و تدبر در آن در میزان پیشرفت یا انحطاط و صعود یا سقوط جامعه تاثیر دارد. ازدواج دارای آثار و نتایج بسیاری است؛ از جمله: ارضای غریزه جنسی، تولید و بقای نسل، تکمیل و تکامل انسان، آرامش و سکون، پاک دامنی و عفاف و نتایج متعدد دیگر.

از این رو، اسلام - به عنوان یک مکتب آسمانی - آن را نه تنها کاری محبوب و مقدس دانسته، بلکه جوانان را مؤکداً بدان توصیه کرده است.

ازدواج از این نظر که عاملی برای نجات از آلودگی، موجبی برای نجات از تنهایی و سببی برای بقای نسل است، خودداری از آن همیشه سبب ایجاد بی تعادلی، نابهنجاری رفتاری و زمانی هم



فساد شخصیت و حتی بیماری جسمی می‌گردد؛ بنابراین، بهترین و بالاترین نعمت‌ها برای هر زن و مرد از نظر اسلام تشکیل خانواده است.

در دین مبین اسلام علاوه بر اینکه اصل ازدواج مورد تأکید است به چگونگی آن نیز اهمیت فراوان داده شده و درخصوص نحوه مواجهه با آن از طرفی و ملاک‌ها و معیارهای انتخاب همسر به عنوان شریک زندگی توصیه‌های راه‌گشایی شده است.

از آنجا که ماه مبارک رمضان زمینه مساعدی برای ارتباط موثر مبلغین گرامی با آحاد مردم علی‌الخصوص جوانان می‌باشد در این مختصر تلاش شده است تا محتوای ده جلسه سخنرانی روشمند با چینی‌شنی منطقی و علمی و روشی اقناعی برای طرح در محافل وعظ و خطابه تهیه گردد.

از خوانندگان گرامی تقاضا می‌کنیم برای استفاده بهتر از این نوشته با دقت و حوصله نکات زیر را مطالعه فرمایند.

یکم:

لازم است مبلغین گرامی توجه فرمایند که ترویج و تبلیغ ازدواج می‌تواند از بهترین راه‌کارهای کاهش آسیب‌های اجتماعی باشد و مبلغین و خطبا به عنوان بخشی از گروه‌های مرجع، وظیفه‌ترغیب خانواده‌ها و جوانان را به امر ازدواج داشته و لازم است این توصیه همراه با ارائه بینش بوده و امر ازدواج را با دو قید آسان و پایدار تبلیغ نمایند.

دوم:

مبلغین گرامی لازم است در خصوص وضعیت ازدواج در کشور اطلاعات مختصر و واقعی داشته باشند که بر این اساس به اختصار آخرین تحلیل آماری سازمان ثبت احوال کشور که در اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ ارائه شده است را بازخوانی میکنیم.

سازمان ثبت احوال توضیح می دهد که بخشی از کاهش ازدواج ها در سالهای اخیر طبیعی و قابل پیش بینی بوده است و از این جهت مشکلی نیست.

روند ثبت ازدواج قبل از سال ۱۳۸۹ روندی افزایشی بوده و هر سال آمار ازدواج، متأثر از ساختار سنی جمعیت رو به افزایش بوده و رقم آن به ۸۹۱ هزار می رسد، اما از آن به بعد روند کاهش شروع می شود که مهم ترین دلیل آن بحث تغییر ساختار سنی جمعیت است که متولدین دهه ۶۰ که بیشترین مولید کشور در آن سالها بوده، به سن ازدواج رسیده بودند و حالا در حال عبور از پیک سن ازدواج هستیم و طبق انتظاری که در اثر تغییر ساختار جمعیتی داشتیم، شاهد روند کاهش ازدواج هستیم تا جایی که در سال ۹۳، ۷۲۴ هزار ازدواج ثبت شد.^۱

اما آنچه در کنار کاهش ازدواج یک تهدید جدی و زمینه ساز برخی از آسیب های اجتماعی باشد افزایش سن ازدواج است.

بر اساس آمارهای رسمی سازمان ثبت احوال کشور در پایان سال



۱۳۹۴:

میانگین سن ازدواج مردان به ۲۸٫۱ سال و برای زنان ۲۳٫۵ سال رسیده است؛ درحالی‌که در دهه ۵۰ برای مردان ۲۴٫۱ و برای زنان ۱۹٫۷ سال بوده است. البته این آمار میانگین کل کشوری است و در مورد کلان‌شهرها فرق می‌کند. مثلاً در تهران میانگین سن ازدواج مردان ۳۱ سال و زنان ۲۷ سال، کرج و شیراز مردان ۳۰ سال و زنان ۲۶ سال است. حتی در شمال تهران میانگین سن ازدواج مردان ۳۲ سال و زنان ۳۰ سال و در جنوب تهران در منطقه ری میانگین سن ازدواج برای مردان ۲۸ و برای زنان ۲۴ سال است.^۱

سرشماری‌های سالهای اخیر نشان می‌دهد چه تعداد افراد در معرض ازدواج هستند. سن متعارف براساس آمار بیشترین ازدواج، در یک رده سنی بیان می‌شود. آمارهای پایگاه اطلاعات جمعیتی کشور در سازمان ثبت احوال نشان می‌دهد که بیشترین ازدواج مردان بین سنین ۲۰ تا ۳۴ سالگی و برای زنان بین ۱۵ تا ۲۹ سالگی است.

۱۱ میلیون و ۲۴۰ هزار نفر در سنین بالا هستند که هنوز ازدواج نکرده‌اند؛ یعنی این افراد در سن متعارف ازدواج قرار دارند، اما هرگز ازدواج نکرده‌اند. از این بین ۵ میلیون و ۵۷۰ هزار مرد و ۵ میلیون و ۶۷۰ هزار زن هستند.^۲

این افراد به سه گروه تقسیم می‌شوند که عمده آنها افرادی هستند که در سنی هستند که زمان ازدواج آنها محسوب می‌شود:

۱ همان

۲ همان

گروه دیگر، کسانی هستند که از سن متعارف عبور کرده‌اند و قبل از سن مجرد قطعی قرار دارند (سن مجرد قطعی ۵۰ سالگی است)، اما هنوز ازدواج نکرده‌اند. این گروه یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر هستند که شامل ۳۲۰ هزار مرد و ۹۸۰ هزار زن می‌شود؛ یعنی زنان هرگز ازدواج نکرده بالای سن متعارف و قبل از مجرد قطعی، سه برابر مردان با این شرایط هستند.

آن‌هایی که از سن ۵۰ سالگی عبور کرده‌اند و هرگز ازدواج نکرده‌اند، ۱۵۲ هزار نفر هستند که شامل ۶۲ هزار مرد و ۹۰ هزار زن است که زنان ۱٫۵ برابر بیشترند.

گروه سوم کسانی هستند که بدون همسر در اثر فوت یا طلاق هستند و یک‌بار تجربه ازدواج داشته‌اند. بدون همسر در اثر فوت ۲ میلیون و ۶۵۲ هزار نفر که مردان ۳۳۲ هزار نفر و زنان ۲ میلیون و ۳۲۰ هزار نفر هستند. بدون همسر در اثر طلاق نیز ۶۵۷ هزار نفر است که ۲۱۴ هزار مرد و ۴۴۳ هزار زن هستند.^۱

آنچه اهمیت پرداختن مبلغین دینی به ترویج ازدواج آسان و پایدار را چند برابر می‌کند توجه به وضعیت طلاق در کشور است. آمار طلاق همواره از دهه ۷۰ به بعد روندی افزایشی داشته است. در اوایل دهه ۷۰ سالانه نهایتاً ۳۰ هزار طلاق ثبت می‌شد. از اواسط دهه ۸۰ از مرز ۱۰۰ هزار عبور کرد و آخرین آمار نشان می‌دهد ۱۶۳ هزار طلاق در سال ۱۳۹۳ ثبت شده است.



در اوایل دهه ۷۰، ۶٫۳ درصد از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامید. این رقم در اواسط دهه ۸۰ از مرز ۱۰ درصد عبور کرد و نهایتاً در آخرین آمار سالانه در سال ۹۳ به ۲۲٫۶ رسید؛ به طوری که می‌توان گفت از هر ۴٫۵ تا ۵ ازدواج یک طلاق ثبت می‌شود که این موضوع در کلان‌شهرها به مراتب متفاوت است؛ به طوری که در تهران، مشهد و کرج ۳۴ درصد ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شوند و وجه مشترک این شهرها نیز مهاجرپذیری آنهاست. حتی در شهری مانند مشهد با وجود قداستی که دارد، موضوع مهاجرپذیری، در آمار طلاق تأثیر می‌گذارد؛ زیرا افراد با شناخت کمتری نسبت به جوامع سنتی‌تر با یکدیگر ازدواج می‌کنند و پایداری ازدواج‌شان پایین می‌آید. این درصدها حتی در کلان‌شهرها هم متفاوت است؛ پس نمی‌توان گفت بحث‌های اقتصادی، عامل اصلی طلاق بوده؛ در شمال شهر تهران ۵۷ درصد ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد.

از دیگر مسایل کلیدی و مهم قابل توجه زمان و فاصله بین ازدواج تا طلاق است.

۱۴ درصد طلاق‌های سالانه را طلاق‌های سال اول زندگی تشکیل می‌دهند و ۴۸٫۵ درصد برای پنج سال اول زندگی است. به طور میانگین دوام ازدواج در طلاق‌های ثبت‌شده، حدود هشت سال است. روند تغییرات در طول سال‌های اخیر برای سال اول زندگی بین ۱۴ تا ۱۵ درصد بوده است که از دلایل آن می‌توان به مسایلی مانند تاب‌آوری و طلاق توافقی اشاره کرد.

از آن جایی که بیشترین ازدواج‌ها برای در سن مردان ۲۵ تا ۲۹ سالگی و برای زنان در سن ۲۰ تا ۲۴ سالگی است، طلاق‌های سال اول هم که یک سال پس از زندگی مشترک انجام می‌شود، در همان حدود سنی و تقریباً زیر ۳۰ سال است. طلاق‌های پنج سال اول زندگی هم حدود ۳۰ سالگی انجام می‌شود.^۱

سوم:

برای فرآیند مشاوره قبل از ازدواج PMC شیوه ای علمی و دقیق تعریف شده است؛ اما از آنجا که کتاب زیر به جهت ارائه منبر توسط مبلغین گرامی و آنهم در جلسات عمومی وبا تنوع شرکت کنندگان مختلف تهیه شده است، پیروی از آن فرآیند یقیناً از حوصله مخاطبین خارج بوده و به نوعی کسالت آور بود. بر همین اساس تلاش جدی شده است؛ تا بخشی از همان مطالب به بیانی آسان و در غالب منبر با تنوع محتوایی تدوین شود تا اثر بخشی آن بیشتر شود.

چهارم:

در ابتدای هر سخنرانی متن مختصری به عنوان سیر مباحث تقدیم شده است که توجه و دقت در آن، برای ارائه بهتر مطالب کمک شایانی است.

در پایان ضمن مبری ندانستن خود از خطا و قصور از همه خوانندگان

گرامی استدعا داریم نقطه نظرات خود را به جهت تکمیل مباحث
با ما درمیان بگذارند.
با آرزوی موفقیت همه عزیزان

جلسه اول:

چرا ازدواج؟



مقدمه:

موضوع سخن در این جلسه تبیین ضرورت و اهمیت امر خطیر ازدواج از نگاه عقل و دین است.

در این جلسه تلاش می‌شود هم والدین را به اهمیت ازدواج فرزندان آگاه کنیم و هم دیدگاه‌های مناسبی به افراد مجرد برای ازدواج بدهیم از این‌رو دیدگاه دین در اهمیت ازدواج بهنگام، آثار و ثمرات ازدواج، پیامدهای عدم دقت و توجه در ازدواج، نکوهش تجرد و اهمیت کفویت در انتخاب از مطالبی است که در این جلسه تقدیم می‌کنیم

درنهایت ازدواج پایدار ازدواجی معرفی می‌شود که زوجین برای هم چون لباس باشند و بتوانند زمینه رشد و تکامل هم را تأمین کرده و ارضاء نیازهای عاطفی و جسمی و ... همدیگر را فراهم نمایند.

با این هدف که ان شا الله برای مخاطبین عزیز انگیزه ایجاد شود تا در مورد ازدواج بیشتر بدانند چگونه ازدواج پایدار می‌ماند و این



ثمرات بر آن مترتب می‌شود، موانع ازدواج جوانان عزیز چیست و چگونه موانع برطرف می‌شوند.

زوجیت در تمام موجودات

انسان تا قرن‌ها گمان می‌کرد که مسئله‌ی زوجیت و وجود جنس نر و ماده فقط در مورد بشر و حیوانات و برخی رویدنی‌ها مثل خرما صادق است، اما کارل لینه (۱۷۰۷-۱۷۸۷ م) گیاه‌شناس معروف سوئدی نظریه‌ای را مطرح کرد مبنی بر وجود نر و ماده در بین همه گیاهان در سال ۱۷۳۱ (میلادی) این نظریه مورد استقبال جدی دانشمندان قرار گرفت.^۱

سپس دانشمندان دیگر کشف کردند که ماده از تراکم انرژی به صورت ذرات بی‌نهایت ریزی که اتم نامیده می‌شود، تشکیل یافته است که بین این ذرات ارتباط‌هایی وجود دارد پس از گذشت مدتی مسئله‌ی زوجیت به همه اشیا سرایت داده شد؛ چراکه دانشمندان کشف کردند که واحد ساختمانی موجودات یعنی اتم از الکترون‌ها (با بار منفی) و پروتون‌ها (با بار مثبت) تشکیل شده است. ماکس پلانک فیزیکدان نامی قرن بیستم گفت: «هر جسم مادی مرکب است از الکترون‌ها و پروتون‌ها».^۲

قرآن کریم به‌عنوان یک معجزه علمی (در زمانی که از لابراتوارها

۱ پی‌یر روسو، تاریخ علوم، ص ۳۵۴ و ۴۰۸ به بعد، ترجمه حسن صفاری و نیز گودرز نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ص ۵۷ و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۷. ۳۷۸.
۲ ماکس پلانک، تصویر جهان در فیزیک جدید، ص ۹۵، ترجمه مرتضی صابر.

و آزمایشگاه‌ها خبری نبود و علم، صنعت و فناوری امروزی را حتی کسی تصور نمی‌کرد) زوجیت را برای عالم نباتات و فراتر از آن برای همه کائنات اعلام داشت «... وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلْنَا فِيهَا زَوْجَيْنِ إِثْنَيْنِ»^۱

در زمانی که بشر در آن زمان نه تنها قادر به کشف آن نبود که حتی توان تصور آن را هم نداشت. تا پس از قرن‌ها در اواسط قرن «۱۸ میلادی» «لینه» دانشمند گیاه‌شناس معروف (سوئدی) این واقعیت را کشف و اعلام داشت که زوجیت یک قانون عمومی در گیاهان می‌باشد.^۲

شاعر چه زیبا فرموده که:
به نزد آنکه جانش در تجلّست همه عالم صفات حق تعالی است.^۳
چگونه یک عده این عظمت را نادیده می‌گیرند اگر به ذره ذره عالم توجه کنند خدا را می‌بینند.

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار^۴
بله قرآن نه تنها زوجیت را برای جهان گیاهان ثابت کرده است که برای تمام پدیده‌ها و مخلوقات در کائنات به اثبات رسانده است.

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (ذاریات: ۴۹)

آن خالق حکیمی که به تمام هستی جامه وجود پوشانده است با

۱ رعد آیه ۳

۲ تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص: ۱۱۵

۳ گلشن راز شبستری

۴ مواظ سعدی قصابان، قصیده ۲۵ در وصف بهار



حکمت و قدرت بی‌نهایتش همه را از نعمت زوجیت (که از اسرار بقا، ثبات و ثمر آفرینی است) برخوردار کرده است و بشر را به تذکر و تفکر در این رمز حیرت‌زا فراخوانده است. **لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ** تا دقت کند که این زوجیت که به تعبیر دیگر همان نیروهای مثبت و منفی است، در جهان اثر آفرین خواهد بود.

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا!

ای مالک و مربی ما، این خلقت و آفرینش را بر باطل به وجود نیآورده‌ای.

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود*** هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار^۱

حقیقتاً جای فکر دارد باید هزاران بار این آیه را تکرار کرد که رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا.

هیچ چیز در عالم بدون حساب کتاب نیست مخصوصاً خلقت خاص خداوند؛ در عظمت این نکته همین بس که خداوند فرموده ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...﴾ در کنار اینکه فرموده است: وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ^۲. عظمت آسمان‌ها و زمین کجا که هرروزی گوشه‌ای از عظمت آن کشف می‌شود جز آیات و نشانه‌های عظمت خدا بیان شده در کنار

۱ آل عمران ۱۹۱

۲ مواظ سعدی قصابند، قصیده ۲۵ در وصف بهار

۳ روم آیه ۲۱

۴ شوری ۲۹

آن این‌که خداوند برای شما زوج قرار داده تا در کنار او به آرامش و سکونت برسید از آیات الهی دانسته شده و این عظمت زوجیت را می‌رساند. بعضی‌ها خیلی به مقوله زوجیت و ازدواج سطحی نگاه می‌کنند.

برکات ازدواج

رسول الله ﷺ می‌فرمایند:

﴿مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي﴾

هرکس ازدواج کند نصف دین خود را به دست آورده پس باید که از خدا بترسد از نصف دیگر دینش.

این یکی از آثاری است که برای این امر مقدس بیان شده و خوبان عالم با امید کسب این ثمر در مسیر ازدواج قدم گذاشته‌اند. خانواده شهید حسین زارع کاریزی می‌گویند: حسین ما به قد و قواره‌اش نمی‌آمد که درباره ازدواج بگوید؛ اما با صراحت تمام موضوع را مطرح کرد!

گفتیم: زود است، بگذار جنگ تمام شود، خودمان آستین بالا می‌زنیم.

گفت: نه پیامبر فرموده‌اند ازدواج کنید تا ایمانتان کامل شود، من هم برای تکمیل ایمان باید ازدواج کنم، باید!
همین‌ها را گفت که در سن نوزده سالگی زنش دادیم!
گفتیم: حالا بگو دوست داری همسرت چگونه باشد؟ گفت: ((عفیف



باشد و با حجاب.)^۱

نعمت‌های زیادی در دنیا وجود دارد و ما بهره می‌بریم خداوند تفضل‌های زیادی به مخلوقاتش داشته و دارد با این وجود رسول خدا فرمودند: «مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمًا فَايْدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا»^۲

مرد مسلمان بعد از بهره اسلام هیچ لذت و بهره‌ای بالاتر از همسری مسلمان نخواهد برد که چون بدو نگرد مسرورش سازد.

همسر شهید زین‌الدین می‌گوید قبل از مراسم عقد تا مهمان‌ها بیایند برای مراسم عقد، توی اتاق تنها بودیم. مهر خواست. گفتم... تا نگویند چرا می‌خواهید نماز بخوانید مهر به شما نمی‌دهم.

گفت: خدا به من هم سر داده. می‌خواهم نماز شکر بخوانم.^۳
واقعاً هم جای شکر دارد وقتی نبی خدا (صل الله علیه و آله) می‌فرماید: بعد از بهره اسلام هیچ لذت و بهره‌ای بالاتر از همسری مسلمان نخواهد بود باید برای این نعمت سر به سجده گذاشت
بینید

از این رو فقیهان ازدواج را از مستحبات مؤکد برشمرده‌اند و آن را برای کسی که به سبب نگرفتن همسر به گناه بیفتد، واجب دانسته‌اند.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعُرَابُ^۴.

۱ قربانگاه عشق، ص ۱۰۸

۲ اصول کافی ج ۵ ص ۳۲۷

۳ یادگاران، جلد ۵ کتاب شهید عبدالله میثمی، ص ۴۷

۴ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۳۸۴

اکثر اهل آتش در قیامت آنانی هستند که از ازدواج و تشکیل خانواده
امتناع کردند.

روایت واقعاً عجیب است چه سزای در ازدواج است که انسان را
بهستی می‌کند؛ بیانات عجیبی از ناحیه معصومین به ما رسیده که
در عظمت ازدواج و ضرورت آن جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی
نمی‌ماند شما ببیند در قرآن می‌فرماید کسی که از دنیا می‌رود
التماس می‌کند خدایا من را به دنیا برگردان خب بفرض خدا
برگرداند به نظر شما او چه می‌کند رسول خدا جواب داده حضرت
فرمود: لَوْ خَرَجَ الْعَزَابُ مِنْ مَوْتَاكُمْ إِلَى الدُّنْيَا لَتَرَوْجُوا^۱ اگر آنان که
عزب مردند به دنیا برگردند، حتماً ازدواج خواهند کرد.
واقعاً میان نگاه ما به ازدواج و نگاه معصومین تفاوت از زمین تا
آسمان است.

مرحوم شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

تشکیل خانواده یعنی يك نوع علاقه‌مند شدن به سرنوشت دیگران
است ... و یکی از علل این‌که در اسلام ازدواج يك امر مقدس و
عبادت تلقی شده است همین است... ازدواج اولین مرحله خروج
از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است...
پختگی‌ای که در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده ایجاد می‌شود، در
هیچ جای دیگر نمی‌توان به آن رسید؛ و آن را فقط در ازدواج و
تشکیل خانواده باید به دست آورد.^۲

۱ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص: ۱۵۷

۲ مجموعه آثار ج ۲۲ ص ۶۷۹



شهید زین‌الدین روی بچه‌های متاهل یک جور دیگر حساب می‌کرد. می‌گفت «کسی که ازدواج کرده، اجتماعی‌تر فکر می‌کند تا آدم مجرد». بعد از عقد که برگشتم جبهه، چنان بغلم کرد و بوسید که تا آن موقع این‌طور تحویلیم نگرفته بود. گفت «مبارکه، جهاد اکبر کردی.»^۱

بسیاری از رجال دانش و مردان بزرگ و دانشمندان و علمای اسلامی را، صفحات تاریخ نشان می‌دهد در سایه ازدواج که موجب آرامش و امنیت خاطر آنان گردید به مقامات بلند و بزرگی از علم و دانش رسیدند و در علم و تقوا و پاکی و کرامت و خدمت و عبادت زبانزد خاص و عام شدند.

در کتاب زندگانی آیت‌الله بروجردی در صفحه ۹۵ می‌خوانیم: در سال ۱۳۱۴ که بیست‌ودو بهار عمر را پشت سر می‌گذاشت، پدرش نامه‌ای به وی نوشت و او را به بروجرد احضار کرد، او گمان می‌کرد پدرش می‌خواهد او را برای ادامه تحصیل به نجف اشرف که بزرگ‌ترین حوزه علمیه شیعه بود بفرستد، ولی پس از ورود و دیدار پدر و بستگان، مشاهده می‌کند که به عکس انتظار وی، مقدمات ازدواج و تأهلش را فراهم کرده‌اند.

از این پیش آمد اندوهگین می‌شود و چون پدرش متوجه می‌گردد و علت اندوه و تأثر او را می‌پرسد می‌گوید: من با خاطر آسوده و جدیت بسیار سرگرم کسب علم بودم، ولی اکنون بیم آن دارم که

۱ یادگاران، جلد ده، کتاب شهید زین‌الدین، ص ۶۴

تأهل میان من و مقصودم حائل گردد و مرا از تعقیب مقصود و نیل به هدف بازدارد.

پدر به وی می‌گوید: فرزند این را بدان که اگر به دستور پدرت رفتار کنی امید است که خداوند به تو توفیق دهد تا بتوانی به ترقیّات مهمّی که در نظر داری نائل شوی، احتمال این را هم بده که اگر ترتیب اثر به این آرزوی پدر ندهی، با همه جدّیتی که در تحصیل‌داری بجایی نرسی!

گفته پدر تأثیر بسزایی در وی می‌بخشد و او را از هرگونه تردید بیرون می‌آورد و سرانجام پس از ازدواج و اندکی توقف مجدداً به اصفهان برگشته پنج سال دیگر به تحصیل و تدریس علوم فنون مختلفی اهتمام می‌ورزد.

همسر وفادار و هم‌کفو او در اصفهان آن چنان وسایل راحت و آرامش و امنیت آن مرد بزرگ را فراهم می‌آورد و به‌عنوان یاری مهربان، معاونی شفیق، خدمتگزاری متین، دلسوزی مهربان، زمینه انواع ترقیّات شوهر گران‌مایه‌اش را تحقق می‌دهد، که در آن پنج سالی که در اصفهان با آن زن باکرامت می‌زیست از علوم و فنون متداول بهره‌ها گرفت و چنان بانشاط و پشتکار مشغول تحصیل بوده که بعضی شب‌ها تا سپیده‌دم سرگرم مطالعه بوده است، همسر علامه طباطبایی، فقط وسایل آسایش ایشان را فراهم کرده، نیم ساعت به نیم ساعت برای ایشان چای می‌آورده، اما در یک استکان جدید برای ایشان چای می‌ریخته و همان زمان که چای را می‌آورده، آن



استکان قبلی را برمی داشته که دو بار نیاید و برود که حواس آقا پرت شود.

لذا به علامه طباطبایی (اعلی الله مقامه الشریف) گفتند: نصف تفسیر المیزان برای همسرت است و با توکار نداریم، چون آن را بخشیدیم و مال ایشان است.^۱

پاسخ صحیح به غرایز وجودی انسان باعث کسب آرامش است و این برای تمرکز و تمحض علمی لازم است.

هم چنین استعدادهای آدمی برای بروز و تکامل خود نیازمند محیطی امن و آرامند. ازدواج برای جوان آرامش و آسایش ایجاد می کند، ازدواج و همسر داری و توجه به امور فرزندان علاوه بر آثار مثبت دنیایی، ثمرات عجیب معنوی برای انسان دارد.

نماز شب، تهجد و عبادت و شب زنده داری در مکتب ما سفارش زیادی به آن شده، بالین وجود امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: «دو رکعت نماز شخص متأهل بهتر از شب زنده داری شخص مجرد است که تمام شب را به نماز ایستاده و روزه را به روزه داری پردازد».^۲

پیامدهای اهمیت ندادن به امر خطیر ازدواج

در هر صورت جامعه میوه و ثمره ی خانه است و وکیل و وزیر و رئیس جمهور و کارگزاران يك ملت ریشه در خانه و خانواده دارند و منبع اصلی تربیت و شکل گیری آنان خانه و کارگردانان خانه هستند، خانه

۱ به نقل از آیت الله قرهی، خبرگزاری مهر

۲ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳۲۷

به مانند يك زمين است، اگر زمين جدای از حق و حقیقت باشد کویری نمک زار است که سنبل و گل نخواهد داد و اگر زمين متصل به حق و حقیقت باشد، توقع سنبل و گل از آن توقعی معقول و منطقی است. گرچه امروز مسئله ازدواج آن قدر در میان آداب و رسوم غلط و حتی خرافات پیچیده شده که به صورت یک جاده صعب‌العبور برای جوانان درآمده است خدا به ما توفیق دهد در این جلسات درد دل جوانان عزیز و خانواده‌ها را هم بیان می‌کنیم این رسوم بعضاً مخالف نص صریح بیانات قرآن و اهل بیت ماست ولی این به این معنا نیست که سرسری و باعجله و بدون دقت ازدواج انجام شود چراکه یکی از عوامل پایدار نماندن ازدواج‌ها عدم دقت در انتخاب و سرسری گرفتن ازدواج است که ضررهای جبران‌ناپذیری را بار می‌آورد که یکی از آنان طلاق است طلاق یکی از مشکلات جدی جامعه ماست که در صد بالایی از آن برمی‌گردد به پایین بودن آگاهی در مورد ازدواج و نکات موردنیاز در آن که ان شا الله در جلسات آینده بیان می‌کنیم ازدواج عزیزان مهم است تا خدایی نکرده به طلاق منجر نشود.

در روایات اسلامی، شدیداً از طلاق مذمت گردیده و به عنوان مبعوض ترین حلال‌ها، از آن یاد شده است، چنانکه در روایتی از پیامبر ﷺ می‌خوانیم:

مَا مِنْ شَيْءٍ أَنْبَغُضَ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُخْرَبُ فِي الْإِسْلَامِ



بِالْفُرْقَةِ يَغْنَى الطَّلَاقُ^۱ هیچ عملی منفورتر، نزد خداوند متعال از این نیست که اساس خانه‌ای در اسلام با جدائی (یعنی طلاق) ویران گردد.

اعمال ناشایست و منفور زیادی وجود دارد که ما نباید به آن‌ها نزدیک شویم طلاق منفورترین معرفی شده است.

باز در حدیث دیگری از رسول اکرم ﷺ آمده است که فرمود: تَزَوَّجُوا وَلَا تُطَلِّقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَرُ مِنْهُ الْعَرْشُ^۲

ازدواج کنید و طلاق ندهید که طلاق عرش خدا را به لرزه درمی‌آورد. ما سریع از این عبارات رد می‌شویم دوستان عزیز به لرزه افتادن عرش خدا اتفاق کوچکی نیست.

چرا چنین نباشد، درحالی‌که طلاق مشکلات زیادی برای خانواده‌ها و زنان و مردان و مخصوصاً فرزندان به وجود می‌آورد که آن را عمدتاً در سه قسمت می‌توان خلاصه کرد:

مشکلات به وجود آمده بعد از طلاق

۱. **مشکلات عاطفی:** بدون شك مرد و زنی که سال‌ها یا ماه‌ها با یکدیگر زندگی کرده‌اند، سپس از هم جدا می‌شوند، از نظر عاطفی جریحه‌دار خواهند شد و در ازدواج آینده خاطره ازدواج گذشته، دائماً آن‌ها را نگران می‌دارد و حتی به همسر آینده با یک نوع بدبینی و سوءظن می‌نگرد. آثار زیان‌بار این امربر کسی مخفی نیست و لذا

۱ کافی، ج ۵، ص ۳۲۸.

۲ مکارم‌الاخلاق، ص ۱۹۷

بسیار دیده شده که این‌گونه زنان و مردان برای همیشه از ازدواج چشم می‌پوشند.

۲. مشکلات اجتماعی: بسیاری از زنان، بعد از طلاق، شانس زیادی برای ازدواج مجدد، آن‌هم به‌طور شایسته و دلخواه ندارند و از این نظر گرفتار خسران شدید می‌شوند و حتی مردان نیز بعد از طلاق دادن همسر خود، شانس ازدواج مطلوبشان به مراتب کمتر خواهد بود، مخصوصاً اگر پای فرزندی در میان باشد، لذا غالباً ناچار می‌شوند تن به ازدواجی دردهند که نظر واقع آن‌ها را تأمین نمی‌کند و از این نظر تا پایان عمر رنج می‌برند.

۳. مشکلات فرزندان: (که از همه این‌ها مهم‌تر است) کمتر دیده شده است که نامادری‌ها همچون مادر، دلسوز و مهربان باشند و بتوانند خلأ عاطفی فرزندان را که از آغوش پرمهر مادر بریده شده‌اند پر کنند، همان‌گونه که اگر زن سابق، فرزند را با خود ببرد، در مورد ناپدیری نیز این صادق است، البته هستند زنان و مردانی که نسبت به غیر فرزندان خود پرمحبت و وفادارند، ولی مسلم است که تعداد آنها کم است و به همین دلیل فرزندان بعد از طلاق، گرفتار بزرگترین زیان و خسران می‌شوند و شاید غالب آن‌ها سلامت روانی خود را تا آخر عمر از دست می‌دهند.

لزوم رعایت کفویت در انتخاب

برای درامان ماندن زندگی از این آسیب‌ها باید در امر خطیر ازدواج مخصوصاً انتخاب دقت کرد زن و شوهر باید هم‌کفو باشند.



رسول خدا ﷺ روزی بالای منبر رفت و مردم را نسبت به ازدواج دخترانشان ترغیب کرد. کسی از حضرت پرسید دخترانمان را به ازدواج چه کسی دریاوریم؟

حضرت فرمود: به کفوها.

مردی گفت: کفو چه کسی است؟

حضرت فرمود: مؤمنان کفو همدیگرند، مؤمنان کفو همدیگرند.^۱

این روایت کفویت را در یک بیان کلی تعریف می‌کند؛ اما در روایات دیگر تبیین بیش‌تری از کفویت آمده است؛ مثلاً در روایتی رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

هرگاه کسی که اخلاق و دینش را می‌پسندید، به خواستگاری نزد شما آمد، به او زن بدهید که: «اگر چنین نکنید فتنه و فساد بزرگی پدید آید».^۲

با توجه به این روایت می‌توان گفت کفویت به معنای هم‌سویی در عقاید و اخلاق است.

نقش ازدواج در عاقبت انسان

در تفسیر ابوالفتوح رازی آمده: جوانی در اوقات نماز بالای مأذنه مسجد اذان می‌گفت، یک روز در حال اذان گفتن به خانه‌های اطراف مسجد نظر انداخت، نظری که اسلام از بابت مصلحت انسان و حفظ وی از فتنه‌ها حرام کرده است.

۱ ابواب مقدمات نکاح وسائل الشیعه.

۲ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۹۶

ناگهان دیده‌اش در خانه‌ای به دختری نیکومنظر و صاحب‌جمال افتاد، دل به او داد، پس از اذان در آن خانه را کوید، صاحب‌خانه در را باز کرد، جوان به او گفت اگر دختر به شوهر می‌دهید، من به او مایلم، صاحب‌خانه گفت ما «آشوری» مذهبیم، اگر مذهب ما را انتخاب کنی من از اینکه دخترم را به تو تزویج کنم منعی نمی‌بینم. جوان که دل به زیبایی و جمال دوخته بود و از انتخاب هم‌کفو روی گردانده بود و دلّال خود را در ازدواج چشم و شهوت و جمال و زیبایی قرار داده بود، از پذیرش شرط پدر دختر استقبال کرد، از اسلام دست برداشت، به شرك روی آورد، به‌روز عقد دختر از بالای پله‌های خانه با سر به زمین آمد و به هلاکت ابدی دچار شد!

انسان موجودی است با زندگی اجتماعی لذا باید شخصیتی اجتماعی داشته باشد تا بتواند زندگی خوبی در اجتماع داشته باشد شخصیت انسان پس از ازدواج به يك شخصیت اجتماعی تبدیل می‌شود؛ زیرا در پرتو ازدواج و زندگی مشترك خود را شدیداً مسئول حفظ همسر و تأمین وسایل زندگی و تربیت فرزندان آینده تلقی می‌کند و تمام هوش، ابتکار و استعدادهای خود را به کار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، احساس مسؤلیت اجتماعی در او شکل می‌گیرد و بسیاری از شایستگی‌ها و توانمندی‌های نهفته در درونش را شکوفا می‌سازد. بنابراین، می‌توان ازدواج را مایه رشد و کمال یافتن انسان دانست. درواقع خداوند انسان را به‌گونه‌ای آفریده که بدون جنس مخالف



ناقص است و با جنس مخالف کامل می‌شود. مرد به زن نیازمند است و زن به مرد. هرکدام از دو جنس از نظر روحی و جسمی به هم وابسته‌اند و با قرار گرفتن در کنار هم یکدیگر را تکمیل می‌کنند. ۱. لذا در آیه شریفه زن و شوهر را لباس هم معرفی کرده است و می‌فرماید:

﴿هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ﴾ (زنان) لباس هستند برای شما (مردان) و شما (مردان) لباس هستید برای آن‌ها (زنان))، در جای جای زندگی‌اش تبلور می‌یابد.

از همین لباس نکات زیبایی برداشت می‌شود.

در تشبیه همسر به لباس، نکات و لطایف بسیاری نهفته است، از جمله:

- * باید لباس در طرح و رنگ و جنس، مناسب انسان باشد، همسر نیز باید هم‌کفو انسان و متناسب با فکر و شخصیت انسان باشد.
- * لباس مایه‌ی زینت و آرامش است، همسر و فرزند نیز مایه‌ی زینت و آرامش خانواده‌اند.
- * لباس عیوب انسان را می‌پوشاند، هر یک از زن و مرد نیز باید عیوب و نارسایی‌های یکدیگر را بپوشانند.
- * لباس انسان را از خطر سرما و گرما حفظ می‌کند، وجود همسر نیز کانون خانواده را از آسیب‌ها حفظ و آن را گرم و زندگی را از سردی می‌رهاند.

* لباس حریم انسان است و دوری از لباس، مایه‌ی رسوایی، دوری از ازدواج و همسر نیز سبب انحراف و رسوایی انسان می‌گردد.

* در هوای سرد لباس ضخیم و در هوای گرم لباس نازک استفاده می‌شود، هر یک از دو همسر نیز باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی طرف مقابل تنظیم کند؛ اگر مرد عصبانی است، زن با لطافت با او برخورد کند و اگر زن خسته است، مرد با او مدارا کند.

* انسان باید لباس خود را از آلودگی حفظ کند، هر یک از دو همسر نیز باید دیگری را از آلوده شدن به گناه حفظ نماید...

محرم‌ترین چیز برای انسان، لباس او است؛ زن و مرد باید هم راز و محرم یکدیگر باشند.

لباس آلوده، بدن را نیز آلوده می‌کند و برعکس؛ بدن آلوده نیز لباس را آلوده می‌کند؛ زن و مرد توجه داشته باشند که بی‌ایمانی هر کدام به دیگری سرایت نکند.

لباس دست و پاگیر، ایجاد مزاحمت می‌کند؛ توقعات بی‌جای آن در تجملات و متقابلاً بد اخلاقی و خشونت مرد در خانه، مزاحم خوش بختی است.

هرکس بالباس خود معرفی می‌شود؛ زن و مرد را به یکدیگر می‌شناسند؛ کار هر کدام در نظر عرف، نمود شخصیت دیگری است.

با توجه به این بیان زیبای الهی در مورد ازدواج و همسر، در جلسات آینده به‌طور مفصل به مسئله ازدواج پایدار و آسان خواهیم پرداخت تا پدر، مادرها، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در انتخاب لباس آرامش

برای فرزندان خود و چگونگی ازدواج و شروع یک زندگی ساده اما پایدار توجه و اهتمام ویژه‌ای پیدا نمایند و جوانان عزیز که قصد تشکیل خانواده دارند، با این مقوله بیشتر آشنا شوند. چراکه تمام جامعه متشکل از کانون خانواده است و تمام خوشبختی خانواده‌ها به انتخاب این لباس و شروع زندگی ساده و مستدام بستگی دارد.

جلسه دوم:

اهداف عالی از دواج!



مقدمه:

عمده هدف ما در تقریر این جلسه اصلاح نگرش و شناخت مخاطب به مسئله ازدواج و همسرگزینی است مهم‌ترین شناختی را که نیازاست؛ به اصلاح آن همت گماریم اهمیت نگاه قدسی به مسئله ازدواج معرفی می‌کنیم و پایداری در خانواده را صرفاً زمانی بیان می‌کنیم که زوجین ازدواج را سنتی الهی و امری قدسی و کارکردهای آن را فراتر از مسائل مادی و غریزی بدانند.

لذا باید سطح نگاه او را از بهره حداقلی به سطح عالی و معنوی برسانیم بر همین اساس از رویکرد جنسی، رویکرد تداوم نسل و رویکرد مشارکت در زندگی به عنوان سه دیدگاه عمده و مطرح در ازدواج سخن گفته شده و با برشمردن نقاط قوت و ضعف آن‌ها رویکرد دین نسبت به ازدواج در غالب دو مؤلفه سکونت و آرامش و تربیت مورد بررسی قرار گرفته شده است.

در ادامه مباحث تلاش می‌شود سطح مترقی و توحیدی نیز ترویج شود که اساس آن بر مطالب ابتدائی همین جلسه استوار بوده است



و می‌گوید: اگر نگاه قدسی و موحدانه حاکم بر زندگی شد و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های پایداری ازدواج، این پیوند الهی بنا گذارده شد آنگاه محبت و مودت به‌عنوان آثار قهری این زوجیت ایجاد می‌شوند و اوج این نگاه معنوی بذل و ایثار برای همسر است که اثر بزرگ تربیتی یعنی گذشتن از خواسته‌های نفسانی و رشد و کمال الهی را به همراه خواهد داشت.

درب‌های رحمت الهی

یکی از دعا‌های همیشگی ما این است خدایا درهای رحمت را به روی ما بگشای، آرزو و دعای قشنگی است باید رفت و در خانه رحمه‌الله للعالمین رو زد و پرسید یا رسول‌الله چطور درهای رحمت الهی باز می‌گردد، در یک روایت زیبا پیامبر رحمت و مهربانی فرمودند:

يفتح ابواب السماء بالرحمة فی اربع مواضع:

درهای رحمت آسمانی در چهار وقت گشوده می‌شود:

- ۱- عند نزول المطر، موقع بارش باران.
 - ۲- و عند نظر الولد فی وجه الوالدین زمانی که فرزند به چهره پدر و مادرش می‌نگرد.
 - ۳- و عند فتح باب الکعبة، هنگام گشوده شدن در کعبه.
 - ۴- و عند النکاح. هنگام برپایی مراسم عقد و عروسی.^۱
- پیغمبر خدا می‌فرماید می‌خواهید درهای رحمت خدا برایتان باز

شود می‌خواهید خدا خوب تحویل‌تان بگیرد، جلب این رحمت در کنار هنگامه‌ی گشوده شدن درب کعبه هنگامه‌ی عقد و عروسی بیان شده برای جلب این رحمت بروید ازدواج کنید از همان ابتدا زمان عقد و عروسی، عنایتش شامل حالتان می‌شود هم مراسم عروسی و جشن و سرور می‌گیرید همه خوشحال می‌شوند هم خدا با رحمتش شما را خوشحال می‌کند از این معامله بهتر سراغ دارید. خداوند عجیب عمل به این سنت حسنه را تحویل گرفته رسول خدا ﷺ در کلام دیگری می‌فرماید: حَقَّ عَلَى اللَّهِ عَوْنُ مَنْ نَكَحَ الْإِمْتَأَسَ الْعِغَافِ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ^۱ هر که به منظور پاک نگه داشتن خود از آنچه خداوند حرام کرده است ازدواج کند، بر خداست که او را کمک کند.

و کسی که خدا او را یاری کند دیگر محتاج احدالناسی نخواهد بود این هم مال کسانی که می‌ترسند ازدواج کنند.

روایاتی که ازدواج را سنت پیامبران بیان می‌کنند امثال روایت نبوی النکاح سنتی نکته دیقی دارند و آن اینکه چیزی که سنت پیامبران ﷺ باشد، نمی‌تواند امری معمولی، زمینی و بی‌اهمیت باشد.

قطعاً نشانگر قداست آن است و همچنین از روایاتی که ارزش عبادت افراد متأهل را نشان می‌دهد^۲ قداست و ارزش الهی خانواده در

۱ نهج الفصاحه ص ۴۸۸

۲ إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْأَخْرَ مُسْتَدْرِكِ الْوَسَائِلِ ج ۱۴، ص ۱۵۴،



اسلام را متوجه می‌شویم.

به اعتقاد صاحب‌نظران، یکی از عوامل مهم سقوط جایگاه خانواده در غرب، فرایند عمومی دنیوی شدن یا تقدّس زدایی بوده است. ولتر در فرهنگ‌نامه خود چنین آورده است: «ازدواج، عبارت است از قراردادی که بین افراد بشر منعقد می‌شود و کلیسای کاتولیک، آن را اقدامی متبرّک قلمداد کرده است؛ اما بین قرارداد، تبرک و قداست، تفاوت بارزی وجود دارد. قرارداد، اقدامی است حاوی آثار مدنی، درحالی‌که تقدیس به منزله برکتی است که کلیسا به فرد اعطا می‌کند»^۱.

لذا وقتی ازدواج را امری زمینی، بی‌اهمیت و غیر مقدس نشان دادند دیگر انتظار ثمرات و نتایج عالی از آن نخواهند داشت با نگاه سطحی به آن نگاه خواهند کرد بهره‌ای هم که می‌برند سطحی و حداقلی خواهد بود.

ما قصد داریم در این جلسه سطوح بهره‌بری از ازدواج را بیان کنیم تا درنهایت به سطح عالی استفاده و بهره‌ای از ازدواج و زندگی مشترک برسیم.

سطوح بهره‌وری از ازدواج

رویکرد مادی (جنسی)

اولین سطح بهره‌بری یا به تعبیری هدف از ازدواج رویکرد جنسی

۱ اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۷۲.

است که بنده از محضر همه عزیزان عذر خواهم که تعبیر را بیان کردم ولی از آنجایی که بسیار نیاز جدی است بیان می‌کنم بنده از کلمه دیدگاه مادی برای این مسئله استفاده می‌کنم.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَ فَلْيَتَزَوَّجْ؛ فَإِنَّهُ أَعْصَى لِلْبَصْرِ، وَ أَحْصَنُ لِلْفَرْجِ^۱

ای گروه جوانان! هر که از شما می‌تواند، ازدواج کند؛ زیرا بهترین پوشش برای چشم است و بهترین راه برای خویشتن‌داری. یعنی انسان نیاز دارد برای اینکه خویشتن‌دار باشد راهی را برگزیند و ازدواج بهترین راه است.

و یا در حدیث دیگری نیز می‌فرماید: مَا مِنْ شَاةٍ تَزَوَّجَ فِي حَدَاةٍ سَيِّئَةٍ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ؛ يَا وَيْلَهَ! عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي دِينِهِ! فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلُثِ الْآخِرِ

هیچ جوانی نیست که در دوره جوانی خود ازدواج کند، مگر آن‌که شیطان او فریاد برآورد که: ای‌وای! دو سوم دینش را از [گزند] من حفظ کرد؛ بنابراین، بنده باید برای حفظ یک‌سوم دیگر، تقوای خدا را در پیش گیرد.^۲

ظاهر این روایات این است که ازدواج برای ارضای نیاز مادی است

۱ مکارم الاخلاق ج ۱۹۷

۲ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۴۷۷۹؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۱۸؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۲، ح ۴۴۴۰۸.

(الجغفریات، ص ۸۹، النوادر، راوندی، ص ۱۱۳، ح ۱۰۶). در این باره، نیز ر. ک: بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱، ح ۳۴؛ المعجم الأوسط، ج ۴، ص ۳۷۵، ح ۴۴۷۵؛ مسند أبی یعلیٰ، ج ۲، ص ۳۹۷، ح ۲۰۳۷؛ تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۳۳، ح ۴۰۸۰؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۶، ح ۴۴۴۴۱.



و این صحیح است در بعض روایات از رهبانیت بر حذر داشته‌اند، به نوعی، بر ارضای مادی تأکید دارند ولی بعضی از مؤمنین نسبت به این مسئله غفلت دارند من نمی‌توانم در این باب در این جلسه صحبت کنم ولی جوانانی که ازدواج کرده‌اند یا در تدارکات ازدواج هستند حتماً در این زمینه مطالعاتی داشته باشند از متخصصین مشورت بگیرند چراکه درصد قابل توجهی از اختلافات برمی‌گردد به عدم توانایی در ارضای مادی از ازدواج.

بر همین اساس، برخی از دانشمندان در تعریف ازدواج گفته‌اند: «نکاح، عبارت از رابطه حقوقی‌ای است که به وسیله عقد بین مرد و زن حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که تمتع مادی (جنسی) از یکدیگر ببرند»^۱.

با این حال، سؤال این است که: آیا این مسئله، همان کارکرد اصلی ازدواج یا هدف اصلی آن است؟

بررسی دیگر متون نشان می‌دهد که نمی‌توان این عنصر را مبنای‌ترین هدف ازدواج به شمار آورد. نگاه جنسی، ظرفیت محدودی و حداقلی برای موفقیت خانواده دارد و نمی‌تواند انگیزه بالایی برای سازگاری به وجود آورد. با فروکش کردن غریزه جنسی، کارایی خود را از دست خواهد داد. با دیدن فرد زیباتر و جذاب‌تر، صمیمیت به سردی می‌گراید. لذا این نگاه نمی‌تواند توجیه‌کننده قداست خانواده باشد!

تداوم نسل است

رسول خدا می‌فرماید «تَنَاحُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ»؛^۱ ازدواج کنید و نسل خود را زیاد کنید که من در روز قیامت به وجود شما بر سایر امت‌ها مباحثات می‌کنم، هرچند به کسی که سقط شده باشد

علت دو جنس بودن انسان، وجود غریزه جنسی و ترکیب بدنی متفاوت مرد و زن^۲ را باید در تداوم نسل جستجو کرد.

خداوند متعال می‌فرماید «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ»؛^۳ در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم)، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: خداوند! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما که تو دعا را می‌شنوی! قرآن کریم از استجابت دعای حضرت زکریا برای طلب فرزند در آیه ۹۰ انبیاء این‌گونه یاد می‌کند «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى» از این آیات فوق می‌توان برداشت کرد که درخواست فرزند و نسل پاک، سنت و روش انبیاست.

با این حال، سؤال این است که آیا تنها «تداوم نسل» می‌تواند هدف اساسی ازدواج باشد؟ آیا تنها تولد فرزندان و افزایش شمار انسان‌ها و تداوم نسل بشر می‌تواند توجیه‌گر تشکیل خانواده باشد؟

۱ عوالمی اللالی، ج ۳، ص ۲۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰، ح ۲۴

۲ مَنْ جَعَلَ الْإِنْسَانَ ذَكَرًا وَ أُنْثَىٰ إِلَىٰ الْأَمْنِ خَلَقَهُ مُتَنَابِئًا وَ ... چه کسی انسان را به شکل نر و ماده

آفرید؟ آیا جز کسی که منظورش بقای نسل بوده است و ... (توحید المفضل، ص ۶۸).



این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این دست، نشان می‌دهند که هرچند فلسفه قانون زوجیت و گزینه جنسی، تداوم نسل است، با این حال، نمی‌تواند تبیین‌کننده هدف اصلی تشکیل خانواده باشد. این دیدگاه نیز ظرفیت اندکی برای سازگاری و کامیابی خانواده دارد؛ چراکه مرکز ثقل ازدواج را تولید فرزند و تداوم نسل بشر دانسته که رویکردی اجتماعی است و در آن، جایی برای همسران وجود ندارد. بر اساس این دیدگاه، همسران باید عمری زحمت بکشند تا انسان‌هایی به دنیا بیایند و جامعه تداوم یابد!

مشارکت در زندگی

برخی با بهره‌گیری از تعریف پرتالیس^۱، حقوقدان مشهور فرانسوی، هدف اساسی ازدواج را همکاری و مشارکت زن و شوهر دانسته‌اند (نظریه اشتراك زندگی).

بر همین اساس، مرحوم دکتر شایگان در تعریف نکاح می‌نویسد: عقدی است که به وسیله آن، مرد و زن به قصد شرکت در زندگانی و کمک به یکدیگر، قانوناً با هم متحد می‌شوند.^۲

این دیدگاه نمی‌تواند توجیه‌کننده تشکیل خانواده با مشخصات پیش‌گفته باشد؛ زیرا اگر هدف اساسی، مشارکت در زندگی باشد، نیازی به اختلاف جنسی نیست و دو نفر از یک جنس نیز می‌توانند برای همکاری و همیاری یکدیگر باهم متحد شوند. حتی لازم نیست

۱. Pertalis

۲. حقوق مدنی خانواده، ج ۱، ص ۲۶ (به نقل از: حقوق مدنی، شایگان، ج ۱، شماره ۵۸۹ و ۵۹۱).

که این پیمان، میان دو نفر باشد؛ بلکه چند نفر نیز می‌توانند با یکدیگر پیمان مشارکت ببندند. فراتر از آن، به چه دلیل مشارکت در زندگی نیاز به پیمان دارد؟ بدون پیمان نیز می‌توان به این هدف دست یافت. همچنین چه دلیلی برای تعهد و وفاداری دو طرف نسبت به یکدیگر و اختصاصی بودن آنان برای یکدیگر وجود دارد؟ از همه مهم‌تر این‌که اگر هدف از ازدواج فقط همکاری و مشارکت باشد، نگاه به زندگی هم‌خانه بودن و هم خوابگاهی خواهد بود و دیگر رابطه زناشویی نقشی در این میان ایفا نخواهد نمود.

این موارد نشان می‌دهد که هرچند پدیده مشارکت، در زندگی خانوادگی وجود دارد، با این حال، دلیل اصلی تشکیل خانواده نیست و نمی‌تواند اصل تشکیل خانواده را توجیه کند و ظرفیت و انگیزه لازم برای سازگاری و کامیابی را به وجود آورد.

دیدگاه دین

از منظر دین هدف از ازدواج در سه بخش دنبال می‌شود اما تمام این موارد یک هدف غایی را دنبال می‌کند و آن رسیدن زوجین به کمال واقعی است. هرکسی در هر زمینه‌ای اگر بخواهد به کمال حقیقی و بالاترین درجات رشد برسد از راه ازدواج و از طریق این سه هدف می‌باشد:

مؤلفه سکونت

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۱

و از نشانه‌های او این‌که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است.

پس از گذشت مدت کوتاهی از ازدواج، چنان علاقه و وابستگی بین زن و شوهر به وجود می‌آید که در بیشتر موارد، هر یک از آنان، همسرش را بر خود مقدم می‌دارد و حاضر است خود متحمل رنج و آسیب شود؛ ولی همسرش از رنج و زحمت در امان باشد

بعد از فوت همسر علامه طباطبایی شاگردان و دوستان پیام تسلیت می‌دادند در پاسخی که مرحوم علامه برای نامه تسلیت یکی از شاگردانش نوشته‌اند شدت علاقه خویش را به همسرشان ابراز داشته‌اند و با این‌که چندین بار در این نامه حمد خدا را به جای آورده‌اند نوشته‌اند: با رفتن او برای همیشه خط بطلان به زندگانی خوش و آرامی که داشتیم کشیده شد.^۲

تربیت فرزند

یکی از اهداف اصلی ازدواج، تربیت انسان‌های یکتاپرست است.

۱ سوره روم، آیه ۲۱.

۲ عروة الوثقی، ش ۴۷.

هم خود رشد کند و به کمال برسد هم تداوم نسل وجود دارد و هم تربیت نسل.

پیامبر خدا ﷺ می فرماید:

مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهُ يَرْزُقَهُ نَسَمَةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ!^۱

چه چیزی از مؤمن جلوگیری می کند که برای خود زوجه ای بگیرد، به امید آن که خداوند، فرزندی را نصیب او کند تا زمین را به لا اله الا الله سنگین نماید؟

در این حدیث، تصریح شده است که اهل ایمان برای دستیابی به نسل توحیدی تشکیل خانواده دهند. تداوم نسل، جزئی از این دیدگاه است؛ اما محور و اساس آن نیست. هدف، تربیت و پرورش افرادی است که راه تکامل و یکتاپرستی را در پیش گیرند کما اینکه دعای حضرت یحیی هم این بود که فرمود قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ فقط طلب فرزند نکرد بلکه فرزند طیب و طاهر مصالح طلب کرد.

در کتاب شریف اصول کافی به نقل از پیامبر خدا ﷺ آمده است که پیش از این که حضرت یوسف عليه السلام، خود را به بنیامین معرفی کند، گفتگویی میانشان صورت گرفته که در بخشی از آن آمده است: إِنَّ يُوسُفَ بْنَ يَعْقُوبَ لَقِيَ أَخَاهُ فَقَالَ: يَا أَخِي، كَيْفَ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَتَزَوَّجَ

۱ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۲، ح ۴۳۴۰. نیز ر.ک: مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۱۴۵۴؛ عوالی اللالی، ج ۳، ص ۲۸۸، ح ۳۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳، ح ۳.



النِّسَاءَ بَعْدِي؟ فَقَالَ: إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي وَ قَالَ: إِنْ اسْتَظَّغْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ
ذُرِّيَّةٌ تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَأَفْعَلْ.^۱

... حضرت یوسف به برادرش فرمود: «تا چه اندازه در فراق برادرت اندوهگین بودی؟». گفت: آن قدر که یازده پسر برایم به دنیا آمد و بر هر يك نامی را که از نام او اشتقاق می‌یافت، نهادم. پس یوسف به او گفت: «چنان می‌نماید که به همسرگزینی و فرزند خواهی تمایل داری؟». بنیامین به او گفت: پدری نیکوکار دارم و او گفت ازدواج کن، شاید خداوند از تو ذریه‌ای بیرون آورد که زمین را به تسبیح، سنگین کنند. آنچه حضرت یعقوب علیه السلام بر آن تکیه می‌کند، مسئله تربیت توحیدی، است نه چیز دیگر.

این متون نشان می‌دهد که یکی از فلسفه‌های اساسی ازدواج و تشکیل خانواده، تربیت نسل توحیدی است.

تربیت خود زوجین در بالاترین سطح

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿انما اموالکم و اولادکم فتنه والله عنده اجر

عظیم﴾^۲

اموال و فرزندانان وسیله آزمایش شما هستند

و اما بعد تربیت برای خود شخص که به نظر بنده و البته خیلی از دین شناسان نگاه عالی و الهی این هست که شما به این انگیزه ازدواج کنی بالاترین سطح که تو در این بستر رشد کنی خداوند فرمود مال و فرزند و این‌ها را امتحان توست ازدواج می‌کنی که

۱ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳۲۹

۲ (۱۵) تغابن

به طرف مقابل سود برسانی. به او آرامش بدهی. هرکسی این نگاه را پیدا کند ملائکه دورش می‌گردند هرکسی این نگاه را پیدا کند بوی آدمیت از او بر مشام می‌رسد. دیگر اخلاقش شده اخلاق خدایی که خدا می‌فرماید بنده‌ی من تو را خلق نکردم که سودی ببرم بلکه خلق کردم به تو سود برسانم.

«مَا خَلَقَهُمْ لِيَجْلِبَ مِنْهُمْ مَنَفَعَةٌ وَلَا لِيُدْفَعَ بِهِمْ مَضْرَرَةٌ بَلْ خَلَقَهُمْ لِيَنْفَعَهُمْ وَيُوصِلَهُمْ إِلَى نَعِيمِ الْأَبَدِ»^۱ این نگاه عالی است که هرکسی این نگاه را پیدا کند مرد زندگی است.

شخصی آمد خدمت امام حسن تا در مورد ازدواج دخترش مشورت بگیرد حضرت فرمود به مؤمنین همسر بدهید که اگر او را دوست نداشته باشد به او ظلم نمی‌کند

«رَوْحُهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمَهَا»^۲ بلکه بالاتر به او لطف می‌کند. شخصی که با این نگاه به میدان زندگی پا می‌گذارد اصلاً درگیر دلش نیست. اصلاً به خاطر دلش پا به معرکه جهادی به نام ازدواج نگذاشته او به دنبال سود بردن نیست او اصلاً دنبال سودرسانی ست؛ و تومنی چند میلیارد این دو نگاه باهم فرق می‌کنند.

فرمود مردی که به انگیزه زیبایی یا مال و ثروت با زنی ازدواج کند یعنی به انگیزه سود بری و منفعت‌طلبی به هیچ‌کدام از این‌ها نمی‌رسد. «رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لِجَمَالِهَا لَمْ

۱ علل الشرائع، ج ۱، ص ۹

۲ مکارم الاخلاق، ص ۲۰۴



يَزْفِيهَا مَا يُحِبُّ^۱ ولی کسی به انگیزه الهی یعنی فقط به خاطر دین برود ازدواج کند خدا تمام احساسات او را پاسخگو خواهد داد میل به زیبایی اش را تأمین می‌کند «إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِيَجْمَلَهَا أَوْ مَالَهَا وَكُلَّ إِلَى ذَلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِنَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ»^۲ اصلاً نگاهش را عوض می‌کند به همان خانم وقتی نگاه می‌کند جز زیبایی نمی‌بیند چراکه نگاه هم دست خداست. یا مقلب القلوب و الابصار.

من ازدواج می‌کنم به این انگیزه که تکیه‌گاه باشم ﴿الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾^۳

یکی از مهم‌ترین نتایجی که در اثر ازدواج حاصل می‌شود بیرون رفتن فرد از مدار فردیت خود و شکسته شدن نسبی اما قابل توجه حصار نفسانیت انسان است، ازدواج توأم با توجه به يك فرد دیگر. که تا به حال غریبه بوده و یا حکم نامحرم داشته است. می‌باشد و این امری است مهم، چراکه تا به حال جوان ما به جز وجود خود و آمال و آرزوهای خود فکری دیگر نداشته است، اما به واسطه ازدواج، يك نفر دیگر نیز در مدار برنامه‌ریزی و توجه او قرار می‌گیرد و حاضر است از وجود خود و داشته‌های خود به دیگری نیز عطا کند و به واسطه محبت و دوستی که ایجاد می‌شود ((من)) وجودی فرد گسترش یافته و از مدار صرف خودبینی خارج می‌گردد و تلاش برای

۱ تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۹

۲ کافی، ج ۵، ص ۳۲۳

۳ النساء: ۳۴

آسودگی، رفاه و آسایش يك نفر دیگر حکایت از بزرگ شدن روح فرد می‌کند چراکه وی، يك نفر دیگر را تحت لطف قرار می‌دهد و به واسطه وی يك نفر دیگر زندگی راحت‌تری را تجربه می‌کند. بله به انگیزه که به همسرم محبت کنم آنجا که همسرم به من بی‌مهری کرد. آنجایی که همسرم به من رو ترش کرد لبخند بزنم ملائکه دلت را نورافشانی می‌کنند خدا به ملائکه‌اش مباحثات می‌کند ببیند ملائکه من او دارد لبخند می‌زند خانم اش اخم‌کرده او لبخند می‌زند این یعنی منش را در راه من قربانی کرده شهید شده امام صادق ع می‌فرماید گاهی زن و بچه من این قدر مرا اذیت می‌کنند که صبر کردن بر آن‌ها مثل خوردن هندوانه ابوجهل هست چقدر تلخ هست ولی من آن را نوش جان می‌کنم. هرکسی چنین کند به درجه شهدای پای رکاب رسول الله ﷺ می‌رسد. امام صادق ع: **إِنِّي لِأَصْبِرُ مِنْ غُلَامِي هَذَا وَمِنْ أَهْلِي عَلَى مَا هُوَ أَمْرٌ تَلَخَ (تر) مِنْ الْخَنْظَلِ إِنَّهُ مَنْ صَبَرَ نَالَ بِصَبْرِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ وَ دَرَجَةَ الشَّهِيدِ الَّذِي قَدْ صَرَبَ بِسَيْفِهِ قُدَّامَ مُحَمَّدٍ ﷺ**^۱

اصلاً من یک خبر به شما بدهم گاهی شما نهایت عدالت را نسبت به همسرت رعایت می‌کنی ولی با این حال مظلوم واقع می‌شوی این محل امتحان توست «رسول الله ﷺ: ... يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ وَإِنْ أَنْصَفْتَهُمْ ظَلَمُواكَ السَّفَلَةُ وَأَهْلُكَ وَخَادِمُكَ»^۲ چه کسی نگاه شمارا به ازدواج خراب کرده؟ نکنه پای فیلم و سریال‌های ایرانی نشستی؟ مرد متوقع

۱ ثواب الاعمال، ص ۱۹۸

۲ مکارم الاخلاق، ص ۴۳۳



زن متوقع دیگه زندگی نمی شه کرد.

چه گلستانی شود زندگی‌ها اگر زن با این نگاه پا به خانه‌ی داماد بگذارد و آقا به این انگیزه همسر برگزیند می‌خواهم سود برسانم می‌خواهم محبت کنم هرچند محبت نبینم. هنر نکردی وقتی خانمت به تو محبت می‌کند تو به او محبت کنی. راست می‌گویی مردش هستی بیا ببینمت وقتی که خانمت به تو محبت نکرد و تو او را غرق محبت خودت کردی خانمت ناسپاسی کرد و تو را غرق تشکر کردی.

آمدی دیدی خانم غذا درست نکرده به هر دلیلی خودت آستین زدی و شروع کردی به پخت‌وپز می‌دانی با این کارت چقدر دل خانم را به دست می‌آری.

پسر آیت‌الله مرعشی می‌گوید پدرم سعی می‌کرد تا جایی که می‌تواند کارهایش را خودش انجام دهد و با مادرم خیلی مهربان بود، به یاد ندارم حتی یک‌بار هم نسبت به او تندی کرده باشد. ایشان در کارهای منزل به مادرم کمک می‌کرد و وقتی کسالتی برای او پیش می‌آمد، پدرم غذا درست می‌کرد و در داخل غذا هم چیزهای جدیدی می‌ریخت و می‌فرمود: «حکم خدا نیست که از آسمان آمده باشد که مثلاً آبگوشت باید چنین باشد». یک چیزهایی اضافه می‌کرد، خیلی هم خوشمزه می‌شد!

۱ حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی نجفی پسر ارشد آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته‌الله که نزدیک به پنجاه سال از عمر با برکت پدر را درک کرده است، در گفت‌وگویی با مرکز اطلاع‌رسانی حوزه‌های علمیه بیان داشتند که تاریخ انتشار: ۲۹/۹/۱۳۹۱ می‌باشد <http://www.hawzah.net>

چراکه فرمود: **جُبِلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ يَنْفَعُهَا** به هرکسی سودرسانی درواقع سود بردی دلش را از آن خودت کردی بالاخره بعد از دو بار رو ترش کردن دفعه سوم آن روی خوش را هم خواهی دید. مزد زحمات تو که از خودت گذشتی را خدا نقداً در این دنیا حساب می‌کند. آخرتش هم تو را با شاکرین محشور می‌کند

«رسول الله ﷺ: **أَلَا وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيَتَى الْخُلُقِ وَ اخْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ أَغْظَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ**»^۲

اگر خانمی به این نگاه بیاید که من می‌خواهم آرامش بدهم نه آرامش ببرم اگر آقای با این نگاه بیاید که من می‌خواهم هرروز دسته‌گلی از آرامش تقدیم خانمم کنم بین چه خواهد شد زندگی‌ها تمام عالم به ما حسرت خواهند خورد و از روی زندگی ما فیلم‌نامه‌ها خواهند نوشت و اصلاً رمان زندگی ما به فروش جهانی می‌رسد از همه‌ی دانشگاه‌ها و مراکز مشاوره وقت می‌گیرند تا شما راز خوشبختی زندگی خودت را بیان کنی.

خداوند در ازدواج چاشنی **يك** ارتباط محبت‌آمیز را با قرار دادن مودت و رحمت بین زوجین قرار داده است، بنابراین ازدواج یکی از بهترین زمینه‌ها برای تمرین محبت کردن - آن هم **يك** محبت حلال، طیب و مهم‌تر از همه واقعی - را فراهم می‌کند و همین تمرین محبت کردن‌ها کم‌کم انسان را و روحش را بزرگ‌تر و رؤف‌تر می‌کند.

۱ اصول کافی ج ۱۵ ص ۳۶۵

۲ الفقیه، ج ۴، ص ۱۶



من دیگر نمی‌گویم در دل چنین خانواده‌هایی چه بچه‌های گلی به دنیا خواهند آمد وقتی بچه‌ای در این گلستان نفس بکشد که مادر و پدر بر سر آرامش و محبت دادن به یکدیگر رقابت می‌کنند و اگر یک طرف هم کم گذاشت او دیگری نمی‌گوید جواب‌های هوی هست بلکه دو برابر محبت می‌کند این دختر و پسر در بهترین بستر تربیتی رشد و تعالی خواهند یافت.

این دختر و پسر می‌شوند حسنین و زینبین و آن خانم و آقا می‌شوند علی و فاطمه س که وقتی رسول خدا ص پرسیدند علی جان فاطمه را چگونه یافتی حضرت جواب می‌دهد قَالَ نِعَمَ الْعَوْنُ عَلٰی طَاعَةِ اللَّهِ^۱ بهترین یاور در مسیر بندگی خدا

این نگاه امیرالمؤمنین است انگاری دنبال کمک‌کار در راه خدا می‌گشتند فاطمه هم این‌گونه بود لذا شب اول ازدواج برگشت فرمود علی جان بیا امشب تا صبح عبادت کنیم در تمام زندگی یک‌بار شکایت نکرد بلکه همیشه همراه بود علی‌رغم اینکه امیرالمؤمنین مرتب در مأموریت‌های جهادی بود ولی حضرت زهراء علیها السلام مانع نشدند. معلوم است دست‌گلهای این خانه چه شخصیت‌های برجسته ایی خواهند شد.

سنگینی مهریه ضامن خوشبختی است ؟

بعضی خیلی سطحی نگاه می‌کنند و می‌خواهند پایبندی دو طرف به زندگی را با مهریه سنگین تضمین کنند مهریه سنگین می‌تواند

ضامنی برای خوشبختی دختر ما باشد؟ در عمل می‌بینم خیلی از موارد نه تنها مهریه سنگین ضامن خوشبختی دخترها نشده بلکه زمینه کدورت و حتی بدبختی دخترها را به وجود آورده و از نظر روانی موجب به وجود آمدن کدورت می‌شود در روایت داریم مهریه سنگین مهر و محبت مرد را تبدیل به نفرت می‌کند. «لَا تُغَالُوا فِي مَهْرِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً»^۱ مهر زنان را خیلی بالا نگیرید که موجب دشمنی می‌گردد؛ و آنجا که جان به لب برسد می‌گوید مهرم حلال جونم آزاد، در روایتی دیگر داریم امام صادق علیه السلام فرمودند: ان من بركة المرأة قلة مهرها از برکات زن کمی مهریه اوست.^۲ بارک‌الله به افرادی که این نگاه را دارند.

همسر شهید محمد جهان‌آرا می‌گوید مهریه ما یک جلد کلام‌الله مجید بود و یک سکه طلا.

سکه را که بعد از عقد بخشیدم اما آن یک جلد قرآن را محمد بعد از ازدواج خرید و در صفحه اولش این‌طور نوشت: ((امیدم به این است که این کتاب اساس حرکت مشترک ما باشد و نه چیز دیگر؛ که همه چیز فناپذیر است جز این کتاب)). حالا هرچند وقت یک‌بار خستگی بر من غلبه می‌کند، این نوشته‌ها را می‌خوانم و آرام می‌گیرم.^۳

وقتی دور بر خودمان را نگاه می‌کنیم می‌بینیم آن چیزی که باعث

۱ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۲۱

۲ - من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۴

۳ بانوی ماه ۵، ص ۱۴



خوشبختی و خرسندی می‌شود و بقول امروزی‌ها زندگی رمانتیک را به وجود می‌آورد مهریه و وسایل و ... نیست بلکه داشتن اخلاق اسلامی من جمله اهل مدارا بودن، تواضع داشتن، دوری از منیت و ... می‌باشد که انسان به راحتی می‌تواند دختر خودش را در اختیار همچنین آقایی قرار بدهد و خاطر جمع باشد که به مشکلی برخورد نکنند و زندگی خوبی داشته باشند.



جلسه سوم:

انتخاب آگاهانه!



مقدمه

در جلسه سابق به تعریف ازدواج و اهمیت آن اشاره شد و گریزی مختصر به انتخاب زده شد.

از آنجاکه انتخاب صحیح مهم‌ترین فاکتور اختیاری در پایداری ازدواج محسوب می‌شود در این جلسه تمرکز بحث در انتخاب آگاهانه است. در خلال مباحث اشاره‌ای به برخی از موانع ازدواج پایدار شده است و مشخصاً از ازدواج‌های احساسی به عنوان باوری غلط در حوزه همسرگزینی اشاره شده و به ذکر مصادیقی از انتخاب احساسی اشاره شده است در پایان ملاک‌های همسرگزینی از نگاه دین را با تقسیم‌بندی به ملاک‌های ضروری و غیرضروری بیان می‌کنیم.

اهتمام دین به انتخاب آگاهانه

در دین اسلام به مسئله محرم و نامحرم و نگاه به نامحرم خیلی اهتمام بالایی داده شده است. به طوری که طبق آیات و روایات خداوند متعال در این باره با بندگان خود برخورد غضبناکی می‌نماید. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: **مَنْ أَطَّلَعَ فِي يَبْتٍ جَارِهِ فَتَنَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ**



رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَتَّبِعُونَ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ فِي الدُّنْيَا وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ وَيُبْدِيَ لِلنَّاسِ عَوْرَتَهُ فِي الْآخِرَةِ وَ مَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا حَشَاهُمَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ وَ حَشَاهُمَا نَارًا حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ

یعنی «هرکس به خانه همسایه اش سرکشی کند و به عورت مردی یا موی سر زنی یا بخشی از بدن آن را ببیند، بر خداست که او را همراه منافقین که دنبال دیدن زنان نامحرم هستند، به آتش داخل کند و از دنیا نمی میرد مگر اینکه خدای متعال او را رسوا می کند و در آخرت عیوبش را بر مردم آشکار می کند؛ و هرکس چشم هایش را با نگاه به زنان نامحرم پر کند خدای متعال در روز قیامت چشم های او را با میخ های آتشین و آتش جهنم پر می کند تا قضاوتش در بین مردم تمام شود، آنگاه دستور می دهد آن را به آتش ببرند.»

اما من امروز می خواهم روایتی را برای شما عزیزان بخوانم که ببینید در یکجا خداوند متعال آن قدر برایش اهمیت دارد که حتی نگاه به نامحرم را هم حلال می داند. (البته با شرایط خودش) مردی خدمت امام ششم رسید و عرض کرد: «أَيُّظُرُ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ يُرِيدُ تَزْوِجَهَا فَيَنْظُرُ إِلَى شَعْرِهَا وَمَحَاسِنِهَا؟» آیا جایز است مرد موی سر و زیبایی های زنی را که می خواهد بگیرد، ببیند؟ فرمودند: لا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُتَلَدِّذًا یعنی اگر منظور آگاهی از خصوصیات اوست اشکال ندارد.

وَفِي خَبَرٍ - وَتَقْوَمُ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَيْهَا؟ قَالَ نَعَمْ وَتَرْقَى لَهُ الثِّيَابُ.^۱

در خبر دیگری آمده که از حضرت سؤال شد، جایز است زن بایستد تا مرد او را نظر کند، فرمود: آری، بلکه پوشیدن لباس نازک هم در آن وقت مانعی ندارد.

البته این دیدن شرایط خاص خود را دارد. امثال این روایات می‌خواهد بگوید اگر کسی زنی را برای همسری انتخاب کرد پس از بررسی‌های لازم در رابطه با خانواده و اخلاق و ایمان او، مانعی ندارد برای آگاهی از خصوصیات بدنی او نظیر مو، قیافه، زیبایی، قد و قامت، اندام، وی را ببیند، مبدا نقص و عیبی در وجود او باشد، یا موردی در او ببیند که باعث دلسردی، یا موجب تفرقه شود، نه اینکه حق دارد خانه به خانه برود و ناموس اسلام را یک‌به‌یک از نظر بگذراند و سراپای همه را دقت نماید تا اگر خواست یکی را از آن میان انتخاب کند.^۲

امام خمینی علیه السلام نیز در تحریر الوسیله می‌گوید: کسی که قصد ازدواج با زنی دارد، با شرایط زیر به وی نگاه کند:

۱- نگاه به قصد لذت بردن نباشد، هرچند بدانند که قهرا لذت، با آن نگاه، حاصل می‌شود.

۲- احتمال بدهد که با نگاه کردن، اطلاعات بیشتری به دست می‌آورد.

۳- احتمال بدهد که توافق برای ازدواج به دست می‌آید، نه اینکه

۱ وسائل الشیعه ابواب مقدمات نکاح، باب ۳۶.

۲ ازدواج در اسلام/ ۴۹.



بداند زن حتماً خواستگاری را رد می‌کند.

بعد می‌گوید: «والاحوط الاقتصار علی وجهها و کفّیها و شعرها و محاسنها و ان کان الاقوی جواز التعدی الی المعاصم، بل و سائر الجسد ما عد العوره»^۱

یعنی احتیاط، اکتفاء کردن در نگاه به صورت، دست‌ها، موها و زیبایی‌های آشکار است، هرچند اقوی، جواز عبور از ظواهر به مچ‌ها و بقیه بدن به جز عورت است. این همه دقت در انتخاب همسر و اجازه شرع به نگاه به نامحرم برای ازدواج به خاطر اهمیّت انتخاب همسر است.

چرا آموزهای دینی بر اهمیت انتخاب تأکید دارند؟ دقت در انتخاب همسر، از امور مسلم و مورد تأکید در آموزه‌های دینی است؛ اما به راستی دلیل این همه تأکید چیست؟

۱. جهت‌دهی به زندگی

انسان تا پیش از ازدواج، آزاد است؛ اما به محض ازدواج محدود می‌شود. این محدودیت، ناپسند نیست؛ اما انسان باید آگاه باشد که چه نوع محدودیتی را برای خود رقم می‌زند. شریک زندگی، در نوع محدودیت انسان، نقش مهمی ایفا می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

إِنَّمَا الْمَرْأَةُ فِلَادَةٌ فَانظُرْ إِلَى مَا تَقَلَّدُهُ زَنْزَنٌ بِنَدِّهَا، دَقَّتْ كَنْ
 كِهْ چِه چیزا بر گردن خود می‌آویزی قَالَ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ

۱. تحریر الوسیله ج ۲ ص ۲۴۵

حَظْرًا لَا لِصَالِحَتِهِنَّ وَلَا لِظَالِحَتِهِنَّ و بدان که برای هیچ زنی هم قدر و هم ارزشی نیست، نه برای نیکان آنان و نه برای بدانشان، أَمَّا صَالِحَتُهُنَّ فَلَيْسَ حَظْرُهَا الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ بَلْ هِيَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَأَمَّا ظَالِحَتُهُنَّ فَلَيْسَ التُّرَابُ حَظْرَهَا بَلِ التُّرَابُ خَيْرٌ مِنْهَا و اما با شایستگانشان، طلا و نقره همپایه نیست، که زن خوب گران‌بها تر از طلا و نقره است و با فاسدانشان نیز خاک همانند نیست بلکه خاک ارزشمندتر از آنهاست.

این حدیث به نقش زن در زندگی اشاره دارد و جایگاه مهم و نقش سرنوشت‌ساز شخصیت زن را در کانون خانواده، به تصویر می‌کشد.

۲. تأمین اهداف و کارکردهای ازدواج درگرو انتخاب صحیح

در ازدواج ما به انتخابی دست می‌زنیم که بناست ما را در زندگی به آرامش برساند خداوند در قرآن یکی از کارکردهای مهم ازدواج را رسیدن به سکونت و آرامش بیان کرده است و روشن است که درصد بالایی از عدم آرامش برمی‌گردد به انتخاب ناصحیح.

ازدواج احساسی

هر دختر و پسر لازم است، قبل از ازدواج و مهم‌تر از آن قبل از انتخاب همسر نکاتی را در نظر بگیرد تا خدای ناکرده بعدها دچار مشکل نشده و از انتخاب خود پشیمان شوند.

اینکه گفته می‌شود انتخاب نباید احساسی باشد یعنی شایسته نیست ما تعقل و دقت را کنار بگذاریم و غیرعقلانی و صرفاً بر



اساس احساسات و هیجانات مثبت یا منفی تصمیم بگیریم. عاقلانه انتخاب کن تا عاشقانه زندگی کنی، چون اگر عاشقانه انتخاب کنی عاجزانه زندگی می‌کنی!

اگر می‌خواهید ازدواج احساسی نکنید به نکات زیر اهمیت دهید. از سر ترحم، کمک و دستگیری با کسی ازدواج نکنید! دلم به حالش سوخت و دلم نیامد نه بگویم و این‌ها را بگذارید کنار چراکه اگر زندگی آن‌طور که باید جریان پیدا کند، دل شکستگی‌ها چندین برابر می‌شود.

از سر طمع، تفاخر و پُز دادن و مشهور شدن، با کسی ازدواج نکنید! برای انتقام، تسویه حساب، حال‌گیری و یا رقابت و کُنف کردن دیگری با کسی ازدواج نکنید! (متأسفانه زمینه بروز این جنس رفتارهای کودکانه کم نیست)

از سر عجز، فرار و یا با تئوری «از این ستون تا اون ستون فرجی است» ازدواج نکنید! (بلکه ابتدا باتدبیر و اعتماد به نفس مشکلاتان را برطرف کنید)

باعجله انتخاب نکنید عجله در ازدواج کار صحیحی نیست، انتخاب همسر باید با دقت و مشورت و شناخت لازم از او و خانواده‌اش صورت بگیرد، مبادا که در این زمینه خسارتی به طرفین وارد شود و ضربه روحی و روانی ببار آید.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «تَخَيَّرُوا لِنُظُفِكُمْ، فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ

إِخْوَانِيْنَ وَأَخَوَاتِيْنَ»^۱

«برای نطفه‌ها (نسل‌ها) ی خود خوب گزینش کنید؛ زیرا زنان فرزندان‌ی همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند.» جوانان عزیز نباید فقط شروع زندگی را ببینند باید نیم‌نگاهی هم به آینده داشت به فرزندان‌ی که از این همسر پا می‌گیرد مادر فرزند من نباست چه کسی باشد پدر فرزند من چه شخصیتی دارد این مهم است.

همسر شهید حمید ایران‌منش می‌گوید خواستگارها آمده و نیامده، پرس‌وجو می‌کردم که اهل نماز و روزه هستند یا نه؛ باقی مسائل برایم مهم نبود.

حمید هم مثل بقیه؛ اصلاً برایم مهم نبود که خانه دارد یا نه؛ وضع زندگی‌اش چطور است؛ این‌ها معیار اصلیم نبود.

شکر خدا حمید از نظر دین و ایمان کم نداشت و این خصوصیتش مرا به ازدواج با او دلگرم می‌کرد. حمید هم به گفته خودش حجاب و عفت من را دیده بود و به اعتقادم درباره امام و ولایت فقیه و انقلاب اطمینان پیدا کرده بود، در تصمیمش برای ازدواج مصمم‌تر شده بود.^۲

برکات یک انتخاب درست

خوبان عالم این‌گونه به بحث انتخاب همسر بها می‌دادند و ثمرات

۱ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص: ۳۸۱

۲ چریک، ص ۳۴



آن را هم در زندگی می‌دیدند.

همسر علامه طباطبایی در سال ۱۳۴۴ در زمان حیات مرحوم علامه در اثر بیماری به دیار باقی شتافت. فراق این همسر فداکار، علامه را سخت تحت تأثیر قرارداد. در مقام این بانوی بزرگوار همین بس که علامه درباره او چنین می‌گوید: مرگ حق است. همه باید بمیریم. من برای مرگ همسرم گریه نمی‌کنم. گریه من برای صفا و کدبانوگری و محبت‌های خانم است. ما زندگی پرفرازونشیبی داشته‌ایم. در نجف اشرف با سختی‌هایی مواجه می‌شدیم. من از حوائج زندگی و چگونگی اداره آن بی‌اطلاع بودم. اداره زندگی به عهده خانم بود. در طول مدت زندگی ما هیچ‌گاه نشد که خانم کاری بکند که من حداقل در دلم بگویم کاش این کار را نمی‌کرد، یا کاری را ترک کند که من بگویم کاش این عمل را انجام داده بود. در تمام دوران زندگی ما هیچ‌گاه به من نگفت چرا فلان عمل را انجام دادی؟ یا چرا ترک کردی؟!

همسر شهید مطهری می‌گوید یادم است همسر علامه که از بستگان ایشان هم بودند، برای من تعریف می‌کردند که ما در تبریز سالی چند من روغن حیوانی مصرف می‌کردیم. به قم که آمدیم در منزل کوچکی ساکن شدیم که امکانات زیادی هم نداشت. حداکثر می‌توانستیم روزی پنج سیر گوشت بخریم. من دنبه‌های گوشت را جدا می‌کردم و داخل سبدی که از سقف آشپزخانه آویزان کرده

بودم، می‌انداختم. هرچند روز یک بار دنبه‌ها را آب می‌کردم و از آن به‌عنوان روغن استفاده می‌کردم. هیچ‌وقت هم به علامه نمی‌گفتم. ما روغن نداریم که ایشان ناراحت شود و از کار و مطالعه بازماند. می‌خواستم فکرش آزاد باشد. دوستی با ایشان برای من درس‌آموز بود.^۱

واقعاً عشق و علاقه این بزرگوار نسبت به همسرشان مثال‌زدنی بود حتی بعد از مرگ همسر نیز به عشقش وفادار بود و تا چهار سال هرروز می‌رفت کنار مزارش. بعد از آن چهار سال هم که فرصت کمتری داشت به‌طور مرتب دو روز در هفته (روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه) سرمزار همسرش می‌رفت و امکان نداشت این برنامه را ترک کند. به شاگردش هم پولی داده بود تا به کسی بدهد و تا یک سال هر هفته در شب‌های جمعه در حرم حضرت معصومه علیها السلام به نیابت از همسر مرحومش زیارت‌نامه بخواند. می‌گفت: «بنده خدا باید حق‌شناس باشد. اگر آدم نتواند حق مردم را ادا کند، حق خدا را هم نمی‌تواند ادا کند».^۲

معیارهای انتخاب

برای انتخاب همسر باید ملاک‌هایی داشته باشیم قاعدتاً ملاک‌ها با توجه به میزان تأکید دین و نقش آن‌ها در تأمین اهداف ازدواج و میزان تأثیر در زندگی مشترک اولویت‌بندی خواهند شد در بیانات

۱ - See more at: <http://www.motahari.ir/fa/content> - ۱

۲ پیام زن - آبان ۱۳۷۵، شماره ۵۶



معصومین نیز این اولویت‌ها بیان شده است.

۱. اخلاق

حسین بن بشار می‌گوید به حضرت موسی بن جعفر نوشتم که من قوم و خویشی دارم از من (دخترم را) خواستگاری کرده ولی در او بدخویی است، فرمود: اگر بد اخلاق است با او ازدواج نکنید^۱ بنابراین، مهرورزی به همسر، که برآیند این صفات است، به عنوان یکی از شاخص‌های مهم همسر مطلوب محسوب شده است. امام صادق علیه السلام، حسن خلق را عبارت از فروتنی، نیکوگفتاری و خوشرویی می‌دانند.^۲

همچنین با توجه به تأثیر گفتار در روابط همسران، بر پرهیز از گزینش افراد بد زبان به عنوان همسر تأکید شده است. علاوه بر خصوصیات فوق، که در مرد و زن مورد تأکید قرار گرفته، در خصوص ارزش‌هایی همچون نرم‌خویی، سپاس‌گزاری و پرهیز از پرخاشگری در زنان عنایت ویژه‌ای صورت گرفته است.

عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، بانوی مسلمانی زندگی می‌کرد، همواره روزه می‌گرفت و به نماز اهمیت بسیار می‌داد، حتی شب را با عبادت و مناجات به سر می‌برد، ولی بد اخلاق بود و با زبان خود

۱ مکارم الأخلاق / ترجمه میرباقری، ج ۱، ص: ۳۸۷

۲ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۱۰۳ «بَعْضُ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا خَدَّ حَسَنِ الْخُلُقِ قَالَ تَلِيْنُ جَنَاحَكَ وَتُطِيْبُ كَلَاهَكَ وَتَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ. یکی از اصحاب گوید بامام صادق علیه السلام عرض کردم: اندازه حسن خلق چیست؟ فرمود: اینکه فروتنی کنی و خوش سخن باشی و برادرت را با خوشرویی برخورد کنی.

همسایگانش را می‌آزرد.

شخصی به محضر رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: فلان بانو همواره روزه می‌گیرد و شب‌زنده‌داری می‌کند، ولی بد اخلاق است و با نیش زبانش همسایگان را می‌آزارد.

رسول اکرم ﷺ فرمود: لا خیر فیها، هی من اهل النار: در چنین زنی خیری نیست و او اهل دوزخ است.^۱

۲. دین‌داری و ایمان

در حدیثی رسول خدا ﷺ مرد مؤمن را هم‌شان زن مؤمن و مرد مسلمان را همتای زن مسلمان قلمداد می‌کنند.^۲

در روایت دیگری تأکید شده که اگر حضرت علی ع نبود، همتایی در میان انسان‌ها برای ازدواج با حضرت زهرا ع یافت نمی‌شد.^۳ حتی محبت اولیای الهی نیز جلوه‌ای از دین‌داری همسر به شمار آمده (تحریم: ۵) و بر نقش آن در انعقاد نطفه بنده خداوند تأکید شده است.

ایمان و دین‌داری از راه تحکیم مبانی اخلاقی فرد بر پایدار ماندن ازدواج تأثیرگذار است. آقا امام حسن مجتبی ع می‌فرمایند: **رَوِّجُهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ فَإِنَّهُ إِِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمَهَا.**^۴ دختر خویش را به ازدواج متدین و پرهیزکار در بیاورید زیرا چنین شخصی

۱ داستان دوستان داستان ۱۰۵

۲ اصول کافی، ج ۵، ص ۳۴۱.

۳ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۳.

۴ مکارم الاخلاق، ص ۲۰۴



اگر دخترتان را دوست بدارد او را اکرام خواهد کرد و چنان چه او را نپسندد به وی ستم روا نخواهد داشت.

امروزه متأسفانه آنچه بیشتر از هر چیز مورد توجه و اهتمام قرار می‌گیرد دارا بودن زیبایی و مال است نه دین و ایمان. درحالی‌که در روایت داریم که پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هر که با زنی به خاطر زیبایی‌اش ازدواج کند، دلخواه خود را در او نمی‌بیند و هر که با زنی به خاطر مال [و ثروت] او ازدواج کند، خداوند او را به همان مال [و ثروت] او می‌گذارد. پس بر شما باد [ازدواج با] زنان متدین!

این به معنای بی‌توجهی به زیبایی و دارا بودن حداقل تمول مالی طرف مقابل نیست، چه اینکه در ابتدای بحث عرض کردیم که حتی دین مجوز دیدن بدن زن را برای مردی که واقعاً مصمم بر ازدواج با شخص مورد نظر می‌باشد صادر نموده است و این بدان معنا است که رضایت مرد از زیبایی زن بسیار اهمیت دارد.

اما اینکه برخی تمام هم و غم شان زیبایی و دارایی طرف مقابل است و به دین و ایمان هیچ کاری ندارند و ملاک اولیه شان نیست امری بسیار خطرناک و غیرقابل جبران می‌باشد.

۳ سلامت عقلانی و روانی

رسول خدا ﷺ فرمودند: **إِيَّاكُمْ وَ تَزْوُجَ الْحَمَقَاءِ، فَإِنَّ صُحْبَتَهَا ضَيَاعٌ وَ وُلْدَهَا ضَبَاعٌ.**^۲

۱ سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۵۹۷ ح ۱۸۵۹

۲ بحار الأنوار: ج ۱۰۳ ص ۲۳۷ ح ۳۵

پیامبر خدا ﷺ: از ازدواج با زن احمق پرهیزید؛ زیرا هم‌نشینی با او تباهی است و فرزندانش گفتار [صفت] هستند.
از حدیث فوق روشن می‌شود که آسیب‌های عقلانی اهداف آموزش و پرورش فرزند صالح را به مخاطره می‌اندازد ویژگی‌هایی مانند قدرت تشخیص، اتخاذ تصمیم‌های مناسب و به‌جا، استقلال فکری، قدرت غلبه بر احساسات و هیجان‌ها.

۴. سلامت روانی

ناهنجاری‌های روانی مثل اضطراب، افسردگی، وسواس شدید که سلب آرامش خانواده را به دنبال دارد لذا باید پس از احراز حداقل سلامت روانی طرف اقدام به ازدواج کند.

۵. خانواده‌ها

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: تَخَيَّرُوا لِتُطْفِكُمْ؛ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ^۱ برای نطفه‌های خود، بهترین [رَجَم‌ها] را برگزینید؛ چراکه زنان، فرزندان همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند.

شیوه‌های احراز ملاک‌ها

مشاهده

اطاعاتی که از طریق روش مشاهده می‌توان کسب کرد، کمتر

۱ کشف الخفاء: ج ۲ ص ۳۳۹ ح ۲۹۱۷.



می‌توان از روش‌های دیگر به دست آورد زیرا مشاهده به افراد اجازه می‌دهد که مستقیماً مورد را ببینند و واقعیت را به صورت مستقیم یا بی‌واسطه درک کند.

أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ إِلَّا أَرْبَعُ أَصَابِعٍ - فَسُئِلَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِ هَذَا، فَجَمَعَ أَصَابِعُهُ وَوَضَعَهَا بَيْنَ أَذْيِهِ وَعَيْنِهِ - ثُمَّ قَالَ: الْبَاطِلُ أَنْ تَقُولَ: سَمِعْتُ وَالْحَقُّ أَنْ تَقُولَ: رَأَيْتُ!¹

هان! میان حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست. از آن حضرت درباره معنای این فرمایش سؤال شد. امام انگشتان خود را به هم چسباند و آن‌ها را میان گوش و چشم خود گذاشت و آنگاه فرمودند: باطل این است که بگویی: شنیدم و حق آن است که بگویی: دیدم این‌که می‌گویند: شنیدن کی بود مانند دیدن واقعاً حرف صحیحی است مخصوصاً که به صورت غیرعلنی در صورت امکان انجام شود و دیگران نیز در این امر کمک کنند.

گفتگو

یکی از دوستان شهید یوسف کلاه دوز می‌گوید بین من و کلاه دوز صمیمیت خاصی وجود داشت. در هر مسئله‌ای باهم مشورت می‌کردیم؛ از جمله موضوع ازدواج. وقتی از دخترخاله من در اصفهان خواستگاری کرد، از طرف آن‌ها مأمور شدم تا آشنایی نزدیکی با یوسف برقرار و بعد این ازدواج را تأیید یا رد کنم.

وقتی خانواده خاله‌ام با گوشه‌ای از سجایای اخلاقی کلاه دوز آشنا

¹ نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۱۹۸

شدند، موافقت خود را اعلام کردند و کار به خواستگاری رسمی رسید. جالب این بود که همسر او در همان روز خواستگاری پرسشنامه‌ای جلوی رویش گذاشته و سؤال کرده بود:

۱. آیا شما بنده خدا هستید یا بنده شاه؟

۲. آیا مقید به اسلام هستید؟

۳. اگر مقید به اسلام هستید، شاه را چگونه می‌بینید؟

... کلاه دوز با دیدن این سؤال‌ها در وضعیت دشواری قرار گرفته بود. این چیزها جزو مکونات قلبی و اسرار زندگی او به شمار می‌رفت. نمی‌خواست در گارد او را به‌عنوان یک فرد مذهبی بشناسد. از طرفی خوشحال بود که سرانجام در زندگی با کسی همراه می‌شود که همدل و هم‌زبان اوست. پس از یک مکث طولانی، خطاب به همسرش گفته بود: «من جواب این چیزها را به‌رسم امانت به شما می‌گویم.»

رازها در میان گذاشته می‌شود و بدین ترتیب ازدواج سرمی گیرد. توافق فکری و اخلاقی آن‌ها به قدری نزدیک به هم بود که اگر سؤالی در زمان و مکان مجزا از آن‌ها می‌کردیم؛ یک جواب واحد می‌شنیدیم؛ بدون هیچ کم و کاستی. آن روزها نمی‌دانستیم که این ازدواج فصلی خواهد بود از حماسه زندگانی آن مظهر مردانگی!

تحقیق

گفتگو با افرادی که از شناخت مناسبی در مورد فرد برخوردارند راهی برای کشف صداقت شخص در گفت‌وگو می‌باشد تحقیق باید هم در مورد خود شخص باشد هم خانواده طرف و هم دوستان جوان این کار بهتر است توسط افرادی که این ویژگی‌ها را داشته باشد تجربه، صداقت، امانت، دلسوزی، عدم جانب‌داری.

جلسه چهارم:

تسهیل در امر ازدواج



مقدمه

از جمله دستورات دین مبین اسلام که مراعات او به طهارت و عفت فردی و اجتماعی کمک شایانی کرده و راهی بسیار مناسب بجهت کاهش آسیب های فردی و اجتماعی است، ضرورت سهل گیری در امر ازدواج است.

بر این اساس به ۶ مانع اصلی (با رویکرد مسئولیت والدین) در مسیر ازدواج به اختصار اشاره می شود.

۱. عدم شناخت افراد نسبت به تأکیدات مکرر دین به سهل گیری در

امر ازدواج و تبیین چرایی این سهل گیری

۲. توجه ویژه به نگاه های مادیگرایانه و ترس از فقر و عدم توکل

به حضرت حق جل شأنه و عظم صفاته

۳. چشم و هم چشمی

۴. تکبر

۵. حفظ دین در پرتو ازدواج به هنگام و تبیین برخی از آسیب های

ازدواج دیر هنگام

در این جلسه سهل شدن امر ازدواج در گرو تلاش های ۴ گروه حاکمیت، مردم، والدین و خود افراد مجرد در سن ازدواج عنوان شده و تلاش می شود به والدین یاد آوری شود که بر فرض عدم انجام وظایف توسط سایر بخش ها، از آنها رفع مسئولیت نخواهد شد و یقیناً بخش قابل توجهی از موانع به همت ایشان رفع خواهد شد.

سهل گیری در امر ازدواج

خانم آقای عثمان بن مظعون آمد محضر رسول الله ﷺ

فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ عُمَانَ يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيْلَ

گفت: ای پیامبر خدا! عثمان، کارش این شده که روزها را روزه بگیرد و شبها را به عبادت بگذراند

فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُغْضَبًا يَحْمِلُ نَعْلَيْهِ حَتَّى جَاءَ إِلَى عُمَانَ فَوَجَدَهُ يُصَلِّي فَأَنْصَرَفَ عُمَانُ جِبْنَ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ پیامبر خدا، نعلین به دست و خشمناک، بیرون شد تا نزد عثمان آمد. او را مشغول نماز خواندن یافت. عثمان با دیدن پیامبر خدا، نمازش را سلام داد.

فَقَالَ لَهُ يَا عُمَانُ لَمْ يُرْسَلْنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَ لَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ أَصُومُ وَأُصَلِّي وَأَلْمَسُ أَهْلِي فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلْيَسْتَنَّ بِسُنَّتِي وَ مِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ^۲

و به او فرمود: «ای عثمان! خداوند متعال، مرا با رهبانیت نفرستاده؛

۱ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ عُمَانَ بْنَ مَطْعُونٍ إِلَى النَّبِيِّ ص

۲ کافی، ج ۵، ص ۴۹۴

بلکه با آیین مستقیم و ساده و آسان‌گیر، فرستاده است. من، هم نماز می‌خوانم، هم روزه می‌گیرم و هم به همسرم می‌رسم. پس هر که آیین مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند و از سنت من است با اهل خانه بودن».

یکی از مهم‌ترین عامل دین‌گریزی در جوانان این هست که می‌گویند: «دین سخت‌گیری می‌کنه؟» خب سخت‌گیری هم زدگی می‌آورد.

سؤال آیا واقعاً دین ما دین سخت‌گیری هست؟

مردی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و از حضرتش از اسلام پرسید. علی علیه السلام چهل ویژگی برای دین بر می‌شمرند اولین ویژگی که حضرت می‌شمارند عبارت است از این که دین، دین سهلی است حضرت فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَ سَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ^۱**

همانا خداوند اسلام را مقرر داشت و بر آن کس که به این دین درآید احکامش را آسان نمود،

نه اینکه دین را آسان کنیم. نه دین آسان هست.

مصادیق زیادی را می‌توان برای این مسئله شمرده از جمله:

اصل بر پاکی است زمانی که شک کردیم این شی خیس آیا رطوبتش بر اثر نجاست بوده یا غیر آن اصل بر عدم نجاست و پاکی است^۲

۱ کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص: ۶۱۸

۲ ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۴۱۷، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۱ ق؛ مصطفوی، سید محمد کاظم، مائة قاعدة فقهية، ص ۱۵۶، قم، دفتر



عمرو عاص پسر عابدی داشت هرروز روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند پیامبر فرمود چرا این قدر به خودت سخت می‌گیری؟ یک روز در میان روزه بگیر ختم قرآن لازم نیست!.....

بله در دین سخت‌گیری‌هایی هم وجود دارد ولی هر جا سخت‌گیری باشد معمولاً به خاطر این است که قبلاً سهل‌گیری‌هایی شده ولی اعتنا نشده مثلاً اگر کسی مرتکب عمل غیراخلاقی شود حکمش تازیانه است یا اعدام به خاطر این‌که اساساً در اسلام برای رفع این نیاز راه‌های مشروع پیش‌بینی شده است. ازدواج حلال را گذاشته خب از راه حلال باید اقدام می‌کرد...

سخت‌گیری در ازدواج

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

ازجمله اموری که در جامعه‌ی ما در میان بسیاری از خانواده‌ها، به این آفت خطرناک تکلف مبتلا شده است، مسئله‌ی مهم و سرنوشت‌ساز ازدواج است. به بهانه‌ی انجام آداب و رسوم، آبروداری، حفظ حیثی بر دختر و پسر و... این شیرین‌ترین حادثه‌ی زندگی جوانان را به کابوسی وحشتناک تبدیل کرده‌ایم. در رفع این معضل خانمان سوز، همه باید به میدان بیایند سنت الهی و آسمانی را از

انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ ق. این قاعده می‌گوید: هر چیزی تا وقتی که نجاستش ثابت نگردد، محکوم به پاکی است؛ به عبارت دیگر؛ هر چیزی که در پاکی آن شک شود، اصل این است که پاک باشد. البته به این شرط که وضعیت سابق آن معلوم نبوده و یا اصل موضوعی

(مانند اصل عدم تذکیه) در کار نباشد

۱ الطبقات الکبری، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۸

قیدوبند زنجیرهای جاهلی نجات بخشند و این میدان زندگی را برای خوشبختی جوانان هموار سازند!

بعضی از جوانان و خانواده‌ها نگران مشکلات اقتصادی هستند با خانواده‌ها از ترس مسائل مالی فرزندان در آینده در ازدواج سخت می‌گیرند و شرایط مختلفی قرار می‌دهند و ... اگر بنده به شما وعده بدهم که ازدواج کنید و جوانان خود را به ازدواج هم دریاورید و شما با مشکل مالی مواجه نخواهید خورد شاید خیلی از شما قبول نکنید اما اینجا خدا می‌فرماید که من تأمین می‌کنم هزینه زندگی شما را خدا می‌فرماید.

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۱

[مردان و زنان] بی‌همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست‌اند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست.

حتی رسول خدا قطعی بودن یاری خدا را این‌گونه می‌فرماید رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «حَقَّقْ عَلَى اللَّهِ عَوْنٌ مَنْ نَكَحَ الْإِمَّاسَ الْعِفَافِ عَمَّا حَزَمَ اللَّهُ»^۲؛ هر که به‌منظور پاک نگه‌داشتن خود از آنچه خداوند حرام کرده است ازدواج کند، بر خداست که او را کمک کند.»

۱ شرح حدیث مقام معظم رهبری ۱۳۸۶/۰۸/۱۶

۲ نور ایه ۳۲

۳ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص: ۴۴۷



کسی که نیازهای جنسی خود را از طریق حلال که همانا ازدواج است برآورده کند و این سبب شود تا در این خصوص، مرتکب حرام نشود، خدای تعالی بر خود لازم دانسته که او را یاری کند؛

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بیان یکی دیگر از فواید ازدواج می فرماید: رَوِّجُوا أَيَاكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَكُمْ فِي أَخْلَاقِكُمْ وَيُوسِّعُ لَكُمْ فِي أَرْزَاقِكُمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مُرْوَاتِهِمْ؛^۱

شخص متأهل احساس مسئولیت بیشتری کرده و بر فعالیتش می افزاید. به همین جهت، رزق و روزی بیشتری عایدش می شود ولی بعضاً ترس از فقر نیست بلکه رسم و رسومات و توقعات غیرمنطقی کار را سخت می کند

کافی است آنهایی که سخت می گیرند خودشان را جای این جوانان بگذارند وجود مبارک امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در روایتی بسیار مهم به این مسئله فوق العاده باارزش که خود را میزان بین خود و دیگران قرار بده بدین صورت اشاره فرموده اند:

إِجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ، وَأَجِدْ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَأكْثَرَهُ لَهُ مَا تَكْتَرُهُ لَهَا ...^۲

وجود خود را برای توجه به واقعیات زندگی و درک بیشتر از مسائل انسانی میزان بین خود و غیر خود قرار بده و دوست داشته باش

۱ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص: ۲۲۲

۲ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۴، ص: ۲۰۳... لا تظلم كما لا تحب أن تظلم، وأحسن كما تحب أن يُحسن إليك، واستقمح لنفسك ما تستفححه من غيرك، وأرض من الناس ما ترضى لهم

برای دیگران آنچه را برای خود دوستداری و کراهت داشته باش برای غیر خود، آنچه را برای خود کراهت داری ...

اسلام عزیز این سختگیری‌ها را خلاف انصاف و مروّت و جدای از اخلاق انسانیت و امری غیر خدائی و غیرشرعی می‌داند. اسلام به سختگیران هشدار می‌دهد که عواقب این برنامه در دنیا و آخرت دامن شما را خواهد گرفت.

مردی خدمت حضرت صادق ع از شخصی شکایت کرد، زمانی نگذشت که شکایت شده از راه رسید، امام ششم فرمود: شکایت فلانی از تو برای چیست؟ عرضه داشت به من بدهکار است و من ایستاده‌ام تا دینار آخر آن را از او بگیرم، حضرت صورت نِشستن خود را عوض کرد و به خشم آمد و فرمود: تصور کردی تا دینار آخر را از او بگیری بد نمی‌شود، گفتار حق را در قرآن مجید نخوانده‌ای؟

يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ^۱

می‌ترسند بدی حساب را.

خیال کردی سوء حساب به معنای ظلم و جور از جانب حق به عبد است! نه به خدا قسم.

مَا خَافُوا إِلَّا الْأُسْتِقْصَاءَ.

نمی‌ترسند مگر تا آخرین ذره عمل را به حساب کشیدن. بدان ای مرد:

فَمَنْ اسْتَقْصَى فَقَدْ آسَاءَ.^۲

۱ رعد ۲۱

۲ عَلِيٌّ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُمَانَ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَشَكَاَ إِلَيْهِ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَلَمْ



آن که در حساب این‌گونه سخت‌گیری کند کار بدی انجام داده است.

چشم و هم‌چشمی عامل سخت‌گیری

از عادات زشت بعضی از افراد به قول معروف چشم هم‌چشمی است، به این معنا که فرد یا خانواده وضعیت بالای مادی اقوام یا همسایگان یا دیگران را ملاک قرار می‌دهد و به دست‌وپا می‌افتد که بهر صورت که شده خود را هم‌تراز آنان قرار دهد؛ و این خود یکی از عوامل مهم در سخت‌گیری است. رسول‌الله ﷺ می‌فرماید:

مَنْ أَتَبَعَ بَصَرَهُ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ ظَالَ هَمُّهُ وَلَمْ يُشَفَّ غَيْظُهُ^۱

کسی که نگاهش دنبال آنچه دست مردم است، باشد، دچار هم‌وغم طولانی گشته و نفسش از افسوس و حسرت پی‌درپی بر دنیا بند آید.

واقعیت دردناکی است این افراد هیچ‌وقت هم به آرامش نمی‌رسند نه فقط خود بلکه آرامش را از دیگران هم صلب می‌کنند.

ملانصرالدین به نزد دوستش رفت و گفت: «بین فلانی؛ خیلی دلم به حالت می‌سوزد.» مرد گفت: «برای چه؟» ملا گفت: «به خاطر

يَلْبِثُ أَنْ جَاءَ الْمُشْكُو فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا لِفُلَانٍ يَشْكُوكَ فَقَالَ لَهُ يَشْكُونِي أَنِّي اسْتَقْضَيْتُ مِنْهُ حَقِّي قَالَ فِجَلَسَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مُغْضَبًا ثُمَّ قَالَ كَأَنَّكَ إِذَا اسْتَقْضَيْتَ حَقَّكَ لَمْ تُبْسِئِ أَرَأَيْتَ مَا حَكَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ - يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ

أَتَرَى أَنَّهُمْ خَافُوا اللَّهَ أَنْ يَجُوزَ عَلَيْهِمْ لَا وَاللَّهِ مَا خَافُوا إِلَّا الْإِسْتِقْضَاءَ فَسَمَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سُوءَ الْحِسَابِ فَمَنْ اسْتَقْضَى بِهِ فَقَدْ أَسَاءَ. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۱۰۱

۱ (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۶)

این‌که بعد از مدّت‌ها جنگ و دعوا با عیالم امروز رفته بودم بازار و هر چه می‌خواست برایش خریدم.» دوستش گفت: «خوب این قضایا چه دخلی به من دارد؟»

ملاً گفت: «اتفاقاً خیلی هم به تو مربوط است. آخر وقتی زن تو ببیند که من برای عیالم کفش و لباس خریده‌ام؛ او هم حسادتش گُل می‌کند و از روی چشم و هم‌چشمی با تو دعوا راه می‌اندازد و تا خواسته‌اش را برآورده نسازی؛ دست ازسرت برنمی‌دارد. به همین دلیل است که می‌گوییم به تو هم مربوط است.»^۱

امیر المومنین علیه السلام در مورد درمان این رذیله اخلاقی می‌فرماید:

وَأَكْبَرُ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى مَنْ قُضِلَتْ عَلَيْهِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَبْوَابِ الشُّكْرِ^۲

سعی کن تا می‌توانی به زیردست خودت در نعمت‌ها نگاه کنی، به کسی که تو بر او برتری داده‌شده‌ای که این نوع نگاه از ابواب شکر الهی است.

متأسفانه بعضی از پدران و مادران چنانکه مشاهده‌شده در مجالس قرارداد ازدواج آن‌چنان ژستی به خود می‌گیرند که انگار شاه مقتدری هستند و فرزند آنان شاهزاده و باید در امر عقد و عروسی، همچون فرعون و فرعونیان عمل شود، پیشنهادهایی می‌دهند و خواسته‌هایی اظهار می‌کنند که خانواده مقابل بهت‌زده شده و فرزندشان از ازدواج و تشکیل خانواده پشیمان می‌شود.

۱ کتاب «ملائصرالدین زندگی خویشتمیم. مولف: مسعود لعلی انتشارات بهار سبز چاپ چهارم

۱۳۹۰ صفحه ۷۱ و ۷۲»

۲. نهج البلاغه، ص ۴۶۰



تکبر عامل سخت‌گیری

یکی دیگر از عوامل مهم در سخت‌گیری در زندگی بر دیگران و اطرافیان تکبر است. خیلی از خانواده‌ها به خاطر تکبر و خود برتر بینی نسبت به مسائل ازدواج و زندگی با اطرافیان خود سخت‌گیری‌هایی می‌کنند که موجب اذیت و آزار اطرافیان می‌شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

إِيَّاكَ وَالْكِبْرَ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ وَالْأَمُّ الْعُيُوبِ وَهُوَ جَلِيَّةٌ إِبْلِيسَ^۱.
 بر تو باد از اینکه در امور حیات نسبت به حق و خلق دچار کبر شوی، به حقیقت که تکبر از بزرگ‌ترین گناهان و پست‌ترین عیوب است و کبر رنگ و رخساره و خصلت ابلیس است. این برخورد، برخورد شیطانی است پناه بر خدا رسول خدا به ابوذر فرمود:

يَا أَبَاذَرٍّ مَنْ مَاتَ وَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبْرٍ لَمْ يَجِدْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ قَبْلَ ذَلِكَ^۲

ای ابوذر هر کس بمیرد و در قلبش به وزن ذره‌ای کبر باشد، بوی بهشت را نخواهد یافت، مگر اینکه قبل از مردن توبه کند و از لباس کبر و نخوت و بزرگ‌منشی درآید.

امام صادق علیه السلام از پدرانش روایت می‌کند، بین سلمان و مردی دعوا درگرفت، آن مرد باحالتی خاص به سلمان گفت: تو کیستی که من

۱ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص: ۲۹

۲ الأُمّالی (للطوسی)، النص، ص: ۵۳۸

با تو رو در رو شوم؟ سلمان گفت: اولم و اول تو نطفه نجس بود، آخرم و آخر تو مرداری بدبو در خانه قبر است، چون قیامت شود و میزان‌ها برپا گردد، هر کس عملش ثقیل و سنگین آید کریم و هر کس اعمالش بی‌قدر و قیمت و سبک جلوه کند پست است.^۱

نمونه ازدواج آسان

مرحوم ملا محمدتقی مجلسی آن فقیه فرزانه و دانشمند کم‌نظیر سه پسر دانشمند و چهار دختر فاضله داشت. دختر اول او آمنه بیگم است که سرگذشت ازدواجش با همسر دانشمند و بزرگوارش ملا صالح مازندرانی سرگذشتی عجیب و شیرین و واقعه‌ای عرشی و الهی و ملکوتی است:

ملا محمد صالح مازندرانی که از علمای نامی شیعه است، تاریخ زندگانی پرحادثه‌ای دارد. اجمال آن بدین قرار است: پدر وی به نام ملا احمد مرد بسیار فقیری بود، به طوری که قادر نبود زندگی فرزندش را تأمین کند، ازاین‌روی به وی گفت: چون من از تأمین مخارج تو عاجزم خودت به فکر تأمین زندگی خود باش. محمد صالح هم که جوانی نارس بود به اصفهان آمد و در یکی از مدارس آن شهر به تحصیل پرداخت، مدرسه دارای موقوفه‌ای بود که به هر محصلی به میزان رتبه علمی وی چیزی می‌دادند و چون محمد صالح تازه شروع به تحصیل کرده بود، سهمش ناچیز و برای تأمین زندگی‌اش کافی نبود.

۱ لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج ۱، ص: ۶۳۱



او از این جهت سخت در ناراحتی بسر می‌برد تا جایی که شب‌ها هنگام مطالعه از چراغ عمومی مدرسه که در گوشه‌ای می‌افروختند استفاده می‌کرد!

ولی او بالاخره با جدیت و پشتکار و همت عالی خود بر محرومیت و ناکامی‌ها چیره گشت و به مقام عالی علمی رسید تا اینکه به مجلس درس علامه مجلسی ملاً محمدتقی راه یافت، چیزی نگذشت که مورد توجه خاص و عنایات مخصوص استاد علامه‌اش واقع شد و بر تمام شاگردان فائق آمد.

به طوری که مؤلف مرآت الاحوال می‌نویسد: در این هنگام ملا صالح که جوانی دانشمند بود، در اندیشه ازدواج و انتخاب همسری برای خود بود، علامه مجلسی نیز از این مطلب اطلاع حاصل کرد، روزی بعد از درس به وی فرمود: اجازه می‌دهی همسری برای شما انتخاب کنم؟ ملا صالح سربزه‌زیر انداخت و پس از لحظه‌ای موافقت خود را اعلام داشت.

علامه مجلسی از جا برخاست و به درون خانه خود رفت و دختر دانشمندش آمنه بیگم را که همه علوم را به سر حد کمال آموخته بود نزد خود طلبید و گفت: دخترم شوهری برایت پیدا کرده‌ام که در منتهای فقر و نهایت فضل و صلاح و کمال است ولی این امر موکول به اجازه توست.

آن فاضله مقدسه با حجب و حیای مخصوصی گفت: پدر جان فقر عیب مردان نیست و با این بیان میل باطنی خود را به این وصلت

ابراز داشت، پس در ساعتی بعد عقد را جاری ساختند و عروس را برای داماد مهیا نمودند.

در شب عروسی داماد سعادت‌مند روی عروس بی‌مانند را گشود و پس از مشاهده جمال بی‌مثال وی و حمد قادر ازلی به گوشه ای رفت و مشغول مطالعه شد.

تفاقی مسئله بسیار مشکلی پیش‌آمده بود که حل نمی‌گردید، آمنه بیگم این معنی را بافراست مخصوص به خود درک کرد، چون فردا داماد برای تدریس از خانه بیرون رفت آمنه بیگم مسئله را با شرح و بسط تمام نوشت و درجایش نهاد، شب بعد که ملا صالح به نوشته آن بانوی فاضله نگریست، دید که عقده لاینحل به سرانگشت آن فاضله دانا حل گردیده است، ازاین رو پیشانی بر خاک نهاد و سجده شکر بجا آورد و تا صبح مشغول عبادت گردید و بدین گونه مقدمه عروسی تا سه روز طول کشید!

هنگامی که علامه مجلسی مطلع گردید به وی فرمود: اگر این زن مناسب شأن و باب میل تو نیست بگو تا دیگری را برای شما عقد کنم. ملا صالح گفت: نه ازاین جهت نیست، بلکه فاصله گرفتن من به خاطر ادای شکر الهی است که چنین نعمتی به من ارزانی فرموده است که هر چه کوشش می‌کنم نمی‌توانم شکر نعمت ادا نمایم. علامه مجلسی با شنیدن این سخن فرمود: اقرار به عدم قدرت برای شکرگزاری خداوند، نهایت شکر بندگان است.^۱

۱ ریحانه الادب، محمدعلی مدرس تبریزی، ج ۵، ص ۱۴۶.



ملاحظه می‌کنید اولاً مجلسی باکرامت تمام وسائل تحصیل علوم عالیه را برای دختر خود فراهم آورد تا او به قلّه‌ای از عظمت علمی رسید، ثانیاً آن دختر باکرامت را معدنی از عفت و عصمت و حیا و آزم و مجسمه‌ای از اخلاق اسلامی و تواضع و قناعت بار آورد، ثالثاً در مسئله ازدواج آن دختر آسان‌ترین راه را انتخاب کرد و بدون چون و چرا وی را باهم کفوش از نظر ایمان و اخلاق و عمل به قید زوجیت داد، رابعاً ملا صالح را به عنوان شوهر به او تحمیل نکرد و در این داستان تکبر نورزید، بلکه همان‌طور که معارف الهیه انسان را هدایت کرده، انتخاب همسر را به اجازه دختر و رضایت وی وا گذاشت و از همه مهم‌تر بدون تکبر پس از گذشت سه روز از ازدواج که ملا صالح در مقام شکرگزاری بود تصور اینکه آن مرد آن زن را نمی‌خواهد به او پیشنهاد کرد، اگر این همسر لایق تو نیست بگو تا همسر دیگری برای تو انتخاب کنم! این است اخلاق اولیاء حق و عاشقان حقیقت و مردان صالح و شایسته و دختران باعفت و ایمان و خانواده‌های پاک و پاکیزه. این‌گونه ازدواج‌ها از برکات الهی موج می‌زند و رحمت و لطف حق در فضای آن حاکم است.

ملا صالح از آن بانوی عالمه دارای شش پسر دانشمند و فقیه و ادیب و سخنور و دو دختر فاضله شد.

یک دختر وی همسر ابو المعالی کبیر و مادر میر ابوطالب است که

این پدر و پسر هر دو از علمای نامی بوده‌اند. سید محمد بروجردی جد پنجم آیت‌الله‌العظمی بروجردی که خود نیز نوه دختری مجلسی اول بوده داماد این میر ابوطالب است و ازاینجا فرزندان وی به خاندان مجلسی می‌پیوندند، دختر دوم وی همسر سید عبدالکریم طباطبائی جد ششم آیت‌الله بروجردی و مادر سید محمد طباطبائی است.^۱

حفظ دین ازدواج در جوانی

پیامبر مکرم اسلام ﷺ در مورد ازدواج در ایام جوانی چنین فرموده است: **أَيُّمَا شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي جِدَائِهِ سَيِّئَةٍ عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَهُ! عَصَمَ مِنِّي دِينَهُ**^۲

هرگاه شخصی در سنین جوانی ازدواج کند، شیطان او فریاد می‌زند: **وای بر من! دینش را از گزند من حفظ کرد.**

دستورات دین اسلام متناسب با خواسته‌های فطری انسان می‌باشد و از طرفی ازدواج همان‌طور که گفته شد، بسیاری از نیازهای درونی انسان را جوابگوست؛ بنابراین، کسی که همسر اختیار می‌کند، درواقع زمینه مساعدی برای پذیرش دستورات مناسب با فطرت را فراهم کرده است و به‌مراتب راحت‌تر می‌تواند طبق اوامر دینی عمل کرده کند. ولی اگر با سخت‌گیری‌ها شخص دین‌گریز شود.

۱ زندگی آیت‌الله بروجردی نوشته دوانی، ص ۷۹.

۲ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص: ۳۶۲.



گناه این دین‌گریزی بر عهده کیست مکافات به خطا افتادن جوان
بر عهده کیست فقط خود جوان نه

رسول اکرم ﷺ می فرماید: مَنْ بَلَغَ وَلَدَهُ النِّكَاحَ وَعِنْدَهُ مَا يَنْكَحُهُ، فَلَمْ
يَنْكَحْهُ ثُمَّ آخَذَتْ حَدَّثْنَا فَلَا تُؤْمَعَلِيهِ؛^۱

هر کس فرزندش به حد ازدواج برسد و او هم بتواند زمینه ازدواجش
را فراهم کند؛ ولی او را زن ندهد و فرزندش گرفتار گناه گردد، گناه
فرزند بر عهده اوست.

گاهی پدر با آنکه می‌تواند برای پسرش همسر اختیار کند، بهانه
می‌آورد که او هنوز خیلی جوان است و یا باید ادامه تحصیلات
بدهد و یا تا وقتی که از نظر مالی به جایی نرسیده و نتوانسته روی
پای خود بایستد،

روی پشت‌بام خانه‌یکی از برادرهای بسیجی، اتاقی بود که آن را
مرغدانی کرده بود ولی به علت بمباران استفاده نمی‌شد.

کف آن مرغدانی را آب انداختم و با چاقو زمینش را تراشیدم. حاجی
هم یک ملحفه سفید آورد با پونز زدیم که بشود دو تا اتاق. بعد
هم با پول توجیبی ام کمی خرت‌وپرت خریدم؛ دو تا بشقاب، دو تا
قاشق، دو تا کاسه و یک پتو هم از پتوهای سپاه آوردیم. یادم هست
حتی چراغ خوراک‌پزی نداشتیم؛ یعنی نتوانستیم بخریم و آن مدت
اصلاً غذای پختنی نخوردیم. این شروع زندگی ما بود.^۲

حالا ما انتظار نداریم جوان‌ها این‌طور زندگی را شروع کنند ولی این

۱ کنز العمال: ۴۵۳۳۷.

۲ نیمه پنهان ماه ۲، ص ۲۴

حرف‌های امروزی را هم باید ترک کرد همسر شهید سید مرتضی
آوینی می‌گوید:

زمان ما هم همیشه، رسم و رسوم ازدواج زیاد بود، ریخت‌وپاش هم
که بیداد می‌کرد. ولی ما از همان اول ساده شروع کردیم؛ خریدمان
یک بلوز و دامن برای من بود و یک کت وشلوار برای مرتضی. چیزی
دیگر را لازم نمی‌دانستیم، به حرف‌وحدیث‌ها و رسم و رسوم هم
کاری نداشتیم، خودمان برای زندگی‌مان تصمیم می‌گرفتیم.

همین‌ها بود که زندگی‌مان را زیباتر می‌کرد...!

به همین آسانی

می‌توان پای گذاشت، جای پای شهدا

زندگی‌شان این است

که به همراه قلم، می‌دود روی خیال آبادم

ازدواجی ست به سبک شهدا

انتخابی زیبا، می‌شود آغازش

بعد مهر است و خرید است و جهاز

که به تلفیق مرام شهدا

می‌شود سبزترین فصل شروع

دارم امید که این خاطره‌ها

ره نمایند من خاک‌نشین را

به قدمگاه شهیدان و الهی شدگان



تسهیل همگانی

حال که وضع اقتصاد، اشتغال، فرهنگ و ... در جامعه ما به گونه‌ای موانعی جدی برای ازدواج جوانان ایجاد کرده والدین و افراد نیز تشدید نکنند و بیایند با تسهیل این امور ... درصدی از موانع را برطرف کنند.

همه وظیفه دارند هر کس به فراخور اختیارات و توان خود دولت باید زمینه اشتغال جوانان را فراهم کند نباید جوان بی‌کار در کشور باشد اگر دولت مردها کوتاهی کند یکی از مشکلات جدی حال حاضر کشور طولانی بودن مقاطع تحصیلی است بعد دانشگاه و بعد سربازی این مسیر طولانی دست و پای جوان را می‌بندند.

همه پیامدهای دیر شدن ازدواج جوانان یا انصراف جوانان از ازدواج دامن مسئولینی که می‌توانند کاری بکنند ولی کوتاهی می‌کنند را هم خواهد گرفت بلکه بعضاً آن‌ها مکافاتشان بیشتر و بدتر است.

این جدایی گاهی با سیاست‌های غلط دولت‌ها ایجاد می‌شود.

مردم هم وظیفه دارند و همه اقشار و خویشان اقوام اطرافیان وظیفه داریم.

امام کاظم علیه السلام فرمودند: سه دسته در روز قیامت، روزی که سایه و پناهی جزء سایه خداوند نیست، در سایه و پناه خدا هستند: رجل زوج اخاه المسلم او اخدمه او کتم له سرا.

۱- مردی که زمینه ازدواج برادر مسلمانش را آماده نماید.

۲- مردی که به برادر مسلمانش خدمت کند.

۳- کسی که سر برادر مسلمانش را بپوشاند!

رسول اکرم ﷺ روزی به دیدن اصحاب «صُفّه» رفت. در آنجا به جوان بی‌همسر و غریبی به نام «جُوَیْبِز» برخورد کرد. به او فرمود: چقدر خوب بود همسری انتخاب کرده، با تشکیل خانواده به این زندگی انفرادی خاتمه می‌دادی تا هم عفت خود را به وسیله همسر حفظ کنی و هم او در کار دنیا و آخرت تو را یاری کند. جویر گفت: ای رسول خدا! من نه مال و جمال دارم و نه حسب و نسب، چه کسی به من زن می‌دهد و کدام زن رغبت می‌کند که همسر من شود؟

حضرت فرمود: ای جویر! خداوند به وسیله اسلام ارزش افراد را تغییر داده، بسیاری از اشخاص در دوران جاهلیت محترم بودند و اسلام آنان را پایین آورد و بسیاری، خوار و زبون بودند و اسلام منزلت آن‌ها را بالا برد. برخیز و به منزل «زیاد بن لبید انصاری» برو و از دخترش «ذلفا» خواستگاری کن ...

مراسم خواستگاری انجام گرفت و زیاد بن لبید با آنکه وصلت با شخصی مانند «جویر» را- که از تمام مزایای مادی محروم بود- در شأن خود نمی‌دید، به دستور پیامبر ﷺ با این ازدواج موافقت کرد. کار خیر از این بالاتر عمری این دو زوج با خوشی کنار هم زندگی کردند.

۱ الإمام الكاظم عليه السلام: ثلاثة يستظلون بظل عرش الله يوم لا ظل إلا ظله: رجل زوج أخته المسلم، أو أخدمته، أو كنتم له بسرا.



به ازدواج جوانان کمک کنیم زمینه را در حد توان خو. دمان فراهم کنیم اگر می‌توانیم واسطه شویم شرایط را آسان کنیم خیلی‌ها کار خیر را خلاصه کرده‌اند در ساخت مسجد و حسینیه و این‌ها خوب احسنت ولی به کلام حضرت صادق علیه السلام نیز توجه کنیم که در این باره می‌فرماید:

مَنْ رَوَّجَ أَعْرَبًا كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱

هر که عَزَبی را زن دهد، از جمله کسانی است که خداوند عزوجل در روز قیامت به او نظر می‌افکند.

اگر شخصی متمول است به وسیله مالش و اگر کسی زبانش نرم است، به کمک گفتار شیرین و بیانش و اگر کسی صاحب نفوذ و وجهه در بین مردم است، با اعتبار و نفوذش لازم است که در این امر خیر وساطت کند که بهترین شفاعت و واسطه‌گری است؛ چون نتیجه آن حفظ دین جوانان و صیانت یافتن آن‌ها از گناه می‌باشد. هر کس تسهیلاتی را برای ازدواج برادر مؤمنش فراهم آورد؛ مثلاً دختر خود را به آسانی و بدون سختگیری به ازدواج جوانی دریاورد و یا اگر وسعش می‌رسد، در جهت فراهم شدن مقدمات ازدواج پسر و دختری از بذل مال دریغ نکند و بالاخره هر کاری که از دستش برمی‌آید، انجام دهد تا یک ازدواج سالم صورت گیرد، چنین کسی اجر و پاداش این احادیث شریفه شامل حالش می‌شود و از رحمت الهی برخوردار خواهد بود.

۱ الکافی: ۲/۳۳۱/۵

بعضی مواقع نیاز است بزرگان شهر و روستا و منطقه ائمه جمعه و جماعات بنشینند و بعضی از رسم و رسومات دست‌وپا گیر را حذف کنند خب هر چه زودتر باید اقدام شود عزیزان ما مسئولیم بتوانیم کاری برای غنچه‌های زندگی‌مان که جوانان باشند بتوانیم انجام بدهیم ولی کوتاهی کنیم.

جلسه پنجم:

انتخاب خویش
قبل از انتخاب همسر



مقدمه:

یقیناً مهم‌ترین دلیل ازدیاد طلاق و تعارض‌های زوجین و حتی عدم رضایتمندی زناشویی را باید در انتخاب غیرآگاهانه و غیردقیق جستجو کرد؛ و یکی از الزامات انتخاب هوشمندانه را یقیناً می‌توان خودآگاهی و خودشناسی دانست.

فردی که بناست دست‌به‌یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های زندگی خود بزند و برای مسیر زندگانی خود همسفر و شریک انتخاب نماید لازم است در خصوص اهداف خود از زندگی و مسیر قابل سیر خود و همچنین ویژگی‌های خود (نقاط قوت و ضعف) آگاهی داشته باشد تا شریک زندگی‌اش را با توجه به این مسائل انتخاب نماید.

مطالب این جلسه با این پیش‌فرض بیان می‌شوند که صرف بلوغ و تمکن مالی شرایط کافی برای ازدواج پایدار نخواهند بود و فردی می‌تواند دست به انتخابی آگاهانه بزند و نهایتاً به اهداف و کارکردهای ازدواج نائل آید که به لحاظ شناختی از آمادگی‌هایی بهره‌مند باشد و در این خصوص مسئله خودشناسی و



لزوم هدف‌گزینی و هویت یافتگی و استقلال مورد بحث قرار خواهند گرفت.

در این مجلس تلاش می‌شود این نکته تبیین شود که لازمه انتخاب آگاهانه، خودآگاهی است و لازمه آن هدفمندی و هدف‌گزینی بر این اساس به معیارهای یک هدف مطلوب اشاره شده و میزان ارزشمندی هدف را مهم‌ترین محک ارزیابی آن عنوان کرده‌ایم سپس به لزوم ثبات هیجانی اشاره کرده و استقلال را به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی هویت یافتگی مورد بحث قرار دادیم.

خودشناسی

در یکی از شهرهای بزرگ کشور یونان، پیش از ظهور حضرت مسیح علیه السلام معبدی بسیار مهم برای عبادت مردم ساخته بودند که بر سر در این معبد، سنگ بزرگی را نصب کرده بودند. این سنگ را به گونه‌ای مایل کار گذاشته بودند که هر کس می‌خواهد وارد معبد شود، سنگ را ببیند. روی این سنگ، یک جمله نوشته بودند و همه هدفشان هم این بود که مردم این جمله را ببینند. البته این جمله، ریشه در تعلیمات وجود مقدس حضرت حق دارد و تاریخ بیان این جمله هم به ابتدای خلقت حضرت موسی علیه السلام برمی‌گردد. جمله این بود: «خود را بشناس».

این جمله، یکی از زیباترین جملات تاریخ حیات انسان و از عمیق‌ترین جملاتی است که بشر شنیده است.

امام زین‌العابدین علیه السلام در یکی از مناجات خود در خانه معبود می‌فرماید و اجعلنا من الدّین عرفوا انفسهم^۱ خدایا ما را جزو آن کسانی قرار بده که خودشان را شناختند. خودشناسی برکات زیادی دارد.

از جمله عوامل جدی موفقیت انسان در زندگی و رسیدن به اهداف و آرمان‌ها شناخت خود است این‌که فرد توانایی‌ها و استعدادهای خودش را کشف کند هدف خود را از زندگی دریابد آن را تقویت یا اصلاح کند و در مسیر خاصی حرکت کند.

«اگر بدانی که هستی و چه می‌خواهی، به آن می‌رسی.»

انتخاب خویش قبل از انتخاب همسر است

یکی از مهم‌ترین اتفاقات زندگی ما که هیچ‌کسی نیست جز اینکه دغدغه‌ی موفقیت در آن را دارد امر خطیر ازدواج است برای همه مهم است که ازدواجی موفق و پایدار داشته باشند.

اوضاع و احوال انتخاب همسر در کشور ما اوضاع چندان خوبی ندارد اگر به آمار طلاق نگاهی کنیم در می‌یابیم که آمار طلاق اوضاع خوبی ندارد، چرا نرخ رشد طلاق این‌قدر بالا رفته است؟ باید در این مورد فکر کرد وقتی ما نوع انتخاب‌ها و آمار طلاق را بررسی می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که بسیاری از این‌ها ریشه در انتخاب نادرست دارد. آیا این جمله درست است که ازدواج یک هندوانه‌ی دربسته است؟ آیا مهارت‌هایی برای انتخاب ازدواج وجود دارد؟

۱ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۱، ص: ۱۲۸



توجه به مهارت‌های انتخاب همسر نشان می‌دهد که این کار شدنی است می‌توان به یک شناخت حداکثری رسید.

خب اولین قدم در انتخاب همسر چیست چگونه می‌توان انتخاب موفق و پایداری داشت؟

اولین نکته در ازدواج، این نکته خیلی مهم است اینجا را باید خاص گوش کنید.

((انتخاب خویش قبل از انتخاب همسر است.))

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در روایتی فرموده است: رَحِمَ اللهُ اِمْرًا عَلِمَ مِنْ اَيْنَ وَفِي اَيْنَ وَ اِلَى اَيْنَ^۱

خدای رحمت کند کسی را که بداند از کجا است و در کجا است و به سوی کجا است.

به این کلام نورانی دو سؤال دیگر را هم باید اضافه کنیم؛ یعنی سؤال از خود که من کیستم و سؤال از روش زندگی که چگونه باید زندگی موفقیت‌آمیزی داشته باشم، در مجموع به پنج سؤال می‌رسیم که سؤال‌های اساسی، کلی و فلسفی زندگی انسان هستند، باید اول خودمان را انتخاب کنیم. من چه کسی هستم کجا هستم در این دنیا چه می‌کنم چه ویژگی‌هایی دارم چه ضعف‌هایی دارم هدف من از زندگی چیست یعنی زوجین می‌توانند هدف‌ها یا دغدغه‌های متعددی در زندگی داشته باشند که شباهتی به یکدیگر نداشته باشند به‌طور کلی نگاهشان به زندگی فرق کند خب این دو به

مشکل برمی خورند.

ضرورت خودآگاهی

شخصی وارد روستایی شد، دید همه قبرها جلوی در خانه‌هاست و سن مرده‌ها کم است؛ یکی شش ماه، یکی یک سال، یکی سه سال، یکی ده روز. از شخصی پرسید: جریان چیست؟ در جواب گفت: ما اینجا مرده‌ها را جلوی خانه دفن می‌کنیم که هرروز وقتی از خانه بیرون می‌آییم، به یاد مرگ و آخرت بیفتیم و از خدا بترسیم و در روز، حواسمان جمع باشد و کارهایمان را میزان کنیم و این‌که می‌بینی عمرها کم است، علتش این است که ما عمر را از روزی حساب می‌کنیم که شخص بیدار شود و خودش را بشناسد.^۱

اگر این‌طور باشد، عقیده من این است که ما غالباً سقط جنین شده‌ایم و اصلاً عمری نداریم. دعا کنید بیدار شویم و بفهمیم و بمیریم و بفهمیم از کجا آمده‌ایم و در کجا هستیم و به کجا خواهیم رفت. گاهی وضو بگیر و روبه‌قبله بنشین و تسبیح را بردار و صدبار بگو: «من کی هستم».

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در رفتارهای انسان «نگرش دینی» است.

کسی که چارچوب و نظام ارزشی را در زندگی خود پذیرفته و بدان باور دارد، در تصمیم برای ازدواج و انتخاب همسر، سردرگم و مردد

۱ اخلاقی آیت الله مجتهدی



نخواهد بود چراکه معیارها و ضوابط روشن و مشخصی دارد و بر اساس آن عمل می‌نماید.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿صَبَّغَهُ اللَّهُ وَمِنْ أَحْسَنِ مَنِ اللَّهُ صَبَّغَهُ وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ رنگ خدایی!

و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است و ما تنها او را عبادت می‌کنیم.

کسی که بارنگ خدایی زندگی می‌کند با معنویت نفس می‌کشد

باید همسر متناسب با خود انتخاب کند رسول خدا ﷺ روزی بالای

منبر رفت و مردم را نسبت به ازدواج دخترانشان ترغیب کرد. کسی

از حضرت پرسید دخترانمان را به ازدواج چه کسی دریاوریم؟

حضرت فرمود: به کفوها.

مردی گفت: کفو چه کسی است؟

حضرت فرمود: مؤمنان کفو همدیگرند^۲

در انتخاب همسر، گزینش معیارها متناسب با انتخاب خویش است

مرحله‌ی انتخاب خویش خیلی حساس است؛ یعنی یک نفر هدفش

جلب رضایت مردم و یک نفر هدفش جلب رضایت خداست.

معمولاً این دو نفر باهم تنش دارند.

ارزش‌ها برای هر طرف مشخص باشد دغدغه‌ها مشخص باشد.

همسر شهید حمید ایران‌منش از معیارهایش می‌گوید: خواستگارها

آمده و نیامده، پرس‌وجو می‌کردم که اهل نماز و روزه هستند یا نه؛

باقی مسائل برایم مهم نبود. حمید هم مثل بقیه؛ اصلاً برایم مهم

۱ سوره بقره آیه ۱۳۸

۲ وسائل الشیعه، ص ۵۲، ب ۱۴، ح ۶.

نبود که خانه دارد یا نه؛ وضع زندگی اش چطور است؛ این‌ها معیار اصلیم نبود. شکر خدا حمید از نظر دین و ایمان کم نداشت و این خصوصیتش مرا به ازدواج با او دلگرم می‌کرد. حمید هم به گفته خودش حجاب و عفت من را دیده بود و به اعتقادم درباره امام و ولایت فقیه و انقلاب اطمینان پیدا کرده بود، در تصمیمش برای ازدواج مصمم‌تر شده بود.^۱

الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ

بعضی فقط دنبال همسر ایده آل خود هستند خب تصور کردن همسر ایده آل با توجه به آرزوهایتان نسبتاً راحت است. همیشه از خودتان این سوال را بپرسید: آیا من برای شخصی که به‌عنوان همسر ایده آل خودم تصور کرده‌ام، همسر ایده آلی هستم؟ خیلی ساده است باید خودت را بشناسی صفات خوب و بد را. صفات خوب را تقویت و صفات غلط را اصلاح کنیم.

هر ترازویی دو کفه دارد. اگر می‌خواهید کفه طرف مقابلتان سنگین باشد، ابتدا باید کفه طرف خودتان را سنگین کنید.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ﴾

زنان پلید سزاوار مردان پلیدند و مردان پلید سزاوار زنان پلید، زنان

۱ چریک، ص ۳۴

۲ سوره نور آیه ۲۶



پاك برای مردان پاک‌اند و مردان پاك برای زنان پاك. مفسرین می‌گویند ممکن است مراد آیه همسویی فکری، عقیدتی، اخلاقی و به اصطلاح هم‌شان و هم‌کفو بودن در انتخاب همسر باشد. یعنی هر کس به‌طور طبیعی به سراغ همفکر خود می‌رود. مولوی می‌گوید:

ذره‌ای که در همه ارض و سماست جنس خود را همچو گاه و کهرباست^۱ یا در شعری دیگر مولوی این‌گونه می‌سراید:

ناریان مر ناریان را جاذبند نوریان مر نوریان را طالبند^۲
 طبع افراد پلید آن است که به سراغ پلیدی‌ها می‌روند برعکس افراد خوب که به سراغ خوبی‌ها می‌روند. ﴿الْحَبِیْثَاتُ لِلْخَبِیْثِیْنَ ... الطَّیِّبَاتُ لِلطَّیِّبِیْنَ﴾^۳ حال اگر کسی پاک بود استفاده از نعمت‌ها و طیبیات، حق اهل ایمان است. ﴿وَالطَّیِّبَاتُ لِلطَّیِّبِیْنَ﴾ چراکه سالم ماندن نسل‌های پاك، از برنامه‌های قرآن است. ﴿وَالطَّیِّبَاتُ لِلطَّیِّبِیْنَ﴾

شاید به ذهن عزیزان برسد که حاج‌آقا بعضی از زنان انبیا و ائمه هم که طیب نبودند و باعث شهادت ولی خدا شدند پس این چه می‌شود جواب می‌دهیم^۴ که همسران پیامبران و امامان در آغاز کار حتی کافر و بی‌ایمان هم نبودند و گاه بعد از نبوت به گمراهی کشیده می‌شدند که مسلماً آن‌ها نیز روابط خود را مانند سابق با

۱ مثنوی معنوی مولوی دفتر ششم، بخش ۸۹ حکایت شب دزدان

۲ مثنوی معنوی مولوی دفتر دوم بخش اول سرآغاز

۳ سوره نور آیه ۲۶

۴ هیچیک از همسران پیامبران و امامان به‌طور قطع انحراف و آلودگی اخلاقی نداشتند و منظور از خیانت در داستان نوح و لوط جاسوسی کردن به نفع کفار است نه خیانت ناموسی.

آن‌ها ادامه نمی‌دادند، همان‌گونه که همسر فرعون در آغاز که با فرعون ازدواج کرد به موسی ایمان نیاورده بود، اصولاً موسی هنوز متولد نشده بود، بعداً که موسی مبعوث شد ایمان آورد و چاره‌ای جز ادامه زندگی توأم با مبارزه نداشت مبارزه‌ای که سرانجامش شهادت این زن باایمان بود.

اگر شخص طیب باشد خدا هم همسر طیب نصیب او می‌کند وقتی که (موسی مرد قبطی) را به قتل رسانید، فرعونیان نقشه کشیدند تا موسی را به قتل برسانند، موسی علیه السلام از مصر خارج شد و مدت هشت (یا سه) روز در راه بود تا به دروازه شهر مدین رسید و سختی‌های بسیار کشید و برای رفع خستگی در زیر درختی که چاهی کنارش بود آرامید.

او مشاهده کرد که برای آب کشیدن از چاه دو دختر منتظرند تا چوپانان آب گیرند بعد نوبت اینان شود، آمد و فرمود: من برای شما از چاه آب می‌کشم و آنان از هرروز زودتر آب را به خانه آوردند. پدر این دو دختر حضرت شعیب علیه السلام فرمود: چطور امروز زودتر آب آوردید؟ و گوسفندان را آب دادید آنان قصه آن جوان را نقل کردند. فرمود: نزد آن مرد بروید و او را پیش من آورید تا پاداش کارش را به وی بدهم.

آنان نزد موسی علیه السلام آمدند و درخواست پدر را گرفتند و موسی علیه السلام هم بی‌درنگ به خاطر خستگی و گرسنگی و غریب بودن قبول کرد. دختران به عنوان راهنما جلو راه می‌رفتند و موسی علیه السلام به دنبال آنان



به راه افتاد و نگاه می‌کرد از کدام کوچه و راهی می‌روند. چون هیکل و بدن آنان را از پشت نمایان بود حیا و غیرت او را ناگوار آمد و فرمود: من از جلو می‌روم و شما پشت سر من بیایید، هرکجا دیدی من اشتباه می‌روم راه را به من نشان دهید (یا سنگ‌ریزه‌ای در جلوی پای من بیندازید تا راه را تشخیص بدهم) زیرا ما فرزندان یعقوب به پشت زنان نگاه نمی‌کنیم.

چون نزد شعیب عَلَيْهِ السَّلَام آمد و جریان خود را گفت، به خاطر پاداش کار و نیرومندی جسمانی و حیا و پاکی و امین بودن دختر خود را به ازدواج موسی درآورد

موسی عَلَيْهِ السَّلَام خود را یافته، صفات اخلاقی پسندیده را در خود رشد داده هدف از زندگی سمت‌وسوی الهی است لذا خدا هم در این مسیر او را یاری می‌کند!

مشخص کردن اهداف در زندگی

لقمان به پسرش گفت پسرم راه هم که می‌روی هدف داشته باش «قَالَ لُقْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَام لِابْنِهِ: يَا بُنَيَّ، لَا تَمْشِ فِي غَيْرِ أَرْبٍ^۲» در یک مسئله جزئی شما بی‌هدف نباش چه برسد به مسائل کلان و کلی زندگی. ما در انتخاب همسر دنبال کسی هستیم که نیمه‌ی دیگر و مکمل و همراه ما در زندگی باشد. تا زمانی که راه ما مشخص نیست چطور می‌توانیم همراهان را انتخاب کنیم؟ وقتی اهداف زندگی ما که

۱ صد موضوع پانصد داستان علی اکبر صداقت، موضوع ۳۵ حیا
۲ فیض القدیر: ج ۱ ص ۱۶۲، العقد الفرید: ج ۳ ص ۱۵۲.

باید افق زندگی را روشن کند، مشخص نیست ما چطور می‌توانیم فردی را انتخاب کنیم که هم‌افق ما در زندگی باشد؟ به همین دلیل قبل از اینکه یک جوان به دنبال انتخاب همسر برود، باید خودش را انتخاب کند یعنی تکلیفش را باهدف‌ها، دغدغه‌ها و حساسیت‌های زندگی‌اش مشخص کند. تکلیفش را با چیزهایی که به او احساس خوشبختی یا بدبختی می‌دهد یا احساس موفقیت یا شکست می‌دهد مشخص کند و بعد به سراغ فردی برود که او هم همان‌طور به زندگی نگاه می‌کند؛ یعنی کفو و همتای روحی و اخلاقی او.

همسر شهید سید علی حسینی از جلسه خواستگاری می‌گوید هنوز آن کاغذ را دارم؛ شرایطش را خلاصه، رویش نوشته بود و پایینش را امضا کرده بود. تمام جلسه خصوصی صحبت ما درباره ازدواج ختم شد به همان کاغذ؛ مختصر و مفید. بعد از باسمة تعالی، ده تا از نظراتش را نوشته بود. بعضی‌هایش این‌طور بودند: داشتن ایمان به خدا و خداجویی؛ مقلد امام بودن و پیروی از رساله ایشان؛ شغل من پاسدار است؛ مشکلات آینده جنگ؛ مکان زندگی؛ انگیزه ازدواج، رسیدن به کمال. عبارت‌ها کوتاه بود؛ اما هرکدام یک دنیا حرف داشت برای گفتن.^۱

هدف انسان را از حیرت در می‌آورد

هدف انسان را از حیرت در می‌آورد، هم تکلیف امروزش را می‌داند،

۱ ساکنان ملک اعظم ۳، ص ۷۸



هم نتیجه فردایش را می‌بیند. گاهی اوقات چنان سرگردان و حیرانیم که احساس می‌کنیم زمین و زمان به هم پیچیده‌اند با خود می‌اندیشیم امروز که گذشت و فردا چنین و چنان می‌کنم از این وضعیت خسته شده‌ام باید کاری کنم. فردا هم می‌آید و مرده‌تر از دیروز رد می‌شود بازمی‌گوییم فردا نه از شنبه زندگی‌ام درست خواهد شد شنبه‌ها و یک‌شنبه‌ها و روزها می‌گذرند و آن فرصت طلایی هرگز نمی‌رسد و ما غافل از آنیم که امروز همان فردایی است که دیروز در انتظارش بودیم^۱.

شاعر حکیمانه سروده

گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس

خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس

گر نخواهی کور و نابینا روی از این جهان

چشم دل از خویشتن بازکن کمال این است و بس

ای که پیش از غوره گشتن خوانده‌ای خود را مویز

با صبوری غوره حلوا کن کمال این است و بس^۲

برای رسیدن به ثبات در شخصیت که منجر به زندگی پایدار می‌شود باید هویت داشت. مهم‌ترین راه شکل‌گیری هویت، هدف داشتن هست. هم هدف‌های جزئی و گذرای زندگی مثل شغل و زندگی و هم هدف‌های عالی‌تر بهانه زندگی

ما باید در مورد هدف خلقت خودمان، جدی فکر کنیم. کاربردی‌ترین بحث برای انسان معاصر هدف خلقت است زیرا اگر ما هدف را

۱ رازهای موفقیت در زندگی، حجت الاسلام عباس ...

۲ میرزا حبیب‌الله خراسانی دیوان اشعار

دریابیم طوری زندگی می‌کنیم که به آن برسیم. این ثبات شخصیت است. اگر فرد ثبات شخصیت نداشته باشد و حزب باد باشد، درواقع نمی‌داند در این دنیا چه‌کاره است و جایش کجاست. بعضی حاضر نیستند درباره هدف فکر کنند می‌گویند بگذار خوش باشیم، زندگی می‌کنند تا سرگرم باشند. سرشان گرم باشد. مهم نیست چرا؟ و چگونه؟ یک عمر دور خودشان می‌گردند و باز نگاه می‌کنند سر جایشان ایستادند.

قرآن می‌فرماید: شما فکر کردید ما شما را برای بازی آفریدیم ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾^۱ مستکبرین عالم آدم را بازی می‌دهند. اصلاً درباره هدف فکر نکنید. کافی است آن لحظه نورانی در دلت جرقه بزند فطرتی که آماده شعله‌ور شدن هست با یک لحظه تفکر درباره هدف شعله می‌شود.

مهم‌ترین ویژگی‌های اهداف

ویژگی اول: هدف ارزشمند باشد

حضرت امیر فرمودند اگر می‌خواهید به هم فخرفروشی کنید سر این مسئله فخرفروشی کنید که چه کسی هدف عالی‌تر انتخاب کرده است.

﴿يَتَّبِعِي أَنْ يَكُونَ التَّفَاخُرُ بَعْلِي الْهِمَمَ﴾^۲

سزاوار است که تفاخر، در عالی بودن اهداف باشد.

۱ المؤمنون: ۱۱۵

۲ غر، ص ۷۹۸



وقتی سراغ خالق هستی رفته و هدف او را از خلقت جويا می‌شویم در آیات قرآن تعبیرهای مختلفی درباره هدف آفرینش انسان می‌یابیم که آن باید هدف ما در دنیا باشد

خداوند متعال می‌فرماید: من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند^۱ هدف باید عبادت و بندگی باشد هدف شناخت خدا باشد در کلامی دیگر سطح را بالاتر برده در حدیث قدسی می‌فرماید: عبدی اطعنی أجمعك مثلی، أنا حی لا أموت، أجمعك حیّالا تموت، أنا غنی لا أفترق، أجمعك غنیّالا تفتقر، أنا مهما أشاء یکن، أجمعك مهما تشاء یکن.^۲

بالاترین درجه کمال انسان زمینی این است که خدایی شود به صفات خدا برسد البته ما به دنبال بالاترین درجه کمال انسانی هستیم ولی باید به قید انسانی آن‌هم توجه کنیم. بالاترین درجه کمال انسانی آن است که هر کمالی که خداوند متعال دارد و مختص به او نمی‌باشد را دارا شود.

هدف انسان باید این باشد خب جوانی که به این هدف برسد همسری انتخاب می‌کند که او هم به این هدف ایمان داشته باشد همدیگر را در رسیدن به این هدف یاری کنند

کوه بلندی بود که لانه عقابی با چهارتخم، بر بلندای آن قرار داشت. یک روز زلزله‌ای کوه را به لرزه درآورد و باعث شد که یکی از تخم‌ها از دامنه کوه به پایین بلغزد.

۱ و ما خَلَقْتُ الْإِنْسَانَ وَ الْإِنْسَانَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. ذاریات ۵۶

۲ من هدی القرآن، ج ۹، ص: ۴۷۸

برحسب اتفاق آن تخم به مزرعه‌ای رسید که پر از مرغ و خروس بود. مرغ و خروس‌ها می‌دانستند که ... باید از این تخم مراقبت کنند و بالاخره هم مرغ پیری داوطلب شد تا روی آن بنشیند و آن را گرم نگهداری تا جوجه به دنیا بیاید.

یک روز تخم شکست و جوجه عقاب از آن بیرون آمد. جوجه عقاب مانند سایر جوجه‌ها پرورش یافت و طولی نکشید که جوجه عقاب باور کرد که چیزی جز یک جوجه خروس نیست. او زندگی و خانواده‌اش را دوست داشت اما چیزی از درون او فریاد می‌زد که تو بیش از این هستی. تا این‌که یک روز که داشت در مزرعه بازی می‌کرد متوجه چند عقاب شد که در آسمان اوج می‌گرفتند و پرواز می‌کردند. عقاب آهی کشید و گفت: ای کاش من هم می‌توانستم مانند آن‌ها پرواز کنم. مرغ و خروس‌ها شروع کردند به خندیدن و گفتند: تو خروسی و یک خروس هرگز نمی‌تواند پرواز کند؛ اما عقاب همچنان به خانواده واقعی‌اش که در آسمان پرواز می‌کردند خیره شده بود و در آرزوی پرواز به سر می‌برد؛ اما هر موقع که عقاب از رؤیایش سخن می‌گفت به او می‌گفتند که رؤیای تو به حقیقت نمی‌پیوندد و عقاب هم کم‌کم باور کرد. بعد از مدتی او دیگر به پرواز فکر نکرد و مانند یک خروس به زندگی ادامه داد و بعد از سال‌ها زندگی خروسی، از دنیا رفت.

بعضی مواقع انتخاب‌های غلط انسان را از اهداف عالی باز می‌دارد. خب این هدف عالی زندگی ماست ولی اهداف دیگری هم قاعدتاً داریم مانند شغل و حرفه وضعیت مالی و چیزهای دیگر این اهداف



هم ویژگی‌هایی دارند همسر برای بعضی نردبان سعود است و برای بعضی دیگر طناب سقوط شاعر زیبا این نکته را اشاره می‌کند

گلی خوشبوی در حمام روزی	رسید از دست محبوبی به دستم
بدو گفتم که مُشکی یاعبیری	که از بوی دلاویز تو مستم
بگفتا من گلی ناچیز بودم	ولیکن مدتی با گل نشستم
کمال همنشین در من اثرکرد	وگر نه من همان خاکم که هستم

ویژگی دوم

هدف این هست که نه دور از دسترس باشد نه دم دستی. اگر هدف دور از دسترس باشد آدم از رسیدن ناامید می‌شود و اگر دم دست باشد انگیزه‌ای برای حرکت در او به او وجود نمی‌آید. آقا می‌خواهی چه‌کاره شوی اصلاً هدفش با وضعیت الآن سازگار نیست به جوان بسیجی مخلصی گفتند می‌خواهی چه‌کاره شوی ... گفت من ... من مقام معظم رهبری...

ویژگی سوم

شناسایی درست هدف و اینکه جزئی و شفاف باشد. اشکالی که بسیاری افراد با آن مواجه هستند این است که به خوبی هدف را برای خود ترسیم نمی‌کنند. حضرت به کمیل فرمود: قدم از قدم بر نمی‌داری مگر اینکه نیاز داری به معرفت و شناخت. «يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاَجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ»^۲ یعنی قبل از هر اقدامی نیاز به شناسایی داری.

۱ گلستان سعدی

۲ تحف العقول، ص ۱۷۱

شناسایی جزئی و شفاف مثلاً کسی می‌خواهد مسافرت برود باید بلیتی تهیه کند می‌رود برای خرید بلیت می‌گوید: «بخشید بلیت می‌خواهم؟» فروشنده به شما می‌گوید: «برای کجا؟ چه ساعتی؟ زمینی یا هوایی» وقتی شما این موارد را روشن و شفاف نکردی که بلیت برای شما صادر نمی‌شود. با جزئیات باید برای شما روشن باشد.

جوان قبل از ازدواج باید وضعیت شغل آینده را مشخص کند منبع درآمد خانواده از کجاست خب بعضی از مواقع تکلیف مشخص است ولی فعلاً کار نیست یا مثلاً موقتاً تعطیل شده خب این حرف دیگری است جنم کار باشد هدف مشخص باشد کافی است هدف در انسان تولید شورونشاط و حرارت می‌کند. آدم بی‌هدف کسل‌اند، تنبل‌اند و افسرده است
ان شالله بتوانیم اهداف عالی در زندگی انتخاب کنیم و به این اهداف نائل شویم.

جلسه ششم:

آمادگی‌های
قبل از ازدواج



مقدمه:

قبل از ورود و اقدام به هر امر مهمی لازم است انسان یک سری آمادگی‌هایی را کسب کند تا بتواند در آن امر به موفقیت برسد مانند سعود به قله برای یک ورزشکار که نیاز به آمادگی قبلی دارد با توجه به اهمیت آن امر آمادگی برای آن هم از ضرورت خاصی برخوردار خواهد بود در این جلسه ما درصدد این هستیم که برای مخاطب ضرورت آمادگی برای ازدواج و انتخاب که یکی از مهم‌ترین اتفاقات زندگی می‌باشد را بیان کنیم هم‌چنین یک سری از آمادگی‌های لازم را بیان کنیم از جمله:

۱. شناخت خود و مسیر زندگی که جلسه قبل مفصل پرداختیم

۲. استقلال از والدین؛

۳. تعهد و مسئولیت پذیری؛

۴. گذشت و ایثار؛

۵. توانایی کنترل غضب؛

۶. امید و توکل.



در کنار این آمادگی‌ها کسب مهارت‌ها نیز از جمله آمادگی‌های لازم برای ازدواج است که به دست آوردن بخش مهمی از آن پیش از ازدواج کاملاً ضروری است و ما مختصراً به بیان ۳ مهارت اشاره می‌کنیم:

۱. مهارت ارتباطی

۲. مهارت حل اختلاف

۳. مهارت تصمیم‌گیری و اراده

در پایان به لزوم مشاوره برای ازدواج پایدار و آسان می‌پردازیم. آمادگی‌ها...

اواخر سال گذشته خبری را ما شنیدیم که واقعاً متأثر شدم که یکی از کوهنوردان تهرانی بهمن‌ماه ۹۴ اقدام به صعود قله دماوند نموده بود به دلیل کاهش دمای بدن^۱ و تخلیه انرژی بعد از صعود قله در هنگام برگشت دچار کاهش علائم حیاتی شد و به کما رفت.

وی توسط چند تن از کوهنوردان حاضر در بارگاه تحت احیای قلبی ریوی قرار گرفت و تلاش‌های لازم برای گرم کردن وی اقدام نمودند ولی تلاش‌های ایشان مؤثر واقع نشد و در ساعت ۷،۴۵ خود را از دست داد و این مرگ‌ها خاص کوهنوردی نیست مرگ ناگهانی ورزشکاران جوان یکی از اتفاقاتی است که باعث تأثر و تأسف مردم و جامعه پزشکی کشور است در رشته شنا هم از این دست اتفاقات

۱. هیپوترمی: کاهش خطرناک دمای بدن است که معمولاً در اثر تماس طولانی مدت با هوای سرد ایجاد می‌شود و به صورت اتفاقی روی داده و در آن دمای پایین‌تر از دمای طبیعی بدن حاکم می‌شود.

کم نیست متخصصین امر پیگیر عوامل این اتفاقات بوده‌اند خب دلیل‌های زیادی ذکرشده از جمله یکی از مهم‌ترین عوامل عدم آمادگی ورزشکار بیان شده مسئول پایگاه‌های سازمان امداد و نجات دریایی جمعیت هلال احمر گفت: گرفتگی عضلات، افت فشار و درنهایت افزایش ضربان قلب در افراد به دلیل آماده نبودن بدن آنان از جمله شایع‌ترین مشکلات افراد هنگام شنا کردن در استخر و دریا است.^۱

عدم آمادگی برای ورزش خطر جدی دارد سهراب محمودی جراح و متخصص ارتوپدی در گفتگو با خبرنگار بهداشت و درمان باشگاه خبرنگاران اظهار داشت:

عدم آمادگی جسمانی برای انجام حرکات و فعالیت‌های ورزشی، خطر بسیاری از آسیب‌های مربوط به ناحیه کمر به‌ویژه عارضه فتق دیسک کمر را تا حدود دو برابر افزایش می‌دهد.^۲

ورزش کوهنوردی هم از این نیاز مبرا نیست در تحلیل علت مرگ بسیاری از کوهنوردان عدم آمادگی جسمی و حتی روحی بیان شده و گفته‌اند آمادگی بدنی کافی، نخستین شرط لازم برای صعود به قله کوه دماوند است. صعود به قله دماوند برای افرادی که به‌طور منظم به کوه‌پیمایی می‌پردازند و دارای آمادگی جسمانی کافی هستند، صعود مشکلی نیست. می‌شود با آمادگی قله‌ها را یکی بعد از دیگری فتح کرد و به مقصود رسید در زندگی و ازدواج هم ما

۱ www.salamatnews.com

۲ باشگاه خبرنگاران www.yjc.ir



دنبال قله و هدف سعادت و خوشبختی هستیم باید قبل از حرکت جهت فتح قله آمادگی لازم را کسب کنیم ازدواج هم به عنوان مهم‌ترین انتخاب و بزرگ‌ترین مسئولیت هر فرد در طول زندگی نیاز به آمادگی‌هایی دارد.

ازدواج امری مقدس و الهی است که بین دو فرد صورت می‌گیرد، ولی همین امر برای افرادی که آمادگی آن را ندارند، چندان شایسته و مناسب نیست. آمادگی مناسب لازمه ازدواج است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْمَرْءَ يَخْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَ عِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثِ خِلَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبْعِهِ ذَلِكَ مُعَاشِرَةً جَمِيلَةً وَ سَعَةً بِتَقْدِيرٍ وَ غَيْرَةً بِتَحْضُنٍ^۱

همانا شخص در مورد امور منزل و خانواده خود نیازمند سه ویژگی است که حتی اگر در ذات او نیز وجود نداشته باشد باید آن‌ها را به دوش کش؛ هم‌زیستی و رفتار زیبا و نیکو، وسعت بخشیدن همراه با اندازه نگه‌داشتن و غیرت محافظت از ناموس.

خب طبیعی است که این خوش‌رفتاری، توان مدیریت اقتصادی منزل و غیرتمندی از ویژگی‌هایی است که فرد باید پیش از ازدواج آن‌ها را در خود به وجود آورده باشد تا با شروع زندگی مشترک بتواند از آثار و فواید آن بهره‌مند شود نه آنکه صحنه زندگی مشترک را میدان آزمون و تجربه خود قرار دهد.

از آنجاکه ابعاد و زوایای گوناگونی در تشکیل یک زندگی مشترک،

۱. (بحارالأنوار ج ۷۵ ص ۲۳۵)

پایدار و موفق دخالت دارد، مناسب است آمادگی‌های لازم برای ازدواج را در بخش‌های مختلفی مورد بررسی قرار دهیم:

شناخت خود و مسیر زندگی

امام علی علیه السلام: نهایت معرفت این است که آدمی خود را بشناسد. نهایت معرفت یعنی حد بالای شناخت این است که انسان خود را می‌شناسد حالا اگر کسی خودش را شناخت که گفتیم بالاترین شناخت‌هاست پس می‌تواند دیگری را، زندگی را و ... بشناسد چراکه امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «من عرف نفسه کان لغيره اعرف» هر آنکه خود را شناخت دیگری را بهتر خواهد شناخت. پس شناخت خود می‌تواند در شناخت بهتر شریک و همدم زندگی نیز فرد را یاری رساند.

کسی که قصد شریک زندگی دارد شریک زندگی را باید بشناسد. شناخت خود می‌تواند مقدمه شناخت یک همسر مناسب زندگی باشد که سبب پایداری در ازدواج خواهد شد شناخت خود می‌تواند در شناخت شریک جوان را یاری کند و با توجه به این نکته که شخص بداند چه اهدافی دارد و چه ویژگی‌هایی دارد این امر کمک‌کار در انتخاب همسر و شریک مناسب زندگی خواهد بود. ما در جلسه قبل به این امر پرداختیم و این جلسه نیز در این باره بسنده می‌کنیم.



استقلال از والدین

اما از دیگر نیازهای یک جوان خواه دختر باشد و خواه پسر آمادگی‌های نیاز دارد جهت انجام و به ثمر رسیدن ازدواج موفق یکی از آن موارد استقلال از خانواده است استقلال از والدین می‌باشد شخصی به نام عبد الاعلی می‌گوید امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام را فی یوم صایفٍ شدیدِ الحَرِّ

در یک روز گرم در اطراف مدینه دیدم حضرت به شدت زحمت می‌کشد گفتم فدایت شوم حالکَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ و قَرَأْتِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنْتَ تَجْهَدُ لِنَفْسِكَ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ؟!

شما با این مقام معنوی در چنین روزی دارید کار می‌کنید! حضرت فرمود یا عبد الاعلی، خَرَجْتُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ لِأَسْتَعِينِي عَنْ مِثْلِكَ! ای عبد الاعلی! آمده به دنبال روزی تا از مثل تویی بی‌نیاز شوم. این یک قاعده است. فرمود در مسائل مالی تا می‌توانید مستقل باشید وابسته به این و آن نباشد بار مسئولیت اقتصادی خود را روی دوش دیگران نگذارید.

«امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَكُونَ كَلًّا فَافْعَلْ. ۲» جوان باید آموخته باشد سربار کسی نباشد انتظار اداره زندگی را از این آن نداشته باشد.

مقام معظم رهبری فرمودند: هویت مستقل، اولین چیزی است که

۱ کافی، ج ۵، ص ۷۴

۲ کافی ج ۵ ص ۷۹

ما بایستی در جوان خودمان، در نوجوان خودمان رشد بدهیم و پرورش بدهیم.^۱ ما در این بخش مشکلات اساسی داریم. استقلال فرزند از والدین و رفقا یک امری است که هم باید پدر و مادرها به آن توجه داشته باشند و هم خود جوان این امر مشکلی بزرگ در جامعه ما است که جوانان هنوز به پدر و مادر خود وابستگی دارند در مسائل مالی در تصمیم‌گیری‌ها هنوز این جوان شکوفا نشده است. گاه پدر مادر به جای این‌که مشورت بدهند در کار او دخالت نمی‌کند اگر والدین می‌خواهند مشورتی بدهند باید به تنهایی باشد واقعاً مشورت‌گونه باشد نه تحکم و اجازه باید داد خود او هم تجربه کسب کند و حتماً هم نیاز نیست خود والدین نصیحت کنند از کسی که فرزندان آن را قبول دارد هم می‌توان استفاده کرد.

جوانان بدانند چه بسا که دیگران در فرمان‌ها و دستورات خود در خطا و اشتباه باشند، یا نسبت به جمال و جلال زندگی و امنیت زن و شوهر نظر سوئی داشته باشند و چه بسا که مایه دخالت دیگران در زندگی زن و شوهر جوان و تازه‌عروسی کرده حسادت باشد. اجازه ندهید دیگران با حرف زور و نا به جا در زندگی شما دخالت کنند زیر بار زور نروید مستقل باشید.

شاعری می‌گوید:

دورویه زبر نیش مار خفتن سه‌پشته روی شاخ مور رفتن
تن روغن‌زده با زحمت و زور میان لانه زنبور رفتن

۱ بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳/۰۲/۱۳۹۵



شبانه با دو چشم کور رفتن
پایاده راه‌های دور رفتن
زمستان توی آب شور رفتن
که یک جو زیر بار زور رفتن^۱

به کوه بیستون بی‌ره‌نمایی
برهنه زخم‌های سخت خوردن
میان لرز و تب با جسم پر زخم
به پیش من هزاران بار بهتر

تعهد و مسئولیت پذیری

از عوامل مهمی که سبب موفقیت در زندگی زناشویی می‌گردد حس تعهد و مسئولیت پذیری است.

شانزده ساله بود و تازه به جبهه آمده بود. برای او پست دژبانی تعیین کرده بودند و بازرسی عبور و مرور خودروها را بر عهده داشت. شهید حاج حسین خرازی، فرمانده لشکر، به اتفاق دو نفر از مسئولان درحالی که سوار تویوتا بودند، می‌خواستند به موقعیت وارد شوند. بسیجی دژبان که آن‌ها را نمی‌شناخت، گفت: لطفاً کارت شناسایی. حاج حسین گفت: همراهان نیست. دژبان گفت: پس حق ورود ندارید. یکی از همراهان خواست حاج حسین را معرفی کند، اما حاجی با اشاره، او را به سکوت فراخواند. اصرار کردند، سودی نداشت. دژبان کارت شناسایی می‌خواست.

همراه دیگر حاجی که طاقتش به سر آمده بود، گفت: زود باش طناب را بی انداز بریم، حوصله نداریم! دژبان درحالی که اسلحه را به طرف آن‌ها نشانه رفته بود، با لحنی خشن گفت: بلبل زبونی می‌کنی؟ زود بیایید پایین، دراز بکشید روی زمین و کمی سینه خیز برید تا به مقررات آشنا شوید.

^۱ ملک الشعراء بهار قطعات قطعه شماره ۱۴۳ در تحمل نکردن زور

حاج حسین با فروتنی خاصی که داشت، به همراهان خود آهسته گفت: هر کاری می‌گویند انجام دهید.

از خودرو پیاده شدند. در این هنگام دژبان متوجه شد که یکی از آن‌ها؛ یعنی حاج حسین، یکدست بیشتر ندارد. به همین دلیل گفت: خیلی خوب تو سینه خیز برو، اما ده مرتبه بنشین و پا شو! در همین حال مسئول دژبانی که در حال عبور از آنجا بود، سراسیمه به طرف دژبان دوید و گفت: برو کنار، بگذار وارد شوند، مگر نمی‌دانی ایشان فرمانده لشکر است.

با شنیدن این سخن، حالت بیم و شرم ساری در چهره دژبان هویدا شد. حاج حسین بدون آن‌که ذره‌ای ناراحت شود، با تبسمی حق‌شناسانه، دژبان را در آغوش گرفت و بوسه‌ای بر چهره او زد و گفت اتفاقاً وظیفه‌اش را خیلی خوب انجام داد و پس از سپاس‌گزاری از دژبان به دلیل حُسن انجام وظیفه، خداحافظی کرد و رفت^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «سَبَبُ الْإِيتِلَافِ الْوَفَاءُ»^۲ «وفاداری عامل الفت گرفتن است. در مفهوم عام، «وفاداری» به معنای انجام تمام و کمال تمامی شروط و تعهدی است که بر فرد لازم آمده و آن را پذیرفته است.

اگر فرد متعهد و مسئولی نیستید، بپذیرید که امروز وقت ازدواج شما نیست. برای سنجش میزان مسئولیت، بهتر است سؤالات زیر را از خود بپرسید: چقدر برای موفقیت و خوشبختی خود تلاش کرده‌اید؟

۱ به نقل از: مجله جانباز، شهریور ۱۳۷۶

۲ (غزوالحکم ص ۴۳۵)



تا به چه حد موفق بوده‌اید؟ چقدر در قبال خود و سرنوشتتان احساس تعهد می‌کنید؟ به هنگام مواجهه با مشکلات زندگی چگونه رفتار می‌کنید؟ سهم دیگران در تصمیمات مهم زندگی شما چقدر است؟ و...

اگر با ارزیابی پاسخ‌های خود، متوجه حس مسئولیت در خود شدید، می‌توانید آمادگی خود برای ازدواج را اعلام کنید.

گذشت و ایثار

ازدواج یعنی پذیرش همیشگی فردی که کاملاً از شما متفاوت است. روحیات متفاوتی دارد، علایقش فرق می‌کند و شرایط رشد و پرورش متفاوتی دارد؛ بنابراین اگر فردیتتان خیلی پررنگ است یا عادت ندارید، سازهای مخالف را بشنوید، باید قبل از ازدواج روی این مسئله تأمل کنید.

رسول حق صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: **إِنَّ اللَّهَ عَفُوٌّ يُحِبُّ الْعَفْوَ** همانا خدا گذشت کننده است و گذشت را دوست دارد؛ و نیز فرمود: **مَنْ أَقَالَ مُسْلِمًا عَثْرَتَهُ أَقَالَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**^۲ کسی که از لغزش مسلمانان بگذرد، خداوند در قیامت از لغزش او خواهد گذشت. همه ما نیازمند بخشش در روز محشر هستیم در کلام دیگری رسول خدا بدترین مردم را معرفی می‌کنند می‌فرمایند **شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْفُو عَنِ الزَّلَّةِ**

۱ کنز العمال: ۷۰۰۵.

۲ کنز العمال: ۷۰۱۹.

و لَا يَسْتُرُ الْعَوْرَةَ^۱ بدترین مردم کسی است که از لغزش طرف خود گذشت نکند و عیب را نپوشاند. باید یاد بگیریم که در زندگی باید گذشت داشت برای گذشت داشتن باید تمرین کنیم.

حضرت هود یکی از پیامبران الهی است، همسر بدی داشت، اما برایش دعا می‌کرد، از علت این کار پرسیدند؟ فرمود: خداوند هیچ مؤمنی را نیافرید، مگر اینکه دشمنی دارد که او را اذیت می‌کند! دشمن من هم همین زن من است، اگر دشمنم در اختیار خودم باشد بهتر از این است که من در اختیار دشمنم باشم.

در زندگی مشترک باید به جای دیدن خود دیگری را بینی از شخصی نگری باید به دگر نگری برسیم این امر باعث ایجاد رابطه صمیمی در خانه می‌شود. ببینید رسول خدا ص چقدر زیبا بیان می‌کنند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: **أَلَا وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيَبِّئَهُ الْخُلُقِ وَ احْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ أَغْضَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ**^۲. هر مردی که اخلاق بد همسر خود را به خاطر پاداش آن، تحمل کند، خداوند پاداش شاکران به او عطا خواهد نمود. البته این دلیل نمی‌شود خانم‌ها بد اخلاقی کنند.

هرکسی از خودش یک سؤال به پرسه و آن هم این‌که وقتی در خانه بد اخلاقی‌های و عصبانیت‌ها رخ خواهد داد آیا می‌توانم گذشت داشته باشم می‌توانم این عصبانیت خود را کنترل کنم.

۱ غر الحکم: ۵۷۳۵.

۲ الأمالی (للصدوق)، النص، ص: ۴۳۰



توانایی کنترل غضب

بعضی میگویند من وقتی عصبانی شوم اختیار کارها از دستم خارج می‌شود و دیگر متوجه رفتارهای خود نیستم، خون جلو چشمم را می‌گیرد و از این دست حرف‌ها خب عزیزم شما با این اخلاق و وضعیت برای ازدواج باید تأمل کنی

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: **الْغَضَبُ شَرُّانْ أُطْعَمَتْهُ دَمْرًا** 'خشم، شرّ است، اگر از آن فرمان بری ویران می‌کند.

یا در روایتی دیگر از محضر امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: **الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ** خشم کلید هر زبانی است.

آری خشمگین دچار هر نوع اشتباه می‌شود، به شخصیت طرف مقابل حمله می‌کند، به اعصاب و قلبش فشار وارد می‌آید، چهره‌اش سرخ و خونین رنگ می‌گردد، می‌زند، خراب می‌کند، آتش می‌زند، طلاق می‌دهد، ضربه وارد می‌نماید، خسارت به بار می‌آورد و...

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمود:

الْجِدَّةُ صَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ لَأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكَمٌ ۳.

خشم و غضب نوعی از دیوانگی است، همانا دارنده این حالت، پشیمان می‌شود، اگر نادم نشد دیوانگی او قوی و محکم است. در خانواده‌ای که وضع مالی مناسبی نداشتند، پدر یک «میز»

۱ غرر الحکم: ۱۲۲۰.

۲ الکافی: ج ۲ ص ۳۰۳ ح ۳.

۳ نهج البلاغة: الحکمة ۲۵۵.

می‌خرد که آن را خیلی دوست داشته است. روزی پسرش وارد اتاق می‌شود و کاری می‌کند که منجر به شکسته شدن میز می‌شود. پدر بسیار ناراحت می‌شود و غضب می‌کند و ضربه‌ای به صورت کودک می‌زند که منجر به کر شدن کودک می‌شود.

چند روز بعد وقتی پدر به دیدن کودک خود در بیمارستان می‌رود کودک به او می‌گوید: پدر جان اگر من بزرگ شدم و کار کردم و پول میز را به تو دادم، تو گوش‌هایم را به من برمی‌گردانی؟ پدر تا این را می‌شنود از بغض نمی‌تواند جلوی گریه خویش را بگیرد و از بیمارستان خارج می‌شود. روز بعد هم خودکشی می‌کند.

در نتیجه یک غضب به خاطر یک مال دنیا منجر به ناشنوا شدن کودک و یتیم شدن و بی‌سرپرست شدن یک خانواده می‌شود.^۱ امید و توکل

خداوند متعال خود در قران کریم می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾: آیا خداوند برای بنده‌اش کافی نیست؟! (زمر ۳۶) انسان باید در تمامی موارد: ازدواج، یافتن شغل مناسب و یا همسر دلخواه و شایسته بر خدا توکل کند و اعتماد کردن به غیر از خدا را جز پشیمانی سودی ندارد.

معنای توکل یعنی این‌که: حَسْبُكَ مِنْ تَوَكُّلِكَ أَنْ لَا تَرَى لِرِزْقِكَ مُجْرِبًا إِلَّا اللَّهَ سُبْحَانَهُ^۲

۱ منبع: تحریر المواعظ العددية: صفحه ۲۵۶ و نصایح: صفحه ۱۳۰

۲ غرر الحکم: ۴۸۹۵. پ



آقا امیر المومنین می فرماید: در توکل کردنت همین بس که هیچ کس جز خدا را جریان بخش روزی خود ندانی.

توکل حضرت ابراهیم مثال زدنی است ابراهیم گفت: همین قدر که از حال من آگاه است کافی است.

چون رها از منجیق آمد خلیل آمد از دربار عزت جبرئیل گفت «هَلْ لَكَ حَاجَةٌ يَا مُجْتَبَى» گفت «أَمَا مِنْكَ يَا جَبْرِيْلُ لَا» من ندارم حاجتی از هیچ کس با یکی کار من افتاده است و بس

گفت با او جبرئیل ای پادشاه پس زهر کس با شدت حاجت بخواه

گفت اینجا هست نامحرم مقال علمه بالحال حسبی بالسؤال
 گر سزاوار من آمد سوختن لب ز دفع او بباید دوختن
 می تواند آتشم گلشن کند شعله ها را شاخ نسترون کند
 من نمی خواهم جز آنچه خواهد او حال من می بیند و می داند او
 و سرانجام، برای این که کار خود را به خدا وا گذاشت و به او اعتماد کرد آتش بر او گلستان شد که:

﴿وَقُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾^۲ و ما گفتیم: ای آتش! سرد و سالم بر ابراهیم باش؛ و آن چنان آتش سرد شد که: لَوْ لَمْ يَقُلْ سَلَامًا لَأَهْلَكْتَهُ بَرْدَهَا. ۳ اگر خدای متعال به آتش نمی فرمود بر

۱ علامه نراقی، مثنوی طاقدیس، ص ۳۰۹.

۲ انبیاء ایه ۶۹

۳ وقال الطبرسی قال أبو العالیة لولم یقل سبحانه و سلاهاً لكانت تؤذیه من شدة بردها و لكان بردها أشد علیه من حرها و لولم یقل علیٰ إِبْرَاهِیمَ لكان بردها باقیاً الی الأبد.

ابراهیم سالم باش و تنها می‌فرمود سرد باش، جان ابراهیم از سرما به خطر می‌افتاد.

باید ما خدا را باور داشته باشیم. امید و توکل به خدا را از دست ندهیم. چراکه اگر خدا را در تمام امور دیدم دیگر روی پای خودمان می‌ایستیم و فقط به خدا توکل می‌کنیم.

مهارت‌ها

در کنار این آمادگی‌ها کسب مهارت‌ها نیز از جمله آمادگی‌های لازم برای ازدواج است که به دست آوردن بخش مهمی از آن پیش از ازدواج کاملاً ضروری است مهارت یعنی هنر مدیریت اتفاقات، اختلافات، حل مسائل و مشکلات احتمالی زندگی و ایجاد روابطی مطلوب البته به این نکته واقف هستیم که تحقق کامل این مهارت‌ها با مرور زمان و کسب تجربیات در خلال زندگی میسر می‌گردد اما درعین حال باید توجه داشت که حدنصابی از این موارد قبل از آغاز زندگی مشترک باید در فرد حاصل گردد که به اجمال برخی از این موارد را بیان می‌کنم.

مهارت‌های ارتباطی

در خوب گوش دادن، خوب حرف زدن و خوب تجزیه و تحلیل کردن صحبت‌های دیگران نهفته است. به همین دلیل برای ایجاد ارتباط مؤثر و مفید باید راه‌کار و الگوی مؤثر آن را نیز در نظر بگیریم.



مهارت‌های حل اختلاف

بروز اختلاف و تفاوت بین افراد، امری کاملاً عادی و طبیعی است؛ اما مهم‌تر از آن، این است که افراد باید نسبت به حل این اختلافات، اشراف داشته و بتوانند اختلاف یا سوء تفاهمات خود با دیگران را به‌گونه‌ای منطقی و مسالمت‌آمیز حل کنند گوش دادن فعال به سخنان همسر، سعی در درک و پذیرش احساسات او و استفاده از راهکارهای کاهش تکانه‌ها و ناراحتی‌ها (شوخی و مزاح، عوض کردن موضوع بحث، قدم زدن و تفریح و...) می‌تواند در حل اختلاف مؤثر باشد و دختر و پسر آماده ازدواج در به کار بردن این روش‌ها توانمند باشند.

یکی از رزمنده‌ها نقل می‌کند که کار به توهین و بد و بی‌راه گفتن کشیده بود. حاجی خون سرد نشسته بود و بحث می‌کرد. دیگر نمی‌توانستم تحمل کنم. نیم خیز شدم که ورامینی دستم را کشید و مجبورم کرد بنشینم. خودمان بودیم توی چادر و حاجی که توی خودش بود. داشتم فکر می‌کردم الآن است که دستور اخراج آن‌ها را از لشکر بدهد. بلند شد و از چادر رفت بیرون. دو رکعت نماز خواند. آمد کنارمان نشست و کارهای لشکر را پیش کشید. مثل اینکه هیچ اتفاقی نیفتاده بود.^۱

مهارت تصمیم‌گیری و اراده

تصمیم‌گیری و به دنبال آن داشتن اراده‌ای مصمم، نیاز به مهارت دارد. انسان‌ها به صورت‌های مختلفی تصمیم‌گیری می‌کنند؛ به تعبیری می‌توان گفت ۳ نوع تصمیم‌گیری داریم: برخی در تصمیم‌گیری کاملاً مستقل عمل می‌کنند و هیچ‌گونه مشورت و همفکری با دیگران ندارند.

برخی دیگر تصمیم‌گیری آن‌ها کاملاً مطیعانه است و از خود هیچ اراده و عزمی ندارند؛ سبک تصمیم‌گیری مطیعانه، می‌تواند صدمه زیادی به موضوع تصمیم و یا به‌عنوان مثال، به ازدواج فرد، وارد کند. در تصمیم‌گیری مطیعانه، دیگران برای شخص تصمیم می‌گیرند بدون آن‌که فرد، نقشی در این تصمیم‌گیری داشته باشند. نمونه این تصمیم‌گیری را می‌توان در ازدواج‌های سنتی مشاهده کرد.

در میان این دو طیف، افرادی هم هستند که به دنبال مشورت با افراد آگاه و امین تصمیم‌گیری می‌نمایند و سالم‌ترین سبک تصمیم‌گیری را می‌توان همین قسم برشمرد.

لزوم مشاوره در ازدواج

کسب این آگاهی‌ها و مهارت‌ها در بسیاری از موارد توسط خود افراد ممکن نیست یا ناقص انجام می‌شود حتی در بعضی از جوانان به خطا می‌افتد و واقعیت را درک نمی‌کنند لذا لازم با متخصص امر مشورت کرد.

شب تاریک و سنگستان و مومست قدح از دست مو افتاد و نشکست



نگهدارنده‌اش نیکو نگهداشت و گزنه صد قدح نفتاده بشکست^۱
 در روایتی امام صادق علیه السلام از ابی بصیر پرسید: یکی از شما می‌خواهد
 ازدواج نماید چه می‌کند؟

گفت نمی‌دانم. امام فرمود چون به این کار تصمیم گرفت دو
 رکعت نماز گزارد و خدا را حمد کند و دستان خویش به آسمان
 بلند کند و بگوید: ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ
 النَّسَاءِ أَعْفَهِنَّ فَزَجَاءً وَأَحْفَظَهُنَّ لِي فِي نَفْسِهَا وَفِي مَالِي وَأَوْسَعَهُنَّ
 رِزْقًا وَأَعْظَمَهُنَّ بَرَكَهً وَقَدِّرْ لِي وَلَدًا طَيِّبًا تَجْعَلُهُ خَلْفًا صَالِحًا فِي حَيَاتِي
 وَبَعْدَ مَمَاتِي...^۲

خداوندا من قصد ازدواج دارم، زیباترین و خوشخوترین و عقیف‌ترین
 زنان را نصیب من کن که مال من و ناموس خود را بهتر حفظ کند
 و رزق و برکت او از همه وسیع‌تر باشد و از او فرزندی پاک که در
 حیات و مرگ من یادگاری صالح باشند به من عنایت کن
 ازدواج از وقایع استرس‌زای زندگی است و جوانی که در آستانه ازدواج
 قرار دارد به‌طور طبیعی سطحی از نگرانی و اضطراب را تجربه
 می‌کند؛ نفس دعا و نیایش در رسیدن به آرامش و کاهش اضطراب او
 مؤثر خواهد بود و می‌تواند زمینه‌ساز اندیشه و تصمیم راحت‌تر و
 مناسب‌تر باشد.

۱ دویستی‌های بابا طاهر دویستی ۹

۲ مکارم الاخلاق، ص ۲۰۵ و المقنع ص ۳۰۲

جلسه هفت:

شناخت شریک



مقدمه

همه‌ی انسان‌ها از جهت خلقت، اصل تکلیف، اراده و اختیار، ثواب و عقاب باهم مساوی هستند و تفاوت خاصی ندارند ولی با توجه به نقشی که هر یک از زن و مرد در این عالم بر عهده دارند خداوند ویژگی‌های خاصی را به این دو جنس عنایت فرموده تا وظیفه خود را پیدا کرده به نحو احسن به انجام برسانند برای پایدار ماندن یک ازدواج لازم است زوجین قبل از ازدواج از ویژگی‌های خاص این دو جنس اطلاعات لازم را کسب کنند تا بتوانند به نیازهای هم پاسخ صحیح بدهد از تنش‌ها جلوگیری شود و عمری زندگی پایدار همراه با رضایت‌مندی داشته باشند لذا ما در این جلسه به چند مورد از ویژگی‌های عمده زن و مرد اشاره می‌کنیم از جمله:

جزئی‌نگری در خانم‌ها و کلی‌نگری در آقایان

توجه به ظاهر یا حس زیبایی‌شناختی در زن

اقتدارطلبی در مرد و احساس‌گرایی در زن (ضمناً قاعده‌ی مهمی

جهت پایدار ماندن ازدواج هم ذیل این مورد اشاره می‌کنیم)



تفاوت در ارتباط کلامی

عمقی بودن نگاه مرد و سطحی بودن زن

ان شا الله جوانان عزیز ما با آگاهی پیدا کردن نسبت به این نکات ازدواج و زندگی پایدار، شیرین و لذت بخشی داشته باشند.
بهترین خصلت ها...

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کلام خردمندانه‌ای می‌فرمایند خیارُ خِصالِ النِّسَاءِ شِرَارُ خِصالِ الرِّجَالِ بهترین خصلت‌های زنان، بدترین خصلت‌های مردان است یعنی خصلت‌هایی وجود دارد که اگر خانم آن خصلت را داشته باشد می‌شود بهترین خصلت و اگر آقا داشته باشد می‌شود بدترین خصلت و اما خصلت‌هایی که برای خانم بهترین است چیست حضرت فرمود الزَّهْوُ وَالْجُبْنُ وَالْبُخْلُ؛ غرور، ترسوئی و بخل فإذا كانتِ المرأةُ مزهُوَّةً لَمْ تُمَكِّنْ مِنْ نَفْسِهَا، زیرا زن هرگاه مغرور باشد خودش را در اختیار [نامحرم] نمی‌گذارد؛ و إذا كانتِ بَخِيلَةً حَفِظَتْ مَالَهَا و مَالَ بَعْلِهَا، هرگاه بخیل باشد مال خود و شوهرش را نگه می‌دارد و إذا كانتِ جَبَانَةً فَرِقَّتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَعْرضُ لَهَا'.

و هرگاه ترسو باشد از هر چیزی که ممکن است به آبرو و عفت او صدمه بزند می‌ترسد (و از آن فاصله می‌گیرد).

البته آنچه را امام علیه السلام در این کلام نورانی بیان فرموده به صورت مطلق و فراگیر نیست، به بیان دیگر منظور امام علیه السلام این نیست که

در همه جا متکبر، یا ترسو و یا بخیل باشد، بلکه منظور مواردی است که در صورت نداشتن این صفات به عفت یا امانت او لطمه می‌زند وگرنه زنان نباید به بستگان، محرمان و دوستان زن خود تکبر ورزند یا از همه چیز حتی سایه خود بترسند یا در بخشش از اموال خود بخل به خرج دهند.^۱

شهید مطهری این تفاوت را از نگاه ارسطو این‌گونه بیان می‌کند: نوع استعداد های زن و مرد متفاوت است و وظایفی که قانون خلقت به عهده هر یک از آن‌ها گذاشته و حقوقی که برای آن‌ها خواسته، در قسمت‌های زیادی باهم تفاوت دارد. به عقیده ارسطو فضایل اخلاقی زن و مرد نیز در بسیاری از قسمت‌ها متفاوت است: یک خلق‌و‌خوی می‌تواند برای مرد فضیلت شمرده شود و برای زن فضیلت نباشد. برعکس، یک خلق‌و‌خوی دیگر ممکن است برای زن فضیلت باشد و برای مرد فضیلت شمرده نشود.^۲

جنس زن و مرد باهم تفاوت جدی دارند البته شباهت‌هایی هم به این دو وجود دارد که تساوی و ارزش یکسان آن‌ها نشان می‌دهد.

۱ به قول مرحوم مغنیه: بخل زنانه، کرم و بخشش او نسبت به خانواده اش می‌باشد استاد ما می‌فرمود زن بی چیز می‌تواند شوهرش را با دارائی خود یاری کند به او گفتم چگونه فاقد چیزی دهنده ان خواهد شد؟ فرمود صبوری می‌کند و با فزون خواهی بر او سخت نمی‌گیرد و کم را حفظ می‌کند و سرسختانه ان را نگه می‌دارد. اسلامی، اخلاق و جنسیت در حدیث، خصال النساء، نقل از مغنیه فی ظلال نهج البلاغه ج ۶ ص ۲۹۳

۲ مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۹، ص: ۱۷۷ یا مطهری، مرتضی؛ نظام حقوقی زن در اسلام،



از جمله اینکه زن و مرد در اصل خلقت و آفرینش مساوی اند.

تساوی در اصل آفرینش

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را قبیله قبیله قراردادیم تا یکدیگر را بشناسید، به درستی که گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.

آیات زیادی از قرآن تساوی زن و مرد را در این بعد بیان می‌کند و ارزش و برتری از این جهت قائل نیستند.^۲

در تمام مواردی که در قرآن خطاب «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» وارد شده است زن و مرد باهم و به‌طور یکسان مورد خطاب هستند. در مواردی نیز

۱ حجرات/۱۳

۲ در موارد دیگر نیز به‌طور یکسان زن و مرد مورد خطاب قرار گرفته‌اند. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَائِعِينَ وَالْخَائِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب/۳۵).

همانا خداوند برای مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان مومن، مردان و زنان مطیع امر الهی، مردان و زنان راستگو، مردان و زنان شکیبنا، مردان و زنان متواضع، مردان و زنان انفاقگر، مردان و زنان روزه دار، مردان و زنان مسلط بر امیال جنسی و مردان و زنانی که پیوسته مشغول به اذکار الهی هستند، برای همه این‌ها ارزش و پاداشی والا و ارزشمند آماده فرموده است.

۳ بقره ۲۱ و ۱۶۸، نساء ۱ و ۱۷۰ و ۱۷۴ اعراف ۱۵۸ یونس ۲۳ و ۵۷ و ۱۰۴ و ۱۰۸ حج ۱ و ۵ و ...

که خطاب به صورت «یا ایها الذین آمنوا» آمده است، اگرچه ضمیر در آمنوا از نظر ادبی مذکر است ولی زن و مرد مؤمن را به طور یکسان شامل می‌شود.

هر دو مختار هستند

خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱ یعنی هر که از مرد و زن عمل صالح بجا آورد در صورتی که باایمان باشند، آنان در بهشت داخل می‌شوند و از آنجا رزق بی حساب و نعمت بی شمار برخوردار گردند.

هر دو مختار هستند و صاحب اراده هر دو مکلف به دستورات دین هستند و برخوردار از اجر و پاداش.

این نگاه دین است به نوع انسان. زن و مرد در اصل ذات و گوهر انسانی خویش دارای هویتی مشترک هستند، اما از نظر جنس زن بودن یا مرد بودن در بعد روانی، جسمی و جنسی با یکدیگر تفاوت‌های بسیاری دارند و این متناسب با نقش آن‌ها در زندگی است مقام معظم رهبری می‌فرماید خدای متعال طبیعت زن را ظریف قرار داده است. بعضی از انگشت‌ها خیلی درشت و گنده هستند و برای کندن یک سنگ از زمین خیلی خوب‌اند، اما اگر بخواهند یک جواهر خیلی ریز را لمس کنند، معلوم نیست بتوانند بردارند.

۱ بقوه: ۲۶۴، ۲۵۸، ۲۰۸، ۱۸۳، ۱۷۸، ۱۷۲، ۱۵۳، ۱۰۴ و ۸۹ بار در قرآن این عبارت آمده است.



اما بعضی از انگشت‌ها ظریف و باریک‌اند، آن سنگ را نمی‌توانند بردارند اما آن خرده جواهر و خرده طلا را می‌توانند از روی زمین جمع کنند. زن و مرد این‌طورند. هرکدام یک مسئولیتی دارند. نمی‌شود هم گفت کدام یک مسئولیتش سنگین‌تر است. مسئولیت هر دو سنگین است. هر دو لازم است.^۱

شناخت خصوصیات جنس مخالف، آگاهی از این ویژگی‌ها و تفاوت‌ها برای کسی که درصدد ازدواج برآمده لازم است تا بتواند نقش همدیگر را درک کنند و هم در مواجهه و تعامل با همسر خود رفتار مناسب را داشته باشد.

تفاوت‌های زن و مرد

در وجود یک زن چه می‌گذرد؟ در سیستم روانی یک مرد چه می‌گذرد؟ اگر قرار باشد ما برحسب دریافت‌ها و گرایش‌های خودمان این زندگی مشترک را قضاوت کنیم وجود تعارض و تنش قطعی است.

یکی از علت‌های اصلی ستیزه‌ها و کشمکش‌های دائمی، عذاب‌آور و جان‌فرسا بین زن و شوهرها، این است که مردان، زنان را با ویژگی‌های خود ارزیابی می‌کنند و زنان، مردان را با مقیاس خود می‌سنجند. سنجش مایعات با متر و منسوجات با لیتر، همان‌قدر صحیح است که مردان و زنان، خصوصیات خود را با یکدیگر مقایسه کرده و به سنجش و ارزیابی هم بپردازند. در تاریکی جهل نسبت به شخصیت زن و مرد هرکدام با تصور خود وارد زندگی می‌شود و این

زندگی می‌شود سرشار از اختلاف.

نقل می‌کنند فیلی را به شهری که مردمش اصلاً فیل ندیده بودند بردند و محل آن را در خانه تاریکی قراردادند، مردم آن شهر که نمی‌دانستند فیل چگونه است، یک‌یک به آن خانه تاریک رفته و پس از دست کشیدن به بدن فیل، از خانه بیرون آمده و اظهارنظر

می‌کردند. مولوی این داستان را به شعر درآورده است:

پیل اندر خانه‌ی تاریک بود	عرضه را آورده بودنش هنود
از برای دیدنش مردم بسی	اندر آن ظلمت همی‌شد هر کسی
دیدنش با چشم چون ممکن نبود	اندر آن تاریکیش کف می‌بسود
آن یکی را کف به خرطوم اوفتاد	گفت همچون ناودانست این نهاد
آن یکی را دست بر گوشش رسید	آن برو چون بادبیزن شد پدید
آن یکی را کف چو بر پایش بسود	گفت شکل پیل دیدم چون عمود
آن یکی بر پشت او بنهاد دست	گفت خود این پیل چون تختی بدست
همچنین هریک به جزوی که رسید	فهم آن می‌کرد هر جا می‌شنید
از نظرگه گفتشان شد مختلف	آن یکی دالش لقب داد این الف
در کف هر کس اگر شمعی بدی	اختلاف از گفتشان بیرون شدی ^۱

اگر دستشان یک شمع بود این‌طور قضاوت نمی‌کردند.

لذا هر کس با تصور خود نسبت به جنس زن یا مرد برخورد می‌کند

قضاوت می‌کند نتیجه‌گیری می‌کند لذا به نتیجه نمی‌رسد.

می‌خواهیم بدانیم خانم‌ها و آقایان چه ویژگی‌های خاصی دارند

جزئی‌نگری از ویژگی‌های زنان و کلی‌نگری از ویژگی‌های مردان

است.

نگاه مردان به مسائل، کلی‌تر است مردها معمولاً وارد جزئیات و نکات

۱ مثنوی معنوی، مولوی دفتر سوم بخش ۴۹ اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل



ظریف نمی‌شوند، درحالی‌که زن‌ها به عمق مسائل و اجزاء ریز در ارتباطات و دیگر موارد، توجه زیادی دارند. معمولاً این خصوصیات زن و مرد، موجب می‌شود زن تصور کند مرد درباره بسیاری از مسائل بی‌دقت و بدون توجه است و مرد نیز همسرش را فردی حساس و ریزبین بداند که همیشه ذهن خود را برای موارد و مسائل پیش‌پاافتاده و کم‌اهمیت، درگیر و مشغول می‌سازد

البته بعضی از مواقع نیاز است مرد جزئی‌نگر بشود و زحمات همسر یا نکات خاص را توجه کند از آن طرف زن هم کلی‌نگر شود تا از قضاوت‌های نابه‌جا و دلخوری‌ها جلوگیری شود.

توجه به ظاهر یا حس زیبایی شناختی در زن

آراسته بودن یکی از خصوصیات انسان‌های مؤمن است امام برای زن و مرد متفاوت است شهید مطهری می‌فرماید زن طبعاً به زینت و زیور و جمال و آرایش و مدهای مختلف علاقه زیادی دارد برخلاف مرد^۱

اقتدارطلبی در مرد و احساس‌گرایی در زن

در بدن انسان اعضا و احشایی وجود دارد مثل قلب و ریه و کلیه و کبد که هرکدام مشغول یک کارکردی هستند. اگر این اعضا بخواهند به کارکردهایشان برسند باید مستقر بر پایه‌ای باشند که آن پایه در بدن اسکلت است.

طبق این مثال جایگاه مرد داری یک آثار و نتایجی است محبت،

۱ مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ج ۷۶، ص ۱۰۰

معیشت و خدماتی دارد که کارکردهای مرد را شامل می‌شود. اگر انتظار داریم این کارکردها درست عرضه شود باید مراقب پایه‌ای باشیم که درروان مرد نقش بنیانی و اسکلتی دارد. آن پایه این است خداوند مرد را بر پایه‌ی اقتدار آفرید. پس مهم‌ترین ویژگی مرد اقتدارطلبی است از طرفی اولین و مهم‌ترین تفاوت زنان و مردان، به عواطف و احساسات قوی زنان مربوط است. محور اصلی روحیات زن که او را از مرد متمایز می‌کند، عاطفه و احساسات است. عاطفه و احساس، هرچند از ویژگی‌های مشترک زن و مرد است، اما نیرومندی آن در زن به حدی است که او را به کلی از مرد متمایز می‌سازد و سرچشمه‌ی بسیاری از ویژگی‌های فرعی او می‌شود. زن در بسیاری از موارد، مسائل را از دریچه‌ی عاطفی می‌نگرد و بیشتر، احساس و عاطفه، نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی درونی او دارد. زنان به مهر و محبت و توجه از سوی همسرشان نیازمندند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مردی که به همسرش می‌گوید: دوستت دارم، بدانید این سخن هرگز از قلب همسرش خارج نمی‌شود.»^۱

. مردان باید با ابراز محبت و عشق و به‌کارگیری جملات عاطفی، این نیاز را برآورده سازند و بدانند که تنها دوست داشتن کافی نیست، بلکه باید آن را ابراز کنند. با عمل خود محبت را نشان دهد. زندگی استاد شهید مرتضی مطهری باهم سرگرمی‌شان این‌گونه بود. همسر ایشان می‌گوید:

۱ اصول کافی، ج ۵، ص ۵۶۹.



در مدت ۲۶ سالی که با ایشان زندگی کردم، همیشه با یک حالت تواضع و آرامش با من رفتار می‌کردند، با صدای متین و چهره خندان، محبت‌هایی که می‌کردند، مرا در انجام کارهای منزل رغبت و شوق عجیبی می‌بخشید. ...رنج و ناراحتی مرا نمی‌توانستند تحمل کنند. یادم هست یک‌بار برای دیدن دخترم به اصفهان رفته بودم و بعد از چند روزی با یکی از دوستانم به تهران برگشتم. نزدیکی‌های سحر بود که به خانه رسیدم. وقتی وارد خانه شدم، دیدم همه بچه‌ها خواب هستند، ولی آقا بیدار است. چای حاضر کرده بودند، میوه و شیرینی چیده بودند و منتظر من بودند. دوستم از دیدن این منظره بسیار تعجب کرد و گفت: همه روحانیون این قدر خوب هستند! بعد از سلام و علیک، وقتی آقا دیدند، بچه‌ها هنوز خوابند. با تأثر به من گفتند: می‌ترسم یک‌وقت من نباشم و شما از سفر بیایید و کسی نباشد که به استقبالتان بیاید.^۱

قاعده مهم و کلیدی در پایدار ماندن ازدواج

آقایان مراقب باشند که در طول زندگی مشترک، دل همسرشان را نشکنند و زن‌ها نیز مراقب باشند اقتدار و غرور مرد را نشکنند. مرد باید به همسرش محبت کند و دل او را نشکند و زن هم باید به همسرش احترام بگذارد و غرور او را نشکند. وقتی یک مرد با همسرش دعوا می‌کند، غالباً به این خاطر است که زن، غرور او را

۱ پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، گفتگو با همسر شهید مطهری به نقل از سرگذشت‌های ویژه، ج

شکسته است، هرچند اگر مرد این را صراحتاً به زبان نیاورد و اگر یک زن با شوهرش دعوا می‌کند غالباً به این خاطر است که مرد، دل زن را شکسته است و درجایی که باید به او محبت می‌کرده، این کار را انجام نداده است.

حسّ محترم و محبوب واقع شدن در طبیعت زنان است و توجه دین اسلام به محبت نسبت به زنان برای برآورده ساختن نیاز شدید زن به محبت است.

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «مِنَ اخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ حُبُّ النِّسَاءِ.»^۱

دوست داشتن زنان از اخلاق انبیا است

در سیره عملی حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز درک نیاز زنان به همدردی دیده می‌شود. حضرت با ابراز ناراحتی از سختی‌هایی که همسرش در زندگی متحمل می‌شود، به او پیشنهاد می‌کند تا با پدر بزرگوارش پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صحبت کند و تقاضای خدمتکار کند. حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نیز چنین می‌کند و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خود به دخت گرامی‌اش تسبیحاتی تعلیم می‌دهد که به «تسبیحات حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام» معروف است. ابراز همدردی حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام تحمل بسیاری از سختی‌ها را برای فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام آسان نمود.

اگر مردان درک بیشتری نسبت به نیازهای زنان داشته باشند و زنان احساس کنند بهتر درک شده‌اند، به همان اندازه بیشتر پذیرای مردان

۱ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۹.



هستند.

همسر بزرگوار امام خمینی قدس سرّه در مورد نحوه برخورد حضرت امام علیه السلام با ایشان می‌گوید:

حضرت امام به من خیلی احترام می‌گذاشتند و خیلی اهمیت می‌دادند... در هنگام ناهار یا شام غذا را شروع نمی‌کردند؛ به بچه‌ها هم می‌گفتند: صبر کنید تا خانم بیایند... امام [کارهای خانه] جارو کردن و ظرف شستن و حتی شستن روسری بچه خودمان را هم وظیفه من نمی‌دانستند و اگر به جهت نیاز گاهی به این کارها دست می‌زدم، ناراحت می‌شدند و آن را به حساب نوعی اجحاف نسبت به من می‌گذاشتند...^۱

از سوی دیگر، اگر زن به مرد اعتماد کند و او را مدیر و مسئول زندگی مشترک بداند، مرد انرژی می‌گیرد و بیش‌ازپیش به مراقبت از همسر خود می‌پردازد. پس ارتباط میان تأمین این نیازها دوسویه است. نباید زن و مرد دعوای مدیریت زندگی را باهم داشته باشند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«هر یک از انسان‌ها برای خودشان ریاستی دارند، مرد رئیس اهل بیت خویش است و زن رئیس خانه خویش است؛ كُلُّ نَفْسٍ

مِنْ بَيْتِي آدَمَ سَيِّدٌ فَالرَّجُلُ سَيِّدُ أَهْلِهِ وَ الْمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا»^۲

لازمه مدیریت اقتدار است مادر مدیریت عاطفی منزل را بر عهده دارد که با همین پست مهم غالباً شوهر را هم مدیریت می‌کند

۱ پایگاه اطلاع رسانی حوزه تاریخ انتشار ۱۳۸۸/۳/۱۳

۲ نهج الفصاحه/روایت ۲۱۷۷

ریاست کلی خانواده با مرد است اما آقایان در بسیاری از امور خانه، اجازه بدهند که خانم‌ها اظهار نظر کنند. البته بعضی از آقایان زور گوئی را با اقتدار اشتباه می‌گیرند مرد نباید از موقعیت خود سوء استفاده کند.

استفاده نابه‌جای مرد از اقتدار

یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که بعضاً خانواده‌ها با آن مواجه هستند استفاده غیر صحیح و نابه‌جای مرد از اقتدار است اقتدار را با سلطه‌گری و زور گوئی اشتباه می‌گیرند درحالی‌که خداوند با قرار دادن این اقتدار در مرد قصد سلطه‌گر شدن او را نداشت می‌خواست مرد ستون پایه و تکیه باشد برای زندگی. خداوند مرد را محکم آفرید زن را نازک و لطیف تا بر پایه مرد باشد آقای که این اقتدار را به سمت سلطه و خدای نکرده ظلم برده باعث شده زن از این نمای مرد بیزار و فراری باشد.

بعضی از آقایان اعتراض می‌کنند که خب خداوند مگر نفرموده الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ^۱... بله مقام عظمای ولایت در تبیین این نکته می‌فرمایند ولی شما آیا روایت امیرالمؤمنین را هم دیده‌اید. حضرت فرمودند الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ^۲ حالا شما ببینید اگر مردی با یک گُلی با خشونت و بی‌اعتنایی رفتار کند و پاسی گُل بودن او را ندارد، چقدر ظالم و بد است. مثل زیاده‌روی کردن،

۱ نساء/۳۴

۲ کافی (ط-الاسلامیه) ج ۵، ص ۵۱۰، ح ۳- من لایحضره الفقیه ج ۳، ص ۵۵۶، ح ۴۹۱۱



زیاده‌خواهی کردن مردها از زن‌ها، توقّعات بی‌جا و زیادی. «المرأة ریحانَةٌ و لیستْ بقَهْرمانَةٍ» قهرمان، یعنی همین کارپرداز امروز زندگی ... این زن، کارپرداز شما نیست که همه‌ی کارهای زندگیتان را روی دوش او بگذارید و بعد هم از او مؤاخذه کنید. نه! این یک گُلی است در دست شما ... حتی اگر دانشمند یا سیاستمدار باشد، در بحث معاشرت خانوادگی، او گل است.^۱

لذا نباید مرد از نقش خود سوءاستفاده کند و نه آن را خلاف عدالت بداند قوام هم‌معنا دارد مقام معظم رهبری در بیان و تبیین این قوام هم‌فرمایشی دارند که بحث را روشن می‌کند می‌فرمایند:

دین ما مرد را قوام و زن را ریحان می‌داند. این نه جسارت به زن است نه جسارت به مرد. نه نادیده گرفتن حق زن است و نه نادیده گرفتن حق مرد؛ بلکه، درست دیدن طبیعت آنهاست. ترازوی آنها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در یک کفه می‌گذاریم و این جنس مدیریت و کارکرد و محل اعتماد و اتکا بودن و تکیه‌گاه بودن برای زن را هم در کفه‌ی دیگر ترازو می‌گذاریم، این دو کفه باهم برابر می‌شود. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن اولویت می‌خواهد داشت.^۲

۱ خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۶/۲۸

۲ خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱۲/۲۲

تفاوت در ارتباط کلامی

یکی دیگر از ویژگی‌های جنس زن مرد تفاوت در ارتباط کلامی است. مردها در ارتباط فقط به پیام حرف توجه دارند ولی زن‌ها هم به پیام و هم به فرای پیام و مفهوم‌های یک حرف هم توجه می‌کنند. مرد می‌گوید خانم چرا خانه به هم ریخته است زن برداشت می‌کند که تو من را تنبل خطاب می‌کنی از صبح تا شب اینجا زحمت بکشم ولی تو ... اگر آقا در ادامه می‌گفت بچه‌ها امروز اذیت کرده‌اند و اجازه ندادند شما مرتب کنی برداشت غلط نمی‌شد یا در تعاملات زن با خانواده شوهر در بسیاری از موارد این سوء برداشت‌ها اتفاق می‌افتد.

عمقی بودن مرد و سطحی بودن زن

اما آخرین ویژگی خداوند وقتی عالم رو طراحی می‌کرد از جمع عمق به علاوه‌ی سطح آفرید. این‌که شما هیچ چیزی رو در هستی نمی‌بینید که این دو در کنار هم نباشند. خورشید که عضوی از عالم هستی است، عمقش گداخته‌های مذاب آتش است و سطح آن نور و حرارت فراگرفته است. گل سطحش عطر و رنگ و جلوه ست. عمقش خاک و کود و ریشه است. بدن شما عمقش احشا و معده و عروقی هست که سطح آن پوست فراگرفته است.

خداوند عالم نگاه عمقی را داد به خانم‌ها و سطحی‌نگری را عنایت کرد به آقایان در خرید خانه آقا به چه مشخصاتی از این خانه



نگاه می‌کند؟ ملکیت؟ ۶ دانگ؟ تراکم چقدر؟ تجاری می‌خوره؟ چند سال ساخته؟ تأسیسات آن چه می‌باشد؟ خانم به چه چیزی نگاه می‌کند؟ آشپزخانه‌اش باز و دلگشا هست؟ کمد و کابینت تازه رنگ خورده؟ یک شاخه‌ی گل رو بدید دست‌زن احساس عشق و شور و محبت می‌کند. لذا گاهی به تون شکایت می‌کند می‌گوید آیا شده است یک‌بار شاخه‌ی گل به یاری برای من؟ آقا می‌گه تو خانه صد میلیون نشسته می‌گه یک شاخه گل! عمق رومی بینه... خداوند متعال متناسب با وظیفه‌ای که باید در زندگی ایفا کنند ویژگی‌هایی داده خانم مدیر منزل خودش سطحی بینی او زندگی را جذاب و متنوع می‌کند مردمدیر خانواده است عمقی نگر بودن او باعث می‌شود دقیق و عمیق به بعضی از مسائل نگاه کند تا هرچه به صلاح خانواده است اتفاق بیفتد.

سکوت مرد اثر عمقی نگری و حرف زدن زن اثر سطحی نگری است. بزرگ‌ترین اثر عمقی نگری سکوت. رحالی که سطحی نگری در زن میل شدید به گفتگو درست می‌کند. زن حرف زننه می‌میره از خورد و خوراک و نفس برایش واجب‌تر؛ اما خانوم دقت کنن اگر آقایون حرف نمی‌زنند مال این نیست که شمارا دوست ندارند. درک نمی‌کنند. نمی‌توانند حرف زدن سطحی می‌خواهد... همه ی حرفایی که آقایان می‌زنند اولاً دیدیم جمله نه کلمه می‌گویند باشه، نه بینم، بعد، اصلاً، حالا که چی. جمله نمی‌گه یا همه ی حرفایی که آقایون تو محاوره هاشون می‌زنند به اون بحثای سیاسی اجتماعی و مباحثه هاشون نگاه نکنید همه ی حرفایی که

می زندد ۵ جمله بیشتر نیست. سلام خوین خانواده چطورن کار و باراً چطوره چه خبر؟ تموم شد...

البته تفاوتهاي بين دو جنس مرد و زن منحصر به موارد یاد شده نیست اما آنچه دانستن آن برای جوان آماده به ازدواج ضروري است آگاهی (هر چند نسبي و ابتدایی) نسبت به این تفاوتها و اتخاذ رفتار متناسب با روحیه و طبیعت طرف مقابل است.

جلسه هشتم:

باورهای غیر منطقی



مقدمه:

معمولاً در همه‌ی اعصار مردم در زندگی خود با یک سری خرافات رایج یا عقاید و تفکرات غیرمنطقی مواجه بوده‌اند که گاه در همان زمان به باطل بودن آن‌ها آگاه شده‌اند و گاه در زمانه‌ای بعد از میان‌رفته‌اند امر خطیر تشکیل خانواده نیز از این تفکرات مبرا نیست و این تفکرات در ازدواج هم دخیل هستند حال گاهی این تفکرات غیرمنطقی مانع ازدواج آسان می‌شوند و گاهی شخص با بهره‌گیری از آن تفکرات اقدام به انتخاب و ازدواج می‌کند که این اقدام احتمال عدم پایداری ازدواج را بالا می‌برد ما در این جلسه مختصراً به بیان هردو نوع می‌پردازیم.

دسته اول مانع ازدواج می‌باشند از جمله:

۱. همسر من باید فردی کامل باشد
 ۲. وقتی پیشرفت شخصی‌ام تمام شد ازدواج می‌کنم
 ۳. هیچ‌کس در حد من و خانواده من نیست
- دسته دوم در شروع ازدواج مطرح می‌شوند:



۱. شناخت به وسیله ارتباط قبل از ازدواج
 ۲. تمرکز بر خانواده یا عدم آن
 ۳. ازدواج همه مشکلات را حل می‌کند
 ۴. عشق نشانه صحت انتخاب است
 ۵. مهریه سنگین باعث قوام زندگی می‌شود
 ۶. با ازدواج به آزادی و استقلال می‌رسیم
 ۷. اگر ازدواج نکنم سنم بالا می‌رود
 ۸. انتخاب باید آسان باشد
- این مواردی که خدمت شما شمردیم یک سری از باورهای غلط در مسیر ازدواج است ان شا الله شما عزیزان بتوانید در جهت حذف یا اصلاح این‌گونه باورها کوشا باشید.

باورهای ناصحیح

در خصوص زمین و شکل هندسه آن مدت‌ها در بین مردم و حتی دانشمندان اختلاف بوده است پیش از آنکه یونانیان نظریه کروی بودن زمین را مطرح کنند، اکثر مردم عوام معتقد بودند که زمین مسطح است. تقریباً نظریه تخت بودن و کروی نبودن زمین قطعی انگاشته می‌شد مثلاً هندوها معتقد بودند که زمین مسطح بر شانه چهار فیل قرار دارد که به نوبه خود بر پشت چهار لاک‌پشت شناور در اقیانوسی بیکران، ایستاده‌اند. مصریان باستان، زمین را رب‌النوع می‌پنداشتند که به پهلو دراز کشیده و الهه نات بر روی آن خمیده است.

نظریه‌پردازی درباره تخت بودن زمین از دوران باستان و توسط اقوام گوناگون و به خصوص یونانیان آغاز شد و تا سال‌های طولانی بسیاری از مردم نیز بر این باور بودند... وقتی در قایقی در میان دریا قرار می‌گرفتند سطح آب‌های اطراف خود را که فاصله خیلی زیاد از آن‌ها نداشت مسطح می‌دیدند و آسمان را به صورت کاسه وارونه‌ای می‌دیدند که روی آب‌ها را پوشانده است اگر دانشمندی هم ادعای گرد بودن زمین را مطرح می‌کرد به شدت برخورد می‌کردند و او تا حد مرگ پیش می‌بردند.^۱

معمولاً در همه زمان‌ها افراد و مردم بر اساس یافته‌های علمی یا خرافات رایج یا سنت‌ها و ... با یک سلسله عقاید و تفکرات غیرمنطقی مواجه بوده‌اند که گاه در همان زمان به باطل بودن آن‌ها آگاه شده‌اند و گاه در زمانه‌ای بعد از میان‌رفته‌اند و گاهی هم تا مدت‌ها در بین مردم بوده و هنوز هم طرفدارانی دارند. از این‌گونه مثال‌ها می‌شود به بلندی تاریخ عنوان کرد^۲ که بعدها مردم بعضاً به خاطر آن عقاید باطل گذشته خودشان را سرزنش می‌کردند.

در صدر اسلام نیز این‌گونه عقاید باطل و تفکرات غلط هر از چند

۱ Roshdir.ir - شبکه ملی مدارس. ویکی پدیا

۲ مثلاً در طول تاریخ درخصوص بیماری‌های روانی عقاید عجیب و گاهی بسیار خشن و سخت وجود داشته است.

بیماریهای روانی در همه مقاطع تاریخ به نوعی مورد توجه بوده است. در دوران باستان بیماریهای روانی را به «ارواح، جن و شیطان» نسبت می‌دادند و برای بیرون راندن آنها از جادوگر استفاده می‌کردند.



گاهی ظهور می‌کرد پیامبر خدا ﷺ فرزندی داشت که نامش ابراهیم بود پیامبر به شدت به ابراهیم علاقه مند بود ولی ابراهیم در ۱۸ ماهگی بیمار شد و از دنیا رفت پیامبر در مرگ او به شدت غصه‌دار شد پیامبر خدا به علی ع دستور داد بدن ابراهیم را غسل دهد و کفن کند. ابراهیم در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. در تواریخ آمده است: در آن روز که ابراهیم از دنیا رفت خورشید گرفت و مردم مدینه گفتند: خورشید به خاطر مرگ ابراهیم گرفته است!

رسول خدا ﷺ برای رفع این اشتباه و مبارزه با این موهومات و خرافات به منبر رفت و مردم را مخاطب ساخته فرمود: **أَيُّهَا النَّاسُ** آن **كُسُوفَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ آيَاتٍ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ يَجْرِيانِ بِأَمْرِهِ مُطِيعانِ لَهُ لَا يَنْكَسِفانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ فَإِذَا انْكَسَفَا أَوْ أَحَدُهُمَا صَلُّوا ...** ای مردم همانا خورشید و ماه دو نشانه از نشانه‌های قدرت حق تعالی هستند که تحت اراده و فرمان او هستند و برای مرگ و حیات کسی نمی‌گیرند و هر زمان دیدید آن دو یا یکی از آن‌ها گرفت نماز بگزارید.

در جوامع امروزی ما هم علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر و ... اما متأسفانه خرافه و عقاید باطل و غلط فراوانند عقایدی که بعضاً غلط بودن را نمی‌دانند یا نمی‌خواهند بفهمند این مسئله منحصر به کشور و فرهنگ ما هم نیست و تقریباً همه‌گیری وسیعی دارد تا

جایی که روانشناسان مطرح دنیای غرب مثل آلبرت ایس تالیفات متعددی در خصوص باورهای غیرمنطقی^۱ دارد ما در اینجا قصد تأیید یا رد ایشان را نداریم اما در مجموع باید پذیرفت که این عقاید غلط در همه جا وجود دارد.

متأسفانه مسئله ازدواج مثل سایر حوزه‌های اجتماعی با عقاید غلط و باورهای غیرمنطقی متفاوت و گسترده‌ای مواجه است و متأسفانه آثار مخربی را به همراه داشته است.

رهبر معظم انقلاب در دیدار افطاری دانشجویان در سال ۱۳۹۳ ضمن گله‌مندی از نگاه بی‌تفاوت به ازدواج جوانان و تبعات آن فرمودند: «بعضی از تصورات و سنت‌های غلط در مورد ازدواج وجود دارد که این‌ها دست‌وپاگیر است، مانع از رواج ازدواج جوان‌ها است. این سنت‌ها را باید عملاً نقض کرد.»^۲

این عقاید گاهی به‌طورکلی مانع ازدواج هستند و گاهی مانع نیست بلکه در شروع ازدواج مطرح می‌شود و مانع ازدواج صحیح و پایدار می‌شود.

عقاید غیرمنطقی ازدواج

عقاید مانع ازدواج

گاهی این تفکرات باطل سد بزرگی در مسیر اصل ازدواج و سپس نحوه انتخاب و ازدواج هستند یعنی وجود این عقاید باعث تأخیر

۱ من جمله: عاقلانه فکر کنید، راحت‌تر زندگی کنید و چگونه منطقی زندگی کنیم

۲ khamenei.ir ۲ بیانات در دیدار دانشجویان - در بیست و پنجمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵



در ازدواج می‌شود از جمله این عقاید به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

همسر من باید فردی کامل باشد
 در حدیث آمد که خلاق مجید
 خلق عالم را سه گونه آفرید
 يك گروه را جمله عقل و علم و جود.
 آن فرشته است و نداند جز سجود.
 نیست اندر عنصرش حرص و هوا.
 نور مطلق زنده از عشق خدا.^۱

بی‌عیب و نقص فرشته است نه انسان و همسر من و شما هیچ فردی صد درصد کامل نیست و تمام ما این را می‌دانیم. برای ازدواج، همه ما تمام معیارهای خوب را برای همسرمان می‌خواهیم اعم از مادیات، معنویات، خانواده، تحصیلات و... اما همان‌طور که ما کامل نیستیم نباید از همسر آینده‌مان هم انتظار داشته باشیم کامل باشد. پس باید در معیارهای خود اهم و فی‌الاهم کنیم و از بعضی معیارها چشم‌پوشی کنیم به معیارهای ضروری اکتفا کنیم. این افراد بعضاً دنبال به کمال رسیدن خود هم نیستند حال در همه ابعاد مادی یا معنوی ولی دنبال کامل هستند وقتی ما خاطرات بعضی خوبان رو نگاه می‌کنیم می‌بینیم خودشان اول دنبال کامل شدن بودند دغدغه اولیه آن‌ها خودسازی بود.

۱ مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۳، ص: ۱۱۲

شهید حسن باقری سرباز که بود، دو ماه صبح‌ها تا ظهر آب نمی‌خورد. نماز نخوانده هم نمی‌خواستید. می‌خواست یادش نرود که دو ماه پیش یک‌شب نمازش قضا شده بود.^۱ در ادامه شعری که در بالا خواندم شاعر گروه دوم و سوم را معرفی می‌کند.

یک گروه دیگر از دانش تھی.

همچو حیوان از علف در فربھی.

گروه سوم انسان است هم می‌تواند رشد کند دغدغه رسیدن به کمال داشته باشد فرشته‌خو شود هم به رنگ چهارپا درآید.

وان سوم هست آدمیزاد و بشر از فرشته نیمی و نیمی ز خر تا کدامین غالب آید درنبرد زین دوگانه تا کدامین برد نرد

لذا اگر هم دنبال کمال در انتخاب هستیم باید اول دغدغه کمال

خود را داشته باشیم نه اینکه خودمان کامل باشیم این اعتقاد نیز

محدودکننده و غیرمنطقی است از آن جهت که هیچ‌کس کامل نیست

و احساس کامل بودن به‌عنوان یک همسر را نخواهد داشت. این

راه یک روز و دو روز نیست آمادگی برای ازدواج ضروری است شکی

نیست ولی این به معنای کمال و بی‌نقص شدن نیست این تفکر

شاید اشخاصی را برای تصمیم‌گیری درباره ازدواج دچار اضطراب کند.

ولی حداقل دغدغه داشته باشیم و در مسیر رسیدن به کمال حرکت

کنیم

۱ یادگاران، جلد چهار، کتاب حسن باقری، ص ۸

۲ مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۳، ص: ۱۱۲



وقتی پیشرفت شخصی ام تمام شد ازدواج می‌کنم

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: **رَوِّجُوا أَيَاكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيُوسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مُرْوَآتِهِمْ؛**^۱

بی همسران را همسر دهید، زیرا خداوند اخلاق آن‌ها را در پرتو ازدواج، نیک گرداند و بر روزی و معاش آن‌ها وسعت بخشد و بر مروت و ارزش‌های عالی انسانی آن‌ها می‌افزاید.

به فرموده حضرت ازدواج باعث پیشرفت هم در عرصه مادی و هم در عرصه معنوی است البته همراه با تلاش و توکل و البته صبر. حتی در مسیر معنوی و الهی

زنی به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام عرض کرد: من متبتله هستم. حضرت فرمودند: مقصود تو چیست؟ گفت: هرگز نمی‌خواهم ازدواج کنم. حضرت فرمودند: برای چه؟ گفت: می‌خواهم بافضیلت باشم. حضرت فرمودند: «**انْصَرَفِي فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ فَضْلًا لَكَانَتْ فَاطِمَةُ أَحَقَّ بِهِ مِنْكَ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَسْبِقُهَا إِلَى الْفَضْلِ**»؛^۲

از این فکر صرف نظر کن که اگر در این کار فضیلتی بود، حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام از تو به آن سزاوارتر بود. هیچ‌کس نمی‌تواند در فضیلت از ایشان پیشی بگیرد.

یعنی اگر ترک ازدواج کار خوبی بود، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام که بهترین زن عالم‌اند، ازدواج نمی‌کردند. همه پیامبران و امامان علیهم‌السلام

۱ بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۱۰۰، ص: ۲۲۲

۲ الکافی، ج ۵، ص ۵۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹، ح ۱۳.

ازدواج کردند. فقط یک پیغمبر همسر نداشت، آن هم حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بود که بنا بر مصالحی ازدواج نکرد؛ و الا در دین ما از ترک ازدواج شدیداً نهی شده است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «شِرَارُ مَوْتَا كُمُ الْعُرَابُ»؛^۱ شرورترین مردگان شما کسانی هستند که بدون همسرند.

هیچ کس در حد من و خانواده من نیست

علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «أَيْسَ لِمُتَكَبِّرٍ صَدِيقٌ»؛^۲ برای متکبر دوستی وجود ندارد. «چون همیشه خود را بالاتر می بیند نه تنها دوستی باقی نمی ماند، بلکه مردم از او متنفر می شوند چراکه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «أَمَقَّتْ النَّاسِ الْمُتَكَبِّرُ»؛^۳ منفورترین و مبغوض ترین مردم، متکبر است.»

خودخواهی و خودبزرگ بینی بعضی افراد هم در هنگام انتخاب و هم بعد از ازدواج مایه دردسر آنها است، چراکه در هنگام انتخاب کمتر کسی را می پسندند و بعد از آن نیز همیشه خود را بهتر از همسر خود می پندارند. زندگی با این افراد واقعاً سخت است.

مرد بالرداری بالباس پاکیزه خدمت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و نزدیک حضرت نشست، سپس مرد تنگدستی با جامه های چرکین وارد شد و پهلوی مرد مال دار نشست، مال دار جامه هایش را از زیر پای او بکشید. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمود: ترسیدی چیزی از فقر او به تو

۱ المقنعه، ص ۴۹۷، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰، ح ۱۹.

۲ غرر الحکم درر الکلم ص ۵۵۷

۳ من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۹۵



بچسبد؟ گفت نه فرمود: ترسیدی از دارائی تو چیزی به او رسد؟ گفت: نه فرمود: ترسیدی لباست چرك شود؟ گفت: نه. فرمود: پس چرا ترا بر این کار واداشت؟ گفت: یا رسول الله! من همدمی (شیطانی دارم) که هر کار زشتی را در نظرم زینت دهد و هر کار خوبی را زشت نمایش دهد، من نصف مالم را به او می‌دهم، پیغمبر ﷺ به آن مرد نا دارا فرمود: تو می‌پذیری؟ گفت: نه: مرد مال دار گفت: چرا؟ گفت: زیرا می‌ترسم در دل من درآید آنچه در دل تو درآمده (که تکبر و توهین فقرا باشد).^۱

تمام ما انسان‌هایی هستیم با نقاط قوت و ضعف. بعضی‌ها دارای نقاط مثبت بیشتری هستند و بعضی‌ها نقاط منفی بیشتری دارند. تا وقتی خود را از همه برتر بدانیم هیچ‌گاه پیشرفت نخواهیم برای همین افراد متکبر باید از موضعشان پایین بیایند و باور کنند آن‌ها نیز نقاط منفی دارند کافی است نگاهی در آینه بیندازند یا به رفتار خود با دیگران دقت کنند اگر انسان تکبر را درمان نکند دست‌زمانه او را به زیر می‌کشد

مگسی چندین بار روی صورت منصور دوانیقی نشست. منصور

۱ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۲۶۲ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ مُوسِرٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص نَقِي الثَّوْبِ فَجَلَسَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص «۳» فَجَاءَ رَجُلٌ مُعْسِرٌ دَرَنُ الثَّوْبِ فَجَلَسَ إِلَى حُثْبِ الْمُوسِرِ فَفَبَضَّ الْمُوسِرُ ثِيَابَهُ مِنْ تَحْتِ فَجَذَبَهُ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص أَخِيفْتُ أَنْ يَمَسَكَ مِنْ فُقْرِهِ سَيْءٌ قَالَ لَا قَالَ فَخِيفْتُ أَنْ يُصِيبَهُ مِنْ عِتَاكَ سَيْءٌ قَالَ لَا قَالَ فَخِيفْتُ أَنْ يُوسِعَ ثِيَابَكَ قَالَ لَا قَالَ فَمَا حَمَلَكَ عَلَى مَا صَنَعْتَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي قَرِينًا يَزِينُ لِي كُلَّ قَبِيحٍ وَيَفْتِيحُ لِي كُلَّ حَسَنٍ وَقَدْ جَعَلْتُ لَهُ نِصْفَ مَالِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلْمُعْسِرِ أَتَقْبَلُ قَالَ لَا فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ وَلِمَ قَالَ أَخَافُ أَنْ يَدْخُلَنِي مَا دَخَلَكَ.

نتوانست او را از خود دفع کند ناراحت شد و از امام صادق علیه السلام پرسید: خداوند چرا مگس را آفریده است؟ حضرت فرمود: برای این که متکبران را ذلیل کند؛ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَآئِي شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الدُّبَابَ محضر امام صادق علیه السلام عرضه داشت چرا خداوند پشه را خلق کرده است آقا امام صادق علیه السلام فرمودند: قَالَ لِيُذِلَّ بِهِ الْجَبَّارِينَ^۱. برای این که به واسطه اش ستمگران را خوار و ذلیل کند. تفکرات غیرمنطقی در شروع ازدواج

ممکن است فردی به دلیل یک تفکر اشتباه سال ها مجرد و تنها بماند و هیچ وقت نیز متوجه اشتباه خود نشود تا اینجا ما این اعتقادات افراد را بیان کردیم بالعکس ممکن است شخصی به دلیل یک عقیده غیرمنطقی تن به ازدواجی دهد که خوشبختی را از خود دور و دورتر کند. با بررسی این دلایل غیرمنطقی راه را برای تصمیم گیری شما که بر سر دوراهی مانده اید واضح تر می کنیم تا راحت تر تصمیم بگیرید.

۱. شناخت به وسیله ارتباط قبل از ازدواج

این عقیده چنین است: اگر من و همسر آینده ام قبل از ازدواج باهم دوست باشیم، شانس و خوشبختی مان را افزایش خواهیم داد چراکه همدیگر را خواهیم شناخت.

۱ صَاحِبِ الْمُنْصُورِ قَالَ: قَالَ الْمُنْصُورُ يَوْمَ لَأَيُّ عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ قَدْ وَقَعَ عَلَى الْمُنْصُورِ دُبَابٌ فَذَبَّهُ عَنْهُ ثُمَّ وَقَعَ عَلَيْهِ فَذَبَّهَ عَنْهُ ثُمَّ وَقَعَ عَلَيْهِ فَذَبَّهَ عَنْهُ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَآئِي شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الدُّبَابَ قَالَ لِيُذِلَّ بِهِ الْجَبَّارِينَ.



وابستگی‌هایی که بین دختر و پسر ایجاد می‌شود، مانع‌گزیش صحیح و دقیق برای شریک آینده زندگی می‌شود و از آنجاکه دختر یا پسر به فردی خاص وابسته شده، تمام نیکی‌ها، خوبی‌ها، زیبایی‌ها را در فرد موردعلاقه خود می‌بیند و دیگر توان مشاهده عیوب احتمالی طرف مقابل را ندارند؛ زیرا از روی علاقه و از پشت عینک وابستگی، به طرف مقابل نگاه می‌کند؟ نه با نگاه نقادانه و بررسی‌کننده‌ای که تمام نقاط ضعف و قوت او را در ترازوی حقیقت‌بین، مورد دقت و مشاهده قرار دهد.

روابط دختر و پسر، بیش از آن‌که دست‌وپا گیر در انتخاب صحیح باشد، تهدیدکننده نهاد خانواده در جامعه به شمار می‌آید.

دکتر کاترین کوهان استاد دانشگاه ایالت پنسیلوانیا می‌گوید: طبق آخرین تحقیقات، افرادی که پیش از ازدواج با یکدیگر رابطه داشته‌اند؛ بعد از ازدواج، در حل مشکلات خود عاجزند؛ زیرا که نسبت به یکدیگر بسیار بدبین هستند.^۱

ان شا الله در جلسات آینده مفصل به آسیب‌های این دوستی‌ها خواهیم پرداخت

تمرکز بر خانواده یا عدم آن

این باور غلط به دو شکل مطرح هست

۱. می‌گویند تو می‌خواهی با خودش ازدواج کنی خانواده مهم نیست

۱ روزنامه جمهوری: ش ۶۵۷۱، ص ۵

رسول خدا ﷺ می فرماید: قَالَ أَتَيْتَا النَّاسَ إِيَّاكُمْ وَ حَضْرَاءَ الدِّمَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا حَضْرَاءُ الدِّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ السُّوءِ.^۱

«ای مردم از گیاهانی که بر مزبله ها می روید اجتناب نمایید، گفته شد: یا رسول الله مقصود شما از گیاه و سبزی که بر مزبله می روید چیست؟ زن زیبایی که در خانواده پست و فرومایه پرورش می یابد.» در غیر این صورت آثار منفی رشد و تربیت خانوادگی در آینده زندگی مشترک و نسل آینده تأثیر زیادی برجای خواهد گذاشت. خداوند حکیم در قرآن کریم می فرماید:

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا؛^۲
سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار می روید، اما سرزمین های بدطینت (و شوره زار) جز گیاه ناچیز و بی ارزش از آن نمی روید.

بنابراین باید در انتخاب همسر بسیار دقت کرد و از خانواده دارای کرامت و شرافت و اصالت همسر را برگزید چراکه این کشت زار در ثمر و میوه زندگی که فرزند باشد تأثیر خواهد گذاشت.

هم چنین پیامبر اسلام فرمودند: «نَظَرُ فِی أَيْ نِصَابٍ تَصَعُّ وَلَدَكَ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ».^۳ «بنگر که فرزند خود را در چه مکانی قرار می دهی زیرا رگ و ریشه در فرزند اثر می گذارد.»

۱ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳۳۲

۲ سورة الأعراف: ۵۸

۳ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص: ۲۶۶



۲. میگویند مهم پدر و مادرش هستند در فلان خانه بزرگ شده پدرش مادرش فلان اشخاص متدین و متشخص هستند پس حتماً جوان سالم و مطلوبی باید باش و در مورد خود جوان تحقیق نمی‌کنند در صورتی که نوح نبی هم فرزندی کافر داشت یعقوب نبی یک فرزندش یوسف بود د دیگری یوسف کش

۲. ازدواج همه مشکلات را حل می‌کند

گاهی خانواده‌ها برای سربراه شدن و مسئولیت پذیر شدن فرزندشان، او را به ازدواج ترغیب می‌کنند در صورتی که ازدواج خود مسئولیت مضاعفی بر دوش افراد است و اگر فردی نتواند از پس مسئولیت‌های دوران مجردی خود بر بیاید به سختی می‌تواند از پس مشکلات و مسئولیت‌های زندگی مشترک بر بیاید. پس فکر نکنید ازدواج مشکلات را حل می‌کند. اگر مشکلی در هر زمینه‌ای دارید سعی کنید قبل از ازدواج آن را حل کنید تا مشکلات خود را وارد یک زندگی جدید نکنید

۳. عشق نشانه صحت انتخاب است

امیرالمؤمنین علی ع می فرماید: «حَبَّ الشَّيْءِ يَعْصِي وَيَصْتَم»^۱، دوست داشتن چیزی (آن هم ناآگاهانه و از سر هیجان و احساسات) انسان را کور و کر می‌کند.

عشق و محبت افراطی مانع شناخت دقیق می‌شود عاشق فقط

۱ بحار ۷۷/ ۱۶۵- از کتاب «عوالی اللّٰهالی» - الحیاء / ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص: ۲۹۹

خوبی می‌بیند حتی بدی‌ها را هم خوبی می‌بیند. علاوه بر این عشق لازمه زندگی زناشویی است اما برای آن کافی نیست و اگر شما فقط به خاطر این‌که عاشق فردی هستید با او ازدواج کنید همان قدر اشتباه است که فقط به خاطر پول یا ظاهر با کسی ازدواج کنید، چراکه تمام این‌ها جزئی از زندگی‌اند و نه کل آن. در زندگی ملاک‌های دیگری را هم باید زوجین داشته باشند. از طرفی عشق در زندگی مشترک با عشق در دوران مجردی از همه لحاظ متفاوت است وقتی وارد زندگی مشترک می‌شوید به همفکری و همدلی احتیاج دارید، به کسی که شما را درک کند و به شما آن‌طور که می‌خواهید توجه کند و احترام بگذارد و هزاران چیز دیگر که تنها با عشق میسر نیست و به برگ خریدهای دیگری نیز احتیاج دارد. غم عشقی ازدست‌رفته، ممکن است چند روز یا نهایتاً چند هفته طول بکشد و به یک خاطره تبدیل شود اما یک زندگی شکست‌خورده تا سال‌ها شما را آزار خواهد داد. باید اول عاقلانه انتخاب کرد بعد عمری عاشقانه زندگی کرد البته اینکه باید همسر قبل از ازدواج به دل انسان باشد به تعبیر مردمی به دل بنشیند غیر از عشق است.

۴. مهریه سنگین باعث قوام زندگی می‌شود

مسئله مهریه در اسلام مسئله بسیار مهم، ظریف، دقیق و قابل توجه است، اصل مهریه پسندیده است اما اسلام بر مهریه‌های سبک اصرار دارد و از مهریه‌های سنگین متنفر است.



رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَضْبَحُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهِنَّ مَهْرًا^۱.

برترین زنان امت من زنی است که زیباییش بیشتر و صداقش کمتر باشد. مهریه زیاد خوشبختی نمی‌آورد بلکه بعضاً عامل ناراحتی‌ها و دلخوری‌های اول ازدواج و بعد نگرانی مرد و تهدیدهای خانمان‌سوز زن می‌شود.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

لَا تُغَالُوا بِمَهْرِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً^۲

مهرها را زیاد نگیرید که مایه دشمنی است.

از اثرات سوء دیگر مهریه سنگین این است که مجلس خواستگاری به مجلس چانه زدن برای بالا یا پایین آوردن مهریه، مبدل می‌شود که این عمل در شأن یک دختر نیست و ارج و ارزشش ضایع می‌شود؛ زیرا در این حالت، با زن به صورت یک کالا برخورد می‌شود و این درست برخلاف تصور آن خانواده‌ای است که می‌پندارد با سنگین گرفتن مهریه، ارزش و اعتبار دخترش را بالا برده و او را در بین دیگران سربلند کرده است.

رسول خدا ﷺ فرمود:

لَا تُغَالُوا بِمَهْرِ النِّسَاءِ فَإِنَّمَا هِيَ سَقْبَا اللَّهِ سُبْحَانَهُ^۳.

مهرها را سنگین نگیرید، مهر و محبت را باید خداوند مهربان فراهم

۱ بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۳۷/۲۵.

۲ مکرم الأخلاق: ج ۱ ص ۵۰۶ ح ۱۷۵۳

۳ بحار الأنوار: ج ۱۰۳ ص ۳۵۳ ح ۳۴

آورد، پول و مال عشق و محبت نمی‌آورد.

همسر شهید محمد جهان‌آرا می‌گوید مهریه ما یک جلد کلام‌الله مجید بود و یک سکه طلا.

سکه را که بعد از عقد بخشیدم اما آن یک جلد قرآن را محمد بعد از ازدواج خرید و در صفحه اولش این‌طور نوشت: ((امیدم به این است که این کتاب اساس حرکت مشترک ما باشد و نه چیز دیگر؛ که همه چیز فناپذیر است جز این کتاب)). حالا هرچند وقت یک‌بار خستگی بر من غلبه می‌کند، این نوشته‌ها را می‌خوانم و آرام می‌گیرم.^۱

حضرت باقر علیه السلام فرمود: زنی خدمت رسول حق آمد و عرضه داشت مرا شوهر دهید، حضرت فرمود: کدام یک از شما حاضران او را به زنی قبول می‌کند.

مردی برخاست و گفت: من، فرمود: بابت مهرش چه می‌دهی؟ گفت: چیزی ندارم، فرمود: بدون صداق نمی‌شود، باز حضرت پیشنهاد خود را تکرار کرد و کسی غیر از آن مرد پاسخ نگفت تا مرتبه سوم به داوطلب فرمود: چیزی از قرآن می‌دانی؟ عرضه داشت: آری. فرمود: این زن را در برابر تعلیم هر مقدار از قرآن که می‌دانی به همسری تو درآوردم.^۲ دختران باکرامت باید متوجه باشند اگر هم‌کفوی به خواستگاری آنان آمد و خانواده در مسئله ازدواج و بخصوص صداق و مهر سختگیری کرد، باکمال ادب و وقار این وضعیت را مدیریت کنند

۱ بانوی ماه ۵، ص ۱۴

۲ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)، ج ۲، ص: ۵۷۹



و با سفارش والدین به سهل گیری در این امور جزئی تلاش کنند تا از طریق بیان معارف حقه امر ازدواج را تسهیل نمایند. رسول حق در ازدواج دختر بزرگوارش که سیده زنان تمام جهان است با علی علیه السلام مهر و صداق را مختصر و اندک قرارداد تا برای تمام امت سرمشق و اسوه باشد، چه زشت است که خانواده‌ها در مسائل ازدواج بخصوص مسئله مهر از پیامبر عزیز خود پیروی نکنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: **أَنْ مَنْ يُمِّنِ الْمَرْأَةَ تَبْسِيرَ خَطْبَتِهَا وَتَبْسِيرَ صِدَاقِهَا و...!**

از میمنت [و خجستگی] زن این است که راحت خواستگاری شود و کابینش (مهریه اش) سبک

خواستگاری آسان و راحت یعنی اینکه مسائلی مانند پرداخت شیربها، مهریه‌های سنگین، خرید سنگین، هزینه‌های چشم‌وهم‌چشمی، برگزاری مراسم پرخرج، قراردادان شرایط دشوار و اموری از این دست مطرح نشود تا یک زن بامیمنت و مبارکی وارد منزل همسرش شود و زندگی توأم بامحبت و آسایش فکری و روحی را آغاز نمایند.

۵. با ازدواج به آزادی و استقلال می‌رسیم

درست است که شما با ازدواج، مستقل‌تر از زمانی خواهید شد که در خانه پدری زندگی می‌کردید اما در زندگی مشترک شما به یک استقلال دو نفر باهمسران می‌رسید که در همه زمینه‌ها باید باهمسران تصمیم‌گیری کنید و نمی‌توانید به‌تنهایی تصمیم بگیرید

۱ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص: ۳۴۲

و باید راجع به تصمیمات و اعمال خود در برابر همسران پاسخگو باشید. پس به امید آزادی مطلق ازدواج نکنید چراکه ازدواج هم قیدوبندهای خود را دارد. پدر و مادر هرچقدر سخت‌گیر باشند از یک ازدواج ناموفق و همسری که برای شما مناسب نیست بهتر است، پس به جای ازدواج از سر ناچاری، به فکر راه حلی برای حل مشکلات با والدینتان باشید.

۶. اگر ازدواج نکنم سنم بالا می‌رود

سن ازدواج یک دغدغه همیشگی برای کسانی که می‌خواستند ازدواج کنند بوده است هر وقت که شرایط ازدواج کردن را داشتید و شخص مناسبی برای ازدواج پیدا کردید معطل نشوید و اگر ستان داشت بالا می‌رفت نترسید و تن به ازدواجی از سر اجبار ندهید. همیشه به یاد داشته باشید که ازدواج ناموفق بسیار دردناک‌تر از تنهایی است. این عقیده که انتخاب یک همسر باید ساده باشد و این انتخاب حامل یک شانس و یا اتفاق است. بنابراین فرد شاید تصور کند که برای انتخاب همسر به جای عمل کردن باید در انتظار یک اتفاق بماند. علاوه بر حکم عقل و منطق، روایاتی که در آن معیارهای انتخاب همسر ذکر شده دلیل محکمی بر دخالت انسان در سرنوشت خویش است. پیشوایان دین به ما توصیه کرده‌اند که در انتخاب همسر نهایت دقت را مبذول کرده و چشم‌بسته ازدواج نکنیم، چراکه ازدواج یک موضوع حیاتی است و برای هر کس به‌طور طبیعی در طول زندگی‌اش فقط یک‌بار اتفاق می‌افتد، نباید با تنبلی و سرسری

گرفتن آینده به خطر بیفتد واقعاً از این آدم‌های تنبل تو جامعه زیاد شده شاعر زیبا حال این افراد را گفته است:

تنبلی می‌گفت با سوز و گداز ای خدا! يك دم بیا با من بساز!
می‌نشینم در کنار پنجره تو مهیا کن کمی نان و کره
می‌کشم من زحمت نان و کره می‌کنم شکرت ز بیخ حنجره

خلاصه خدایا من حال ندارم تو خودت درستش کن شعر طولانی
ادامه دارد این جناب تنبل دست سمت آسمان از خدا پول

می‌خواست و خانه و غذای لذیذ و از این موارد تا اینکه ناگهان
سقف خانه‌بر سرش آوار شد روز روشن پیش چشمش تا رشد
گفت تنبل ای خدا! شکرت، چرا سقف را یکجا فرستادی مرا؟!
می‌فرستادی تو چیز بهتری من به قربان تو که زیباتری
می‌روم تا خانه‌ای پیدا کنم هر چه تنبل هست را رسوا کنم

این مواردی که خدمت شما شمردیم یک سری از باورهای غلط
در مسیر ازدواج بود ان شا الله که بتوانیم جاده‌ی ازدواج جوانان
عزیزمان را از این سنگلاخ‌ها پاک‌کنیم ان شا الله.

جلسه نهم:

قاعده طلایی
برای پایداری ازدواج



مقدمه:

در جلسات گذشته به بیانات مختلفی در خصوص ترغیب به ازدواج با لحاظ دو قید پایداری و آسانی تلاش شده است ملاک‌های انتخاب را عرض کرده‌ایم در این جلسه که تقریباً به پایان مباحث نزدیک می‌شویم لازم است از منظر دیگری به مسئله بنگریم و کمی بینش توحیدی و نگاه رشد یافته تری را القاء نماییم.

باهدف حل این مشکل که مخاطب مابعد از انتخاب صحیح همسر و شروعی مورد رضایت دین با مشکلات و اختلافاتی ولو مختصر بر خواهد خورد این بحث راه برون‌رفت از آن مشکلات است لذا از باب مقدمه عرض می‌کنیم:

یقیناً زندگی عالم دنیا با سختی‌ها و گرفتاری‌هایی همراه است و لازم است ما راه برون‌رفت از آن‌ها را بیاموزیم و واقعیت آن است که این راه برون‌رفت به معنای ندیدن سختی‌ها یا تلاش برای حذف آن‌ها نیست بلکه باید رنج را پذیرفت و با او کنار آمد.

اگر مخاطب ما رنج و سختی را یک واقعیت غیرقابل انکار دانسته و



فلسفه آن‌ها رشد خود بدانند تنها راه او آن است که با بهره از چند توصیه دینی تلاش کند نگاه خود را به رنج تغییر داده و در پناه این نگرش جدید از رنج، رنج نکشد و حتی بتواند بعضی از رنج‌ها را کاهش دهد.

در حوزه ازدواج با دو فن تحمل و دیدن خوبی‌ها می‌توان به این مهم نائل آمد.

دنیا دارای قواعدی اجتناب‌ناپذیر

یکی از کسانی که از اطرافیان شاه معدوم بود و همان ایامی که شاه فرار کرده بود (دی‌ماه ۵۷) هر چه که ثروت داشت جمع کرده بود و از مملکت رفت رفته بود اروپا یک کشتی خریده بود و مشغول سیر در دریا شده بود. در کتاب خاطراتش برنامه روزانه‌اش از این قرار بود:

بعد از ورزش صبحگاهی، صبحانه مفصل روی عرشه کشتی، بعد دو ساعت ماهیگیری، بعدش شنا در

استخری که در داخل کشتی تعبیه شده بود، بعد وقت ناهار آن‌هم چه ناهاری نگو و نپرس، بعدازآن ظهر کمی

استراحت، قبل از غروب هرروز بک نوع ورزش تفریحی مثل بیلیارد و تنیس و شطرنج، با رفیق‌هایش تا شب می‌شد و وقت شام، بعد از شام هم بک فیلم سینمایی به همراه دسر بعد از شام داخل کشتی سالن سینما وجود داشت (و در آخر خواب) زمستان‌ها داخل کشتی می‌خوابید و تابستان‌ها روی عرشه کشتی می‌خوابید.

این خلاصه‌ی برنامه‌ی روزانه‌ی این بنده خدا بود.

فکر می‌کنید آدمی که این همه بساط خوشی برایش فراهم بوده حلال و حرام آخرش تو در ان کتاب خاطرات در موردش جی نوشته بودند؟ ... از شدت افسردگی مرد!

کسی که آرشیو فیلم سینمایی تو کشتیش پره از فیلم‌های کم‌دی و جنگی و اکشن و غیره.

تو کشتی آن‌هم با خدم و هشم و... از افسردگی بمیر! بله پول داشت ولی از افسردگی مرد.

از این دست افراد زیاد پیدا می‌شوند در عالم کافی کتاب‌های در این زمینه را مطالعه مختصری بکنید یا حتی تو اینترنت جستجوی محدودی داشته باشید بیش از آن چیزی که فکرش را بکنید آدم‌های ثروتمند با این وضعیت وجود دارند چرا؟ چرا که این وضعیت مبتلا می‌شوند.

ظاهراً تو دنیا خبرهایی هست قواعدی است مشکلاتی که همه‌ی آن‌ها با پول و ثروت حل نمی‌شود باید قواعد دنیا را شناخت بحث ما پیرامون ازدواج پایدار، آسان و ماندگار بود بحثی که در این جلسه خدمت عزیزان هستم برای پایدار ماندن یک ازدواج ضروری است خیلی مهم است اگر این بحث را خوب ان شا الله درک کنیم و با آن ارتباط برقرار کنیم خیلی از مشکلات زندگی قابل حل است شاید خیلی از اتفاقاتی که ما آن‌ها را مشکلات حل نشدنی فرض می‌کردیم به راحتی حل شود.

خداوند متعال در جاهای مختلفی از قرآن بیان می‌دارد که این سنت



من ثابت است و قابل تبدیل نیست در سوره فتح آیه ۲۳ می فرماید:

﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (فتح ۲۳)

خدا روشی ثابت و قطعی مقرر کرده است که از پیش [بر پیروزی مؤمنان و شکست کافران] جاری بوده است و هرگز برای روش خدا تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.

زندگی قواعدی دارد واقعیت‌هایی دارد بعضی از واقعیات زندگی هست که هیچ‌کسی به ما نمی‌گوید نه پدر و مادر و نه آموزش و پرورش و ما تازه وقتی در زندگی به این واقعیات می‌رسیم با آن‌ها آشنا می‌شویم. بعد نمی‌دانیم در این موقعیت چه باید کرد. حضرت امیر در اول نامه سی‌ویک نهج البلاغه راستش را می‌گوید واقعیت زندگی را می‌فرماید: پسرم به آرزوهایت نمی‌رسی.

إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤْمَلِ مَا لَا يُدْرِكُ^۱

اصلاً دنیا برای این آفریده نشده که تو به آرزوهایت برسی فریب این دنیا را نخور خیلی دل خوش نکن
امیر المومنین علی علیه السلام در این سخن فصیح و بلیغ خود، در بیان اوصاف دنیا ده جمله ذکر فرموده است.

در نخستین جمله می‌فرماید: «من چگونه توصیف کنم سرایی را که آغاز آن سختی و مشقت است»

مَا أَصْفُ مِنْ دَارٍ أَوْلَهَا عَنَاءٌ فِي دَوْمَيْنِ جَمَلَةٍ مِي أَفْزَادِ: «و پايانش نیستی و فناست» وَ آخِرَهَا فَنَاءٌ^۲

۱ تحف العقول، النص، ص: ۶۸

۲ نهج البلاغه (صبحی صالح) خطبه ۸۲ ص ۱۰۶

«عناء» به معنای رنج و مشقت است و از همین رو به اسیر «عانی» می‌گویند؛ چراکه در رنج و مشقت است.

یک نگاه اجمالی، به سراسر زندگی انسان در این جهان نشان می‌دهد که همه آن آمیخته با رنج و مشقت است؛ سرآغاز آن که ولادت انسان است، نه تنها درد و رنج عظیمی برای مادر دارد، بلکه برای خود او رنج‌آورتر است؛ چراکه از محیط بسته‌ای به محیط بازی که بسیار با آن متفاوت است، وارد می‌شود در آغاز کودکی چنان ضعیف و ناتوان است که نه تنها نمی‌تواند پشه‌ای را از خود دور کند، دوران شیرخوارگی را، با تمام مشکلاتش پشت سر می‌گذارد و با درد و رنج از شیرینی که شیره جان او بود، جدا می‌شود و کم‌کم به راه می‌افتد درحالی‌که هیچ تجربه‌ای در زندگی ندارد و خطرات عظیمی از هر سو، زندگی او را تهدید می‌کند؛ کم‌کم بر سر عقل می‌آید و هوش او کامل می‌شود و تازه دردهای او آغاز می‌گردد، چراکه از حجم مشکلات زندگی و گرفتاری‌ها و محرومیت‌ها باخبر می‌شود؛ با چه زحمتی در میان جمعی که به همه چیز چسبیده‌اند، جای پایی برای خود باز می‌کند و خانه و لانه و همسری - با هزاران مشکل - برای خود برمی‌گزیند: مشکلاتی که تا پایان عمر همراه اوست. دوران پیری که نیروها از کف می‌رود و انواع ضعف‌ها و بیماری‌ها، در چشم و گوش و دست‌وپا و قلب و عروق و استخوانش ظاهر می‌شود، مشکلات مضاعفی برای او می‌آفریند. آری سرای دنیا سرایی است که با درد و رنج آغاز می‌شود و با انواع گرفتاری‌ها



ادامه می‌یابد!

حتی مرفه‌ترین زندگی‌ها، از انواع درد و رنج‌ها خالی نیست و به‌هرحال، هرکسی به‌نوعی گرفتار است.

آری، این طبیعت زندگی دنیاست که با درد و رنج آغاز می‌شود و ادامه می‌یابد و کسی که غیرآزان، بطلبد درواقع می‌خواهد طبیعت جهان را دگرگون سازد و این ممکن نیست.

برای پذیرش رنج به فہیم چرا رنج؟

نمی‌شود رنج را از زندگی دنیا حذف کرد باید رنج را پذیرفت برای پذیرش رنج باید بفہمیم چرا رنج در زندگی ما طراحی شده است. فلسفه این رنج‌ها چیست؟ ما از روزی که در باشگاه دنیا ثبت‌نام کردیم مربی ما، برای پرورش روحمان برای هرکسی تمرینی قرار داده نام عمومی این تمرین‌ها رنج هست. نباید از زیر تمرین‌های مربی‌مان دربرویم... نباید از دست رنج‌ها فرار کرد مردانه رنج‌ها را با تفکر و تدبیر بپذیریم و این واقعیت را به روحمان تزریق کنیم. سختی‌ها را برای انسان به‌عنوان یک نقطه سازنده دانسته و انسان در سختی آب‌دیده‌تر می‌شود. طلای ۲۴ عیار، ۲۴ نمی‌شود مگر آن آتش‌هایی که به‌ظاهر بسیار سخت است، بر آن وارد شود و تا طلا این آتش‌ها را لمس نکند و از دلان آن آتشکده‌ها نگذرد، طلا نمی‌شود. یا شمشیر تا آن پتک‌های آتشین آهنگر را نخورد، شمشیر تیز و برنده نخواهد شد. تمام قصه صنعت همین است و محصول تا از خط تولید بیرون می‌آید از همان آغاز تا انجام، سختی بسیار دیده تا ارزشمند شده است.

مادرزن حاج سید هاشم یکی از زنان نیرومند، پرخاشگر و تندخو بود و بسیار سید هاشم را اذیت می‌کرد.

وی روزی به خدمت علامه قاضی می‌رسد و می‌گوید:

آزار زبانی و کارهای مادرزنم بی‌حد شده است و صبر من نیز تمام می‌خواهد که اجازه بدهید، زنم را طلاق دهم.

ایشان فرمودند: آیا همسرت را دوست داری؟
گفتم: بله.

فرمودند: زنت نیز تو را دوست دارد؟
گفتم: آری.

فرمودند: هرگز راه طلاق نداری! برو و صبر پیشه کن! تربیت تو به دست زنت می‌باشد.

جریان گذشت و بنده طبق دستور استاد عمل می‌نمودم؛ تا اینکه یک شب تابستانی که خسته و گرسنه و تشنه به منزل آمدم؛ مادرزنم از شدت گرما لب حوضچه نشسته و بر روی پاهایش آب می‌ریخت. با ورود من، ناسزا و فحش شروع شد. بنده هم تا این وضعیت را دیدم، داخل اتاق نرفتم و از راه‌پله‌ها به سوی بام حرکت نمودم. ولی او دست بردار نبود صدایش همین‌طور بلند و بلندتر می‌شد؛ حتی همسایه‌ها نیز می‌شنیدند.

تا اینکه صبرم تمام شد. کلام استادم در مقابل دیدگانم بود. بی‌آنکه جوابی بدهم، به پایین آمده از خانه خارج شدم.

در کوچه و خیابان بدون هدف و ناراحت می‌گشتم؛ ناگهان حالتی نورانی پیش آمد و دری بر رویم باز شد؛ دیدم من دوتاشده‌ام یکی



سید هاشمی که مورد ناسزا و فحش واقع شده و دیگری من که بسیار عالی و مجرد هستم و نه ناسزا به او گفته شده و نه به او می‌رسد.

این اولین تجردی بود که در کربلا برایم پیدا شد؛ و این در برایم باز نشد مگر به خاطر تحمل و صبر و اطاعت از استاد که اگر نبود، آن غمناکی‌ها و پریشانی‌ها همچنان بود.^۱

تفکر درباره فلسفه رنج‌ها، آرامش‌بخش‌تر از هر آرام بخشی است؛ و راه نجات از افسردگی‌هاست.

مربی ما یعنی خدا دو نوع تمرین برای پرورش روح ما می‌دهد یکی تقدیر دیگری تکلیف ما در معرض انواع رنج‌ها یا تمرین‌ها و تقدیرها هستیم قرآن می‌فرماید: «گاهی شما را با ترس تمرین می‌دهیم و امتحان می‌کنیم گاهی با گرسنگی و گاهی بخشی از اموال یا فرزندت یا خودت بالاخره این‌ها تمرین‌های روح ماست؛

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾^۲ و کسی در این تمرین‌ها و مسابقات برنده می‌شود که صبر کند صبر کند صبر یعنی مدال افتخار مسابقه قهرمانی پرورش اندام روح.

شیخ مفید می‌گوید: شخصی در برابر امام سجاد علیه السلام ایستاد و سخنانی درشت و ناشایست به او گفت، حضرت سجاد علیه السلام پاسخی نگفت؛ اما پس از رفتن او به هم‌نشینانش فرمود: شنیدید این

۱ ماخذ: کتاب ناگفته‌های عارفان ج ۲ و کتاب روح مجرد

۲ البقرة: ۱۵۵

شخص چه گفت، من دوست دارم همراه من باشید تا پاسخ مرا هم بشنوید، گفتند: می‌آییم؛ ولی دوست داشتیم همین جا شما پاسخ می‌گفتید و اجازه می‌دادید تا ما نیز تا جواب او را می‌دادیم. آنگاه حضرت کفش‌هایش را پوشید و به راه افتاد و این آیه را می‌خواند: «والکاظمین الغیظ...»^۱؛ یعنی فرو برندگان خشم و گذشت کنندگان از مردم و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. راوی می‌گوید: از این رفتار امام دانستیم که سخن تندی نخواهد گفت. امام زین‌العابدین علیه السلام تا در خانه شخص آمد و او را ندا داد و فرمود: بگوئید علی بن الحسین است. آن شخص درحالی که شک نداشت علی بن الحسین برای تلافی آمده است، شرارت جوینانه بیرون پرید. حضرت سجاد علیه السلام تا او را دید فرمود: برادرم چند لحظه قبل نزد من آمدی و چنان و چنین گفتمی، حال اگر آنچه گفتمی در من هست، خدا مرا ببخشد و اگر در من نیست، خدا تو را ببخشد. او پیشانی حضرت را بوسید و گفت: آری سخنانی گفتم که خود شایسته‌ی آن بودم.^۲

صبر کن ای دل که صبر سیرت اهل صفاست

چاره عشق احتمال، شرط محبت وفاست

مالک رد و قبول هر چه کند پادشاست

گر بزند حاکمست ورنه نوازد رواست^۳

نگاه حضرت به عالم دنیا نگاه دیگری است عزت را در دستان خدا

۱. سوره آل عمران آیه ۱۳۴

۲. منبع: الأرشاد. ص ۲۵۷

۳. گنجور «سعدی» دیوان اشعار غزلیات غزل ۴۸



می‌بیند این گفت‌وگوها این آمدوشدها این عزت و ذلت‌های ظاهری در همه‌ی این‌ها خدا را باید دید خدا ناظر است حساب‌کتاب دست اوست بعضی مواقع این رنج‌های سطحی گنج است اگر خوب آن‌ها را تحویل بگیریم.

جهان پیر است و بی بنیاد از این فرهاد کش فریاد
 که کرد افسون و نیرنگش ملول از جان شیرینم
 جهان فانی و باقی فدای شاهد و ساقی

که سلطانی عالم را طفیل عشق می بینم
 اگر بر جای من غیری گزیند دوست حاکم اوست
 حرامم باد اگر من جان به جای دوست بگزینم^۱

حضرت آقا در دیدار جانبازان عزیز فرمودند: وقتی جانباز صبر می‌کند، وقتی پای خدا حساب می‌کند، وقتی یک جوان نیرومند زیبایی برخوردار از محسنات طبیعی، با کوری یا از دست دادن پا، دست، کبد، سلامتی و محروم از بسیاری از خیراتی که انسان بر اثر سلامت جسمانی از آن‌ها برخوردار می‌شود، در میان سایر مردم راه می‌رود، اما شاکر است، اما احساس سرافرازی و سربلندی می‌کند که در راه خدا کاری کرده؛ این قیمت و ارزشش از شهدای ما کمتر نیست.^۲

زیبا فرمودند شاکر است احساس سربلندی می‌کند او از رنج چه بهره‌ای می‌برد

شاید جاده چالوس را دیده باشید یا رفته باشید هم از حیث زیبایی

۱ حافظ غزل شماره ۳۵۴

۲ ۱۱/۰۸/۱۳۷۹ بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان

جاده فوق‌العاده زیبایی است و هم جاده‌ای پر از پیچ‌وخم‌های خطرناک می‌باشد زندگی هم همین‌گونه است. زندگی هم دارای زیبایی‌ها و سختی‌هایی است اما باید با شناخت مشکلات را کم کرد

کسی بخواهد از زیبایی‌های جاده چالوس استفاده کند ولی با مشکلی در مسیر بر خود نکند نمی‌شود.

تحمل یکی از تمرین‌های روح در زندگی

امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: روزی امیر مؤمنان که درودهای خداوند بر او باد با یارانش نشسته بود و آن‌ها را برای جنگ، بسیج می‌کرد که پیرمردی، درحالی‌که رنج و خستگی سفر در چهره‌اش نمایان بود، بر او وارد شد و گفت: امیر مؤمنان کجاست؟

ایشان را به او نشان دادند. پیرمرد بر او سلام کرد و آنگاه گفت: ای امیر مؤمنان، من از منطقه شام آمده‌ام. پیری سالخورده‌ام که درباره تو فضایل بی‌شماری شنیده‌ام و گمان می‌کنم به‌زودی ترور خواهی شد. پس ازآنچه خداوند به تو آموخته است، مرا چیزی بیاموز. امام علیه السلام فرمود: باشد، ای پیرمرد! ... خداوند عده‌ای را آفرید و از سر لطف، دنیا را بر آنان تنگ کرد و ایشان را به زهد و بی‌رغبتی به دنیا و حطام دنیوی ترغیب فرمود و آنان، به سرای سلامت (بهشت) که خدا بدان فرایشان خوانده بود، رغبت کردند و بر سختی معیشت، صبر کردند و ناملایمات را تحمل نمودند و به کرامت و پاداشی که نزد خداوند است، شوق ورزیدند. برای جلب خشنودی خداوند،



فداکاری کردند و عاقبت زندگی‌شان، شهادت شد. والسلام!^۱
این اجر غیرقابل وصفی است که حضرت برای تحمل نامالیقات
زندگی بیان فرمودند حضرت اصل زندگی و رسیدن به غایت را درگرو
تحمل رنج دانسته‌اند

امیرالمؤمنین می‌فرمایند: فَصَبْرًا عَلَىٰ دُنْيَا تَمُرُّ بِأَوَائِهَا كَلَيْلَةٍ بِأَحْلَامِهَا
تَسْلِيخٌ^۲

در برابر دنیایی که گرفتاری آن، مانند خواب‌های پریشان شب
می‌گذرد شکبیا باش.

باید این معارف گران‌قدر را انسان هرروز و شب به خودش تذکر
بدهد زندگی قاعده دارد چراکه در زندگی مشکل وجود دارد سختی،
نامالیقات، اختلاف‌نظرها باید ساخت.

دوستان عزیز حتی دوقلوها هم در علایق و سلیق شبیه هم نیستند
اختلاف‌نظر وجود دارد فکر نکنیم با معیار و ملاک و آمادگی همسر
انتخاب کنیم دیگر هیچ مشکلی هیچ اختلافی نخواهیم داشت
خدا بعضی مواقع با همسر انسان را امتحان می‌کند اختلاف‌نظرها
اختلاف‌سلیقه‌ها راه پایدار ماندن ازدواج این است که بالاخره
از بعضی از نظرات کوتاه بیاییم هر دو طرف چه خانم و چه آقا
اختلاف سر یک مسئله جزئی را یک مشکل و اختلاف بزرگ نبینیم
صبر کنیم تحمل کنیم فکر کنیم تا برطرف به شه فرض کنید گنجشکی
وارد ساختمانی شده است برای رهایی دائم خود را به این طرف و

۱ کتاب من لایحضره الفقیه: ج ۴ ص ۳۸۱ ح ۵۸۳۳

۲ امالی (صدوق) ص ۶۲۲ - بحارالأنوار (ط-بیروت) ج ۴۰، ص ۳۴۸، ح ۲۹

آن طرف می‌زند و تلاش برای نجات می‌کند. همین عمل موجب می‌شود که زمین‌گیر شده و در اثر اصابت به جاهای مختلف، گیج بزند. در صورتی که اگر این گنجشک به جای این کار و به جای آن که گمان کند راه فراری نیست، به آرامی گوشه‌ای بنشیند و اطراف را نگاه کند، قطعاً پنجره‌ای باز خواهد یافت که از آن فرار کند. انسان نیز همین‌طور است. وقتی مشکلات به او هجوم آورند باید بنشیند و فکر کند، فکر کردن برای همین از ۷۰ سال عبادت بهتر است؛ اما معمولاً وقتی اختلافی پیدا می‌شود، انسان دست و پای خود را گم می‌کند و با احساسات و بدون منطق و عجلانه تصمیم می‌گیرد. جنگجویی از استادش پرسید: بهترین شمشیرزن کیست؟ استادش پاسخ داد: به دشت کنار صومعه برو. سنگی آنجاست. به سنگ توهین کن. شاگرد گفت: اما چرا باید این کار را بکنم. سنگ پاسخ نمی‌دهد.

استاد گفت: خوب پس با شمشیرت به آن حمله کن. شاگرد پاسخ داد: این کار را هم نمی‌کنم. شمشیرم می‌شکند؛ و اگر با دست‌هایم به آن حمله کنم، انگشتانم زخمی می‌شوند و هیچ اثری روی سنگ نمی‌گذارند. من این را نپرسیدم. پرسیدم بهترین شمشیرزن کیست؟ استاد پاسخ داد: بهترین شمشیرزن به آن سنگ می‌ماند، بی‌آنکه شمشیرش را از غلاف بیرون بکشد، نشان می‌دهد که هیچ‌کس نمی‌تواند بر او غلبه کند! در دنیا باید در برابر مشکلات شمشیرزن باشیم ولی بعضی مواقع غلبه با غلاف شمشیر است و تحمل و صبر.



در زندگی بعضی مواقع بگذار و بگذر ... شهریار چه زیبا سروده
 من از چشمان خود آموختم رسم محبت را
 که هر عضوی به درآید به جایش دیده می‌گرید
 گذشت و دلنوازی را عزیزم از درخت آموز
 که سایه از سر هیزم‌شکن هم بر نمی‌دارد^۱

دیدن خوبی‌ها تمرین دوم

همسر شهید کلاه دوز می‌گوید مادرم نمی‌گذاشت ما غذا درست کنیم پدرم نسبت به غذا حساس بود؛ اگر خراب می‌شد، ناراحت می‌شد. تا قبل از عروسی برنج درست نکرده بودم. شب اولی که تنها شدیم، آمد خانه و گفت «ما هیچ مراسمی نگرفتیم. بچه‌ها می‌خواند بیان دیدن. می‌تونی شام درست کنی؟» کته‌ام شفته شده بود. همان را آورد، گذاشت جلوی دوست هاش. گفت: خانم من آشپزش حرف ندارد، فقط برنج این دفعه‌ای خوب نبوده و رفته.^۲ ببینید بازهم می‌گوید برنج خوب نبوده اصلاً این بدی که نتیجه آن در ظاهر ضایع شدن پیش رفقا است را نمی‌بیند در زندگی باید به خوبی‌ها توجه خاص شود فقط نیمه خالی لیوان را نبینیم بنشینیم و خوبی‌ها را بنویسیم هم مرد خانه و هم خانم، آن موقع بدی‌ها بین آن‌ها گم می‌شوند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود بخشی از خانم‌ها که تعدادشان هم کم نیست در جهنم‌اند به خاطر اینکه در زندگی لحظه عصبانیت به

۱ شعری از شهریار

۲ یادگاران، جلد سه، کتاب شهید مهدی باکری، ص ۱۱

آقایان گفتند: من از تو خیری ندیدم

«يَا حَوْلَاءُ أَكْثَرَ النَّارِ مِنْ حَطَبِ سَعِيرِ النِّسَاءِ فَقَالَتِ الْحَوْلَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ
وَكَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّهَا إِذَا عَصَبَتْ عَلَى زَوْجِهَا سَاعَةً تَقُولُ مَا رَأَيْتُ مِنْكَ
حَيْرًا قَطُّ»^۱

ای حولاء! بیش‌تر آتش دوزخ از هیزم آتش‌افروز زنان است. حولاء پرسید: ای پیامبر خدا! و این چگونه باشد؟ فرمود: زیرا هنگامی که ساعتی شوهرش بر او خشم گرفت و غضبناک شد، می‌گوید: من هرگز از تو خیری ندیدم.

البته خانم‌ها هم بعضی مواقع در اثر اینکه احساساتشان جریحه‌دار شده این حرف را می‌زنند که آقایان خیلی جدی نگیرند.

می‌خواهم یک خانم قوی و قدرتمند به شما معرفی کنم. خانم به نام ام سلمه در صدر اسلام بود وقتی آقای ابو طلحه آمد به خواستگاری‌اش گفت مهریه‌ی من مسلمان شدن توست.

این خانم فرزندش از دنیا رفت شب که به خانه آمد همسرش را مطلع نکرد تا شام خوردند نزدیک صبح به شوهرش گفت اگر کسی به بعضی از همسایگانش چیزی امانت بدهد و آن‌ها مدتی از آن استفاده کنند و وقتی صاحبش آن را پس بگیرد، آن‌ها گریه می‌کنند ایشان چگونه مردمی هستند؟ ابو طلحه گفت این‌ها بی‌انصاف‌اند بلکه دیوانه‌اند ام سلیم گفت ابو طلحه مواظب باش تا جزو دیوانگان قرار نگیری فرزندت از دنیا رفته خدا به تو صبر دهد.

۱ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۴



آماده دفن کردن فرزندان باش. ابو طلحه خدمت پیامبر ص رسید و ماجرا را شرح داد بعد خداوند به عبدالله ده فرزند داد که همه قاری شدند.^۱

رنج‌ها را به آغوش می‌کشد چه روح با عظمتی این خانم پیدا کرده. خوبی‌های مشکل را می‌بیند این خانم قاعده دنیا را فهمیده. کربلا اوج تحمل رنج بود زینب کبری سلام‌الله علیها همه بلاها را کشید چه عظمتی روح زینب کبری پیدا کرد که متکبران در مقابل عظمت زینب کبری سر تعظیم فرود می‌آوردند.



جلسه دهم:

تهدیدات پایدار
ماندن از دواج



مقدمه:

وقتی با نگاه دقیقی به اطراف خود توجه می‌کنیم درمی‌یابیم که هر چیزی آفتی دارد هر نهال نوپایی آسیب‌ها آفت‌هایی سلامت آن را تهدید می‌کنند برای حفظ سلامت آن باید آفت را شناخت و آن را برطرف کرد ازدواج هم به عنوان یک نهال نو پا قطعاً آسیب‌هایی سلامت و شکوفایی آن را تهدید می‌کنند در این جلسه پایانی درصدد هستیم آفات و تهدیدات پایدار ماندن ازدواج را بیان کنیم این آفت‌ها گاهی قبل از ازدواج رخ می‌دهد و گاهی بعد از ازدواج که هر دو قسم را مختصراً عرض می‌کنیم:

دسته اول آسیب‌های قبل از ازدواج

۱. عدم توجه به رضایت خانواده‌ها در انتخاب همسر
۲. روابط نامشروع قبل از ازدواج (به ازدواج منجر بشود و یا نشود که در حالت دوم پیامدهایی شخص را تهدید می‌کنند از جمله ۱. ضعیف شدن اعتماد به نفس جنس مقابل ۲. مقایسه دوست سابق با همسر ۳. تنوع‌طلبی ۴. سوءاستفاده و باج‌خواهی از او)



دسته دوم آسیب‌های بعد از ازدواج:

۱. توقعات غیرمنطقی

۲. عدم مدیریت محبت

قطعاً آسیب‌های بیشتری در این عرصه وجود دارد ولی ما در حد یک جلسه و فرصت مختصر ۴ مورد عمده را بیان کردیم ان شا الله بتوانیم با آگاهی نسبت به این تهدیدات ازدواج، زندگی جوانان را از آفت واکسینه کنیم ان شا الله.

تهدیدات پایدار ماندن ازدواج

آب‌سیاه، آب‌مرورید، آستیگماتیسم، افتادگی پلک، برآمدگی پلک، انحراف چشم، انقباضات پلک‌ها و ... این‌ها تعداد محدودی از بیماری‌ها چشم شمرده می‌شوند بعضی از متخصصین امر برای چشم که جزئی کوچک از ساختمان باعظمت چشم است حدود ۵۰ بیماری شمرده‌اند.^۱ آفات چشم آن‌قدر زیاد است که در جهان کنونی یک طیب نمی‌تواند در همه مشکلات چشم متخصص شود بلکه چشم متخصص‌های مختلفی دارد.

نه فقط چشم بلکه تمام موجودات عالم آسیب‌پذیرند نمی‌توان چیزی پیدا کرد که بی آفت باشد. به‌عنوان نمونه بدن خود ما انسان‌ها چقدر آسیب‌پذیر و پرافت است. انواع و اقسام بیماری‌ها که از مرز هزاران نوع بیماری می‌گذرد، همواره سلامت انسان را تهدید می‌کند. بدین جهت رشته‌های مختلف پزشکی برای مداوای

۱ ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

آن‌ها به وجود آمده است، حتی روح انسان نیز چنین است؛ نباتات، حیوانات، جامعه انسانی و خلاصه همه چیز آفت دارد تهدید دارد خطراتی آن را تهدید می‌کنند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ^۱ هر چیزی آفتی دارد در هر کار مراقب آفت‌ها باشید.

حتی در مباحث اخلاقی هم وقتی نگاه می‌کنیم موارد زیادی بیان شده امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

آفَةُ الْوَرَعِ قَلَّةُ الْغِنَاعَةِ: آفت مهم تقوا (و نقطه آسیب‌پذیری آن) قانع نبودن در زندگی است.^۲

آفَةُ الدِّينِ الْهَوَى؛ هوای نفس آفت دین است.^۳

ازدواج و تشکیل خانواده یک نهال نوپاست به عنوان یکی از اتفاقات مهم این دنیای خاکی از این قاعده مستثنا نیست نهال ازدواج هم آفتی دارد که سلامت آن را تهدید می‌کنند باید شناخته شوند تا دوام و پایداری ازدواج‌ها متزلزل نشود انشا الله.

در این جلسه عرض ما این است چه چیزهایی برای یک ازدواج پایدار تهدید محسوب می‌شود چه اتفاقاتی پایه ازدواج را متزلزل می‌کند این بحث خیلی مهم و حیاتی است که زوجین حتی قبل از ازدواج بدانند بعد از ازدواج آسیب قوام ازدواج و زندگی آن‌ها به چیست ۴ مورد از آفت‌هایی که ممکن است دامن‌گیر نهال نو پای

۱ غرر الحکم: ۷۳۰۳

۲ میزان الحکمة، باب ۹۷، حدیث ۵۳۷، (ج ۱، ص ۱۱۱).

۳ میزان الحکمة، باب ۹۷، حدیث ۵۱۳، (ج ۱، ص ۱۱۰).



ازدواج شود را بیان می‌کنیم انشا الله زندگی جوانان عزیز از آفت‌ها ایمن شود:

۴ مورد از افت‌های ازدواج

عدم توجه به رضایت خانواده‌ها در انتخاب همسر خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا...﴾

و خدای تو حکم فرموده که هیچ‌کس را جز او نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید اگر هر دو یا یکی از آن‌ها به پیری برسند (که موجب رنج و زحمت باشند) زنه‌ار کلمه‌ای که رنجیده‌خاطر شوند مگو و کمترین آزار به آنان مرسان و با ایشان با احترام و بزرگواران‌ه سخن بگو.

گرچه هستی ما از خداست، ولی سبب زندگی و وجود ما، پدر و مادر است و ما شاخه‌ای از وجود این دو عزیزیم و میوه‌ای از بوستان محبت و تربیت و مهر و عاطفه بی‌نظیر پدر و مادریم.

امیرالمؤمنین علی ع می‌فرماید بر الوالدین اکبر فریضة.^۲

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تکلیف الهی نیکی به پدر و مادر است.

هر چه از حرمت پدر و مادر و اهمیت اطاعت و محبت به آن‌ها بگوییم کم گفته‌ایم چگونه بعضی حرمت این گوهرهای زندگی

۱ سوره اسراء: ۲۳.

۲ میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۷۰۹.

خود را حفظ نمی‌کنند.

زکریا بن ابراهیم می‌گوید مسیحی بودم و در مسیحیت متعصب، مسلمان شدم و خوشحال بودم، به مکه رفتم، خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم فرمود اگر پرسشی داری، بپرس. عرض کردم: خانواده‌ام مسیحی هستند، تنها مسلمان آن خانواده منم، مادرم کور شده، من به ناچار با آنان زندگی می‌کنم، زیرا پدر و مادرم جز من کسی را ندارند، دوست دارند با آن‌ها هم غذا شوم و از ظرف آنان آب بخورم، فرمودند پدر و مادرت گوشت خوک می‌خورند گفتم نه با خوک تماسی دارند؟ گفتم: نه. فرمود: از آن خانه بیرون نرو. از پدر و مادرت جدا مشو، به مادرت خدمت کن، کارهایش را انجام بده، او را به حمام و دست‌شوئی ببر، لباس‌هایش را عوض کن، لقمه به دهانش بگذار!

وقتی به کوفه برگشتم تمام دستورات حضرت را نسبت به مادر عمل کردم، به من گفت حقیقت را به من بگو آیا مسلمان شده‌ای؟ گفتم: آری و این‌همه خدمت و محبت به دستور امام زمانم فرزند رسول‌الله حضرت صادق علیه السلام است، مادرم گفت: او خود پیامبر است. گفتم: نه او امام ششم و زاده رسول حق است، گفت: نه این کارهایی که در حق من انجام می‌دهی دستور انبیاء خداست، در هر صورت من کورم، در عین کوری می‌فهمم که دین تو از دین من بهتر است، من را هم به دین خودت راه نمائی کن، مادرم را به عرصه گاه مسلمانی آوردم. نماز ظهرش را با من خواند، وقت مغرب به من گفت باز



نماز بخوان تا با تو بخوانم، زیرا من از برنامه ظهر لذت بردم، نماز مغرب را با من خواند و پس از نماز از دنیا رفت، یادم آمد که حضرت فرمود اگر مادرت از دنیا برود خودت دفنش کن، شیعیان را اول صبح خبر کردم، گفتند به کشیش بگو، گفتم مسلمان شده بود، به من کمک کردند تا کارهایش انجام گرفت^۱ بله این ارزش و ثمر محبت به پدر و مادر است.

جوانان عزیز نظر والدین و رضایت آن‌ها را در ازدواج جدی بگیرید هر مادر و پدری دوست دارد برای پسرش دختری شایسته از نظر ایمان، اخلاق و زیبایی و برای دخترش که میوه دل اوست همسری شایسته انتخاب کند کسب این رضایت علاوه بر بعد اخلاقی و دینی و شرعی در زندگی زوجین هم تأثیر قابل توجهی دارد. عدم رضایت خانواده‌ها در زندگی تأثیرات جدی دارد عدم توجه‌ها، تحقیرها، طرد کردن‌ها و عدم حمایت مالی و احساسی از عوارض آن است.

البته این نکته خیلی مهم است که ازدواج، شخصی‌ترین موضوع در زندگی است؛ بنابراین والدین باید حق انتخاب را به جوانان بدهند. منظور بنده این نیست که بر اساس ملاک‌های والدین، همسر را انتخاب کنیم و ازدواج کنیم، خیر. این اشتباه است. چون شما می‌خواهید ازدواج کنید و جوان هستید و ملاک برای ازدواج دارید و شما می‌خواهید با دخترخانم زندگی کنید نه پدر و مادرتان.

۱ نظام حقوق زن در اسلام - حسین انصاریان

به دخترخانم می‌گوییم این آقا را دوست داشتید؟ می‌گوید: خیر. می‌گوییم: پس چرا قبول کردی؟ می‌گوید: به خاطر اشک‌های مادرم، آه پدرم، قهر پدر. این خیلی خطرناک است. به مادرهای عزیز می‌گوییم: چرا اشک می‌ریزید؟ او به خاطر اشک‌های شما می‌گوید: بله. ولی اشک‌های شما بعداً جان‌سوزتر خواهد بود. این کاملاً لازم و ضروری است. به مادرها و پدرها بزرگوار خطاب می‌کنم بدون دلی، برای علل کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت برای ازدواج جوان با شخص خاص اسرار نکنید یا با ازدواج او مخالفت نکنی.

جوان‌ها برای کاهش مخالفت‌ها چه کنند؟

خب قبول که رضایت پدر و مادر مهم است حال بعضی از مواقع پدر و مادر غیرمنطقی برخورد می‌کنند چگونه رضایت آن‌ها را جلب کنیم

اگر امکان صحبت با والدین وجود دارد، با آن‌ها مشورت کنند. با لجبازی کاری پیش نمی‌رود. نظرات منطقی آن‌ها را بپذیرید و با دقت فکر کنید بهتر است درباره شخص موردنظر به والدین اطلاعاتی دهند و آنان را تشویق کنند که فرد را ببینند. دیده‌ها با شنیده‌ها متفاوت است.

در صورتی که فرزندان می‌دانند بزرگ‌تری در فامیل وجود دارد که به والدین نزدیک است و پدر و مادر به نظراتش اهمیت می‌دهند، می‌توانند از نظر مشورتی او کمک بگیرید. در غیر این صورت توصیه می‌شود نزد مشاور بروند.

۲. روابط نامشروع قبل از ازدواج

دومین آفت برای پایدار ماندن ازدواج روابط نامشروع قبل از ازدواج است.

ابو بصیر در کوفه معلم قرآن بود می‌گوید من به زنی قرآن می‌آموختم يك روز با او شوخی کردم وقتی خدمت حضرت باقر رسیدم مرا سرزنش کرده فرمود *مِنْ اِزْتَكَبِ الدَّنْبِ فِي الْخَلَاءِ لَمْ يَغْبِئَا اللَّهُ بِهِ - اَيَّ شَيْءٍ قُلْتَ لِلْمَرْأَةِ - فَعَظَّيْتُ وَجْهِي حَيَاءً وَ تَبْتُ - فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَعُدْ*^۱.

هر کس در خلوت مرتکب گناهی شود خدا به او توجهی نخواهد داشت به آن زن چه گفتی؟
من از خجالت صورتم را پوشیدم و توبه نمودم حضرت باقر فرمود دیگر چنین کاری نکن.

خب ابو بصیر معلم آن خانم بود و فقط یک شوخی کرد این طور مورد سرزنش حضرت قرار گرفت تا آنجا که حضرت فرمود خدا به او توجهی ندارد و وای به حال کسی که از چشم خدا بیفتد حال دوستی و رفاقت‌های امروزی دیگر بماند بعضی فکر می‌کنند کسی که نمی‌داند کسی نمی‌فهمد و از این دست حرف‌ها.

خداوند متعال می‌فرماید: *«وَقُلْ اِعْمَلُوا فِى سَبِيْرِ اللّٰهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ وَ سَتَرُوْنَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ*

تَعْمَلُونَ^۱:

بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند! و به‌زودی، به‌سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد!»

یکی از راویان از امام صادق علیه السلام تفسیر آیه شریفه **﴿قُلِ اعْمَلُوا فَسَبْرِي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾** را سؤال کرد، حضرت فرمود: «هُمُ الْأَنْبِيَاءُ»^۲ یعنی مؤمنین امامان معصوم علیهم السلام هستند. علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان می‌فرماید: هر عملی که انسان انجام می‌دهد، از خیر یا شر، خدا و رسول و مؤمنان (که امامان معصوم علیهم السلام) حقیقت عمل خیر یا عمل شر را مشاهده می‌کند.^۳ در توقیعی مبارک از حضرت مهدی علیه السلام آمده است: **فَاتَا يَحِيطُ عَلِمْنَا بِأَنْبَائِكُمْ وَلَا يَعْزِبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَمَعْرِفَتُنَا بِالزَّلْزَلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ**^۴

به اخبار شما علم داریم. هیچ چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. از لغزش و کاستی‌های عمل کرد شما آگاه هستیم. چیزی بر ما پوشیده نمی‌ماند.

امام خمینی رحمته الله با الهام و استناد به این‌گونه روایات نوشته است:

۱ (توبه / آیه ۱۰۵).

۲ مجلسی محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ مکرر، ج ۲۳، ص ۳۵۳.

۳ طباطبایی محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی محمد باقر، قم، انتشارات اسلامی، سال ۱۳۷۴ ه ش، چاپ پنجم، ج ۹، ص ۳۹۸.

۴ مجلسی محمد باقر، بحار الأنوار، لبنان، بیروت، انتشارات دار الاحیاء، سال ۱۴۰۳ ه ق، ج ۵۳، باب ۳۱، توقع ۷، ص ۱۷۵.



بینید که تحت مراقبت هستید. نامه اعمال ما می‌رود. پیش امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَحِيَّاتُ هفته‌ای دو دفعه به حسب روایات. نکند که خدای نخواستہ از من و شما و سایر دوستان، امام زمان ناراضی شود.^۱ بنابراین، معلوم می‌شود که حضرت مهدی موعود (عج) به عنوان آخرین خلیفه الهی روی زمین از راه‌های مختلف نظیر عرضه نامه اعمال و یا احاطه علمی و علم محیط اش، بر عمل کرد مردم نظارت دارد و به اذن الهی می‌داند که چه کسی چه کاری انجام می‌دهد. یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشیم

شاید که نگاهی کند آگاه نباشیم

لذا در دین به شدت با این دوستی‌ها مخالفت شده چراکه غیر از حرمت این کارها ضررهای زیادی متوجه جوان‌ها می‌شود که به زندگی آینده آن‌ها آسیب می‌زند.

این دوستی‌ها قبل از ازدواج گاهی منجر به ازدواج می‌شوند و گاهی منجر به ازدواج نمی‌شوند ما در این بحث آسیب‌های دوستی‌ها را در هر دو حالت خدمت شما بیان می‌کنیم.

الف) برفرض منجر به ازدواج بشود

پس از مدتی، جوّ بدبینی و سوءظن آن دو نسبت به هم فضای

۱. امام خمینی، صحیفه امام، قم، انتشارات نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام، سال ۱۳۸۳ ه

زندگی‌شان را، جهنمی خواهد ساخت و هر دو در آن خواهند سوخت. پسر با خود می‌گوید: دختری که به راحتی با من رابطه نامطلوب و نامشروع برقرار کرد از اعتقاد و ایمان قوی برخوردار نیست؛ بنابراین از کجا معلوم که پیش از ارتباط با من، با فرد دیگری هم طرح دوستی نریخته باشد؛ و از کجا که در آینده و پس از ازدواج با من، با دیگری ارتباط برقرار نکند؟ دختر نیز همین تصور را نسبت به پسر خواهد داشت وقتی دو طرف با سوءظن به هم نگاه کنند کوچک‌ترین اتفاق مشکوک را فاجعه‌ی بزرگی می‌بینند و اختلاف‌ها و تهمت زدن‌ها شروع می‌شود با چه نگاهی به همسر نگاه کردن خیلی مهم است.

هیزم‌شکنی بود یکی از روزها صبح از خواب بیدار شد و دید تبرش ناپدید شده.

شک کرد که همسایه‌اش آن را دزدیده باشد برای همین تمام‌روز او را زیر نظر گرفت.

متوجه شد همسایه‌اش در دزدی مهارت دارد مثل یک دزد راه می‌رود مثل دزدی که می‌خواهد چیزی را پنهان کند پچ‌پچ می‌کند.

آن قدر از شکش مطمئن شد که تصمیم گرفت به خانه برگردد لباسش را عوض کند و نزد قاضی برود.

اما همین‌که وارد خانه شد تبرش را پیدا کرد.

زنش آن را جابه‌جا کرده بود.

مرد از خانه بیرون رفت و دوباره همسایه را زیر نظر گرفت: و



دریافت که او مثل یک آدم شریف راه می‌رود حرف می‌زند و رفتار می‌کند.

خب چرا دفعه قبل او را آدم خوبی نمی‌دید چون با سوءظن به او نگاه می‌کرد البته عزیزان مواظب باشید در زندگی هیچ زمینه ایجاد سوءظن را فراهم نکنیم یعنی کاری نکنیم حرفی نزنیم که همسر به شما سوءظن پیدا کند مواظب باشید هیچ وقت به همسر خود سوءظن نداشته باشید واقعاً مخرب است ولو یک روزی زمانی خطایی مرتکب شده است.

سخت است سوءظن دختر و پسری که باهم دوست بوده‌اند از بین برود.

عشق‌هایی کز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت ننگی بود!

ب) اگر منجر به ازدواج نشود

تجربه نشان داده است که قریب به اتفاق این نوع دوستی‌ها به ازدواج ختم نمی‌شود. همان جوانی که قبل از ازدواج ممکن است با چند دختر ارتباط داشته باشد، از مادرش می‌خواهد که برای او دختر پاک و مؤمن انتخاب کند...

«ویل دورانت» به صراحت می‌گوید: زنان بی‌شرم، جز در لحظاتی زودگذر، برای مردان جذاب نیستند ... مردان جوان به دنبال چشمان پر از حیا می‌باشند و بدون آنکه بدانند، حس می‌کنند که این خودداری ظریفانه (حیا و عفاف) از یک لطف و رقت عالی خبر

می‌دهد.^۱

وقتی از جوانی سؤال می‌کنیم چرا با همان دختری که با او دوست بودی ازدواج نمی‌کنی؟ می‌گویند: او به درد دوستی می‌خورد ولی به درد ازدواج نه ازدواج شوخی بردار نیست، یا من به او اعتماد ندارم! البته گفتم منکر این نیستم که درصدی خیلی کمی از این دوستی‌ها به ازدواج ختم شود و در کنار هم احساس خوشی کنند. با این وضعیت این شخص نمی‌تواند یک زندگی را پرانرژی و شاد شروع کند اضطراب و دلهره برملا شدن دوستی‌های قبل ازدواج او در زندگی تأثیر سو می‌گذارد.

ضعیف شدن اعتماد به نفس جنس مقابل

اعتماد چنین شخصی از جنس مقابل سلب می‌شود زن می‌گوید مردها همه مثل هم هستند خدا می‌داند این چه کرده و چه می‌کند مرد هم به همین نحو اعتماد زن به شوهر به خاطر بی‌وفایی‌های که در نتیجه آن ارتباط دیده، سلب خواهد شد و در زندگی آینده نمی‌تواند متعادل باشد.

این مسئله در سطح کلان نیز، به حس اعتماد اجتماعی نیز آسیب می‌رساند. در جامعه‌ای که روابط پنهان دختران و پسران گسترده باشد، برای کسی که می‌خواهد ازدواج نماید و با دختر پاک زندگی مشترک را آغاز کند، همیشه این دغدغه را در وجود دارد که آیا این دختر با شخص دیگر پیش از او رابطه نداشته است؟

۱ لذات فلسفه، ۱۲۹



مقایسه دوست سابق با همسر

یکی از آفات که مکرر دیده شده، این افراد تصویری از همسر ایدئال پیدا می‌کنند. به‌ویژه هنگامی که با چندین نفر ارتباط پیدا می‌کنند. این‌ها ویژگی‌های مثبت دوست‌پسر یا دوست‌دخترهای خود را می‌گیرند و تصویری از همسر آینده می‌پرورانند. این تصویرسازی ذهنی غالباً به صورت ناخودآگاه انجام می‌شود و خود شخص نیز ممکن است نداند که دلیل تنش‌های مکرر با همسرش همین تصویرسازی و رؤیا و توقعات حاصل از آن است.

تنوع‌طلبی

آقای دکتر گلزاری ریاست مشاوره دانشجویی دانشگاه‌ها در دانشگاه علم و صنعت تعریف می‌کرد: روزی یک زوج دانشجو که مدت کوتاهی (حدود شش ماه) از ازدواجشان نگذشته بود، نزد من آمدند. چند جلسه مشاوره شد و به نتیجه نرسیدیم. در جلسه آخر از پسر پرسیدم شما در دوران دانشجویی دوست دختر داشته‌اید؟ گفت: بله چند تا! گفتم: اگر این مطلب را اول گفته بودید، این همه مشاوره طولانی نمی‌شد و علت اختلاف پنهان نمی‌ماند. پرسید چطور؟ گفتم: علت اختلاف همین است که شما با آن دوستی‌ها، دچار بیماری تنوع‌طلبی شده‌اید؛ و حالا بعد از مدت کوتاه شش‌ماهه از این خانم که هیچ اشکالی هم ندارد، سیر شده‌اید. با این حرف از شرم سر به زیر انداخت.

یکی از عوامل جدی اختلافات و مقدمه جدایی تنوع‌طلبی شخص است عوامل مختلفی در این امر دخیل هستند که یکی از موارد تاوان روابط قبل از ازدواج است بلکه بعضی قائل‌اند که انسان ذاتاً تا درصدی تنوع‌طلب است ولی اگر به تنوع‌طلبی میدان داده شود رشد می‌کند و دیگر قابل‌کنترل نیست

سوءاستفاده و باج‌خواهی

پیامد دیگر دوستی‌های خیابانی سوءاستفاده و باج‌خواهی است احتمال آن هم زیاد است یکی از موارد تلخی که بنده از آن مطلع شدم، در مورد دختر نگون‌بختی بود که از روی سادگی نامه‌ها و عکس‌هایی به دوست‌پسر خود داده بود. آن پسر حاضر به ازدواج با این دخترخانم نبود و اجازه ازدواج به کس دیگر را هم نمی‌داد! درنهایت دختر به خواستگار دیگری جواب مثبت داد. ولی آن به‌ظاهر دوست خیانت‌پیشه، نامه‌ها و عکس‌های آن خانم را سر سفره عقد تحویل داماد داد و آنچه نباید می‌شد اتفاق افتاد. ازاین‌دست مشکلات زیاد است و اینجا جای بیان خیلی از آن موارد نیست حتی از ناحیه دختران هم دیده‌شده که این تهدیدات صورت می‌گیرد عکس‌های دوران دوستی خود با فلان پسر را بعد از ازدواج در اختیار همسر آقا می‌گذارد و می‌شود آنچه نباید بشود.

۳. توقعات غیرمنطقی

سومین مورد از آفت‌ها توقعات بیش‌ازحد است این‌گونه آدم‌ها



همیشه بوده‌اند حتی در آیات قرآن مشاهده می‌شود که مخالفان از پیامبر نیز توقعات نا به جا داشته و به آزار و اذیت می‌پرداختند. بعضی می‌گفتند اگر پیغمبر هستی «أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بِنَا اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا؛ آسمان را به پایین بی انداز و خدا و فرشتگان را در کنار ما احضار کن.»

انتظارات بی‌مورد و غیرمنطقی از عوامل مخرب رابطه زناشویی هستند. این توقعات در زمینه هادی مختلف است توقع حضور بیش از حد شوهر در منزل به نحوی که با شغل و کارهای دیگر او تداخل دارد توقع ترک خانواده همسر و قطع ارتباط با آن‌ها توقع هزینه کردن مخارج بالا برای کارهای غیرضروری و صدها توقع ناب‌جای دیگر وجود دارد.

امام علی ع می‌فرماید: آفَةُ الْمَعَاشِ سُوءُ التَّدْبِيرِ^۱ آفت زندگی، سوء تدبیر است.

اگر توقعات بهاداده شوند حد توقف هم ندارند امیر المومنین ع فرمودند: «اگر حد کفایت بی‌نیازت سازد، کمترین چیز دنیا بی‌نیازت سازد؛ و اگر حد کفایت نیازت را برطرف ننماید، هیچ چیز دنیا بی‌نیازت نسازد»^۲.

اما چه کنیم؟

۱- چیزهایی از همسران بخواهید که واقع‌بینانه باشند.

۱ غرر الحکم: ح ۳۹۶۵،

۲ تحف العقول، ص ۳۷۸

۲- برای چیزی که نمی‌توانید داشته باشید افسوس نخورید.

۳- همسران را با همسر و زندگی دیگران مقایسه نکنید.

هشام بن سالم گوید: از امام صادق ع شنیدم که به حمران بن اعین فرمودند:

يَا حَمْرَانُ انْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْنَعُ لَكَ بِمَا قُسِمَ لَكَ وَآخِرَى أَنْ تَسْتَوْجِبَ الزِّيَادَةَ مِنْ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ^۱

ای حمران به کسانی که پائین تر از تو هستند و توانائی آنها از شما کمتر می‌باشد توجه کنید و به بالاتر از خود هرگز توجه نداشته باشید، اگر چنان کنی به آنچه در دست داری قناعت خواهی کرد. در این صورت شایستگی زیادت از سوی خداوند، پیدا خواهی کرد. ۴- زوجین مکلف هستند وظایف و حقوقی که نسبت به هم دارند برآورده کنند نه توقعات را.

و اما آخرین موردی که بنده در این بحث از آفات بیان می‌کنم بحثی است بسیار مهم و کلیدی و آن عدم مدیریت محبت است. ۴. عدم مدیریت محبت

پیامبر اکرم ص می‌فرماید: جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا اینکه یک مردی کنار همسر خود بنشیند و صحبت کند، در نزد خداوند از اعتکاف آن مرد در کنار خانهٔ کعبه بهتر است و ثوابش بالاتر است؛^۲ ولی زیادی آن بد است، با

۱ ترجمه ایمان و الکفر بحار الانوار، ج ۱، ص ۵۲۹؛ مکارم اخلاق و رستگاری، ص ۴۹۹

۲ (مجموعهٔ وزام / ج ۲ / ص ۱۲۲)



این‌که در روایات فراوانی وارد شده است هر چه ایمان بنده شدیدتر شود محبت به همسرش هم زیادتر می‌شود ولی محبت زیادی ضرر دارد و غلط است، محبت پدر و مادر به فرزند خوب است ولی زیادی آن ضرر دارد و غلط است امام باقر علیه السلام می‌فرماید: **شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَاهُ الْبِئْرَ إِلَى الْإِفْرَاطِ، وَشَرُّ الْأَبْنَاءِ مَنْ دَعَاهُ التَّقْصِيرَ إِلَى الْعُقُوقِ**^۱ بدترین پدران، آن پدری است که محبت، او را به زیاده‌روی بکشاند و بدترین فرزندان، آن فرزندی است که کوتاهی کردن [در برابر پدر]، او را به نافرمانی بکشاند.

چراکه خداوند متعال در قران می‌فرماید والذین امنوا اشد حبا لله یعنی کسانی که ایمان آورده‌اند شدیدترین محبتشان به خداوند متعال است، جز محبت خداوند و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هر چیز دیگری حدی دارد.

جای نگرانی در زندگی مشترک این است که ندانیم محبت همسر به خداوند متعال بیشتر است یا به زوجش؟ اگر بفهمیم محبت همسرمان به خداوند متعال و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بیشتر است دیگر جای نگرانی نیست و زندگی شاد و با آرامشی را سپری می‌کنند. محبت بین زن و شوهر اگر زیاد باشد انتظارات زیادی را درست می‌کند و کوچک‌ترین اختلافی باعث کینه‌ورزی و اختلاف می‌شود

خانم‌ها گاهی خیلی تقاضا دارند مرد تکیه‌گاهشان باش ببخشید

۱ تاریخ یعقوبی: ج ۲ ص ۳۲۰، الجوهره: ص ۵۲.

خدا پس کجاست باید بعضی وقتی بریم در خانه خدا درد و دل کنیم انتظار بیش از حد از محبت زدگی می‌آورد بله اگر ایمان مرد بالا بره حب خدا تو دلش بیاد به همسرش هم محبت خواهد کرد بعضاً زن اسرار دارد در دل مرد فقط جای او باشد مادر و خانواده‌اش را هم رها کند خب این انتظار غیرمنطقی زدگی می‌آورد زوجین باید بدانند در عین اینکه خانواده بسیار ارزشمند است ولی همه چیز خانواده و زن و شوهر نیست در دنیا ما وظایف دیگری هم داریم ابتدائی بنده خدا هستیم بعد همسر فلانی ما آخرتی هم داریم که پیامبر خدا ﷺ در اندرزش به ابن مسعود فرمودند: ای پسر مسعود إِيَّاكَ أَنْ تَدَعَ طَاعَةَ اللَّهِ وَتَقْصِدَ مَعْصِيَتَهُ شَقَقَةَ عَلَى أَهْلِكَ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا

! مبدا دلسوزی برای خانواده‌ات، باعث شود که طاعت خدا را وانهی و نافرمانی‌اش را در پیش‌گیری! زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «ای مردم! از پروردگارتان پروا بدارید و بترسید از روزی که هیچ پدری، به کار فرزندش نمی‌آید و هیچ فرزندی نیز به کار پدرش نخواهد آمد». ان شا الله خانواده وسیله‌ای باشد که ما در مسیر اصلی که مملو کردن قلب و دل از محبت خداست سرفراز باشیم ان شا الله.

